

آخرین

فرستاده

هادی بیگدلی



آخرین فرستاده

گردآورنده: مهندس هادی بیگدلی

ای رسول ما تو جادو نیستی صادقی، هم خرقه موسیستی
هست قرآن مر تو را همچون عصا کفرها را در کشد چون ازدها
(مثنوی معنوی حضرت مولانا)

نام کتاب: آخرین فرستاده

گردآورنده: هادی بیگدلی متولد ۱۳۵۲، مهندس برق - قدرت

موضوع: احوالات حضرت رسول اکرم (ص) از زبان قرآن

موضوع: اتفاقات مهم زندگی پیامبر نور و رحمت از منظر خداوند

موضوع: رمز صبوری پیامبر اکرم (ص) در رویاروی با ناباوران

ناشر: نویسنده ۰۹۱۲-۲۵۷۶۸۷۷ hadi_bigdeli@yahoo.com

تاریخ نشر: زمستان ۱۳۹۲ - ولادت حضرت رسول اکرم (ص)

تیراژ: --

قیمت: رایگان

چاپ: فایل PDF (انتشار الکترونیکی)

طرح روی جلد:

کلیه حقوق محفوظ است

آثار دیگر از نویسنده:

- ۱- کتاب ذهن نا آرام (فشار روانی - کنترل و خود سازی).
- ۲- کتاب روانکاوای پیر بلخ (شرح و تفسیر مثنوی، روانشناسی در شعر).
- ۳- کتاب سرگذشت بشر (پیامبران و داستانهای قرآنی).

صفحه	فهرست
۶ خدای را سپاس
۸ یادداشت
۹ فصل اول

خدای را سپاس

خدای را سپاس از اینکه عنایت فرمود و نوشتار این بنده اش را با سخنان بر حقش که بر قلب آخرین فرستاده اش - رحمت العالمین - وحی کرد، مزین نمود تا بگوییم: ستایش خدایی را که پروردگار جهانیان، رحمتگر مهربان و صاحب روز جزاست. خدایا الهامان کن تا تنها تو را بپرستیم و تنها از تو یاری بخواهیم که بهترین و تنهاترین یاری رسان تویی. خدایا ما را به راه راست هدایت فرما، راه آنان که گرامی شان داشته‌ای نه کسانی که بر آنها خشم گرفته‌ای و نه گمراهان.

خدای را سپاس که نعمت وجود حضرت محمد(ص)، آخرین فرستاده اش - که درود خدا بر او و رهپویان اندیشه و راه سعادتش باد -، را به ما ارزانی داشت؛ نعمتی که امت های گذشته و روزگاران پیشین، از آن بی بهره بودند. از این رو، ما را آخرین همه آفریده هایش قرار داد و بر کسانی که او را انکار کردند، گواه گرفت، و در پرتو نعمتش بر پیشینیان - که شمارشان اندک بود -، فزونی بخشید.

خداوندا بر محمد(ص) که امین وحی تو، و بر گزیده از خلق و برترین بندگان توست، درود فرست که پیشوای رحمت، و قافله سالار خیر و نیکی، و کلید برکت و خجستگی است. همچنان که جان خویش را در انجام دادن فرمان تو به سختی و مشقت واداشت و در این راه، تن خود را آماج بلا و مصیبت گردانید، و در فراخواندن مردم به آیین تو با تبار خویش، درافتاد و در راه جلب رضای تو با نزدیکانش به خصومت و دشمنی برخاست، و برای برپاداشتن دین تو رشته خویشاوندی را گسست؛ و وابسته ترین نزدیکان خود را به سبب انکارشان دور گردانید، و دورترین مردم را به پاس اجابت دعوت توحید، به خود نزدیک ساخت، و به خاطر تو، دورترین مردم را به دوستی و محبت برگزید، و با نزدیک ترین آنان دشمنی ورزید. و در ادای حق رسالت تو و رساندن پیامت خود را خسته ساخت، و در مسیر دعوت به دینت به مشقت افتاد، و در نصیحت و خیر خواهی اجابت کنندگان، سر از پا نشناخت، و به غریبستان و سرزمین دور از وطن مالوف و زادگاهش، که در آن می زیست و به آن دل سپرده و عشق می ورزید و با آن انس داشت، هجرت نمود.

خدایا آخرین فرستاده بر حق ات هجرت کرد تا دین تو را عزیز گرداند تا آنچه که درباره دشمنان در سر داشت، جامه عمل بپوشاند، و آنچه که برای دوستان و مومنان می اندیشید، تحقق بیابد. پس به آهنگ جنگ بر آنان بتاخت، تا آنجا که در درون سرزمینشان با آنان درگیر شد، و در میان خانه هایشان بر آنان هجوم برد، تا این که فرمان تو آشکار گشت و کلمه ات (نیست خدایی بجز الله) برتری یافت و برافراشته شد، هر چند مشرکان را ناخوش آمد.

خدایا به پاداش این همه رنج و سختی که در راه سربلندی نام تو بر خویشتن هموار کرد، او را به بالاترین درجات بهشت درآور، به اندازه ای که هیچ کس در مکان، با او برابری نکند و در هیچ مرتبه ای هم رتبه او نباشد، هیچ فرشته مقربی و پیامبر مرسل با او برابری نکند، و درباره اهل بیت پاکش و مومنان از امتش قبول شفاعتش را بیش از آنچه وعده کرده ای به او بنمایان.

خدایا به راستی این تو بودی که بر خواندن کتابت یاری ام فرمودی؛ خواندن همان نوری که فرو فرستادی، و بر هر کتابی که در پیش نازل کرده ای، شاهد قرار داده ای؛ و بر هر سخنی که حکایت نموده ای، برتری دادی؛ و حیی که بر آخرین فرستاده ات به تدریج فرو فرستادی، و آن را نوری قرار دادی که با پیروی از آن، در تاریکی گمراهی و نادانی، راه خویش را دریابم.

خدایا ظاهر و پیدای مرا در سایه قرآن سامان ده، و در پرتو آن، اندیشه ها و خاطرات و سوسه انگیز را از راهیابی به سلامت درونم دور دار، و به سبب آن، پراکندگی و پریشانی کارهایم را به سامان آور.

یادداشت :

در این کاوش سعی بر آن بوده است تا اتفاقات و احوالات حضرت رسول اکرم (ص) از منظر عدم ایمان آوردن مردم به آن پیامبر نور و رحمت و رمز صبوری آن بزرگوار در برخورد با ناباوران - از متن قرآن کریم ترجمه استاد مرحوم فولادوند - استخراج و در پیش روی اذهان حقیقت جو گسترده شود.

بنام خداوند بخشنده مهربان

فصل اول

ص

- ۱۲ به راستی تو از جمله پیامبرانی
- ۱۵ اگر روی برتافتند فقط رساندن پیام بر عهده توست
- ۱۹ از آنان روی برتاب و پندشان ده و با آنها سخنی رسا که در دلشان افتد بگو
- ۲۳ اگر پشت کردند بدان که خدا می خواهد آنان را فقط به پاره ای از گناهانشان برساند
- ۲۸ پس آنان را با آنچه به دروغ می سازند واگذار
- ۳۳ آیا از مکر خدا خود را ایمن دانستند؟
- ۳۷ تا تو در میان آنان هستی خدا بر آن نیست که ایشان را عذاب کند
- ۳۸ اموال و فرزندانیشان تو را به شگفت نیاورد
- ۴۰ آیا مردم را ناگزیر می کنی که بگروند
- ۴۲ تو فقط هشداردهنده ای
- ۴۶ فرستادگان نومید شدند و پنداشتند که به آنان واقعا دروغ گفته شده ، یاری ما به آنان رسید
- ۴۷ جز این نیست که بر تو رساندن است و بر ما حساب
- ۵۰ خدا را از آنچه ستمکاران می کنند غافل میندار
- ۵۳ به آنچه ما دسته هایی از آنان را بدان برخوردار ساخته ایم چشم مدوز
- ۵۵ به تو وحی کردیم که از آیین ابراهیم حق گرای پیروی کن
- ۵۸ اگر تو را استوار نمی داشتیم قطعا نزدیک بود کمی به سوی آنان متمایل شوی
- ۶۳ شاید اگر به سخن قرآن ایمان نیاورند تو جان خود را از اندوه در پیگیری شان تباه کنی
- ۶۶ آیا ندانستی که ما شیطانها را بر کافران گماشته ایم تا آنان را تحریک کنند
- ۶۸ پس بر آنچه می گویند شکبیا باش
- ۷۰ تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم
- ۷۳ بسیاری اند که عذاب بر آنان واجب شده است
- ۷۵ پس آنها را در ورطه گمراهی شان تا چندی واگذار

- ۷۷ خدا نور آسمانها و زمین است و هر که را بخواهد با نور خویش هدایت می کند.....
- ۷۹ گفتند این چه پیامبری است که غذا می خورد و در بازارها راه می رود.....
- ۸۱ و راستی که قرآن وحی پروردگار جهانیان است و شیطانها آن را فرود نیاورده اند.....
- ۸۳ حقا تو قرآن را از سوی حکیمی دانا دریافت می داری.....
- ۸۵ در حقیقت تو هر که را دوست داری نمی توانی راهنمایی کنی.....
- ۸۷ داستان کسانی که غیر از خدا دوستانی اختیار کرده اند همچون عنکبوت است.....
- ۸۹ این گونه خدا بر دلهای کسانی که نمی دانند مهر می نهد.....
- ۹۱ چنانکه گویی آن را نشنیده ، گویی در گوشهایش سنگینی است.....
- ۹۲ اگر می خواستیم حتما به هر کسی هدایتش را می دادیم.....
- ۹۳ آنچه را که خدا آشکارکننده آن بود در دل خود نهان می کردی و از مردم می ترسیدی.....
- ۹۶ ما تو را جز بشارتگر و هشداردهنده برای تمام مردم نفرستادیم لیکن بیشتر مردم نمی دانند.....
- ۹۸ پس آیا جز سنت پیشینیان را انتظار می برند و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت.....
- ۹۹ پرده ای بر آنان فرو گسترده ایم در نتیجه نمی توانند ببینند.....
- ۱۰۰ پس تا مدتی از آنان روی برتاب و آنان را بنگر که خواهند دید.....
- ۱۰۲ و قطعاً پس از چندی خبر آن را خواهید دانست.....
- ۱۰۴ پس بشارت ده به آن بندگان من که به سخن گوش فرا می دهند.....
- ۱۰۶ خدا را پاکدلانه فرا خوانید هر چند ناباوران را ناخوش افتد.....
- ۱۰۸ بگو من بشری چون شمایم جز اینکه به من وحی می شود که خدای شما خدایی یگانه است.....
- ۱۱۰ و به راستی که تو به خوبی به راه راست هدایت می کنی.....
- ۱۱۲ آیا تو می توانی کسی را که همواره در گمراهی آشکاری است راه نمایی.....
- ۱۱۵ ولی نه آنها به شک و شبهه خویش سرگردمند.....
- ۱۱۶ پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده.....
- ۱۱۷ پس همان گونه که پیامبران نستوه صبر کردند صبر کن.....
- ۱۱۹ رستخیز به ناگاه بر آنان فرا رسد و علامات آن اینک پدید آمده است.....
- ۱۲۱ اگر کافر و مؤمن از هم متمایز می شدند قطعاً کافران را به عذاب دردناکی معذب می داشتیم.....

- ایمان نیاورده‌اید لیکن بگویید اسلام آوردیم و هنوز در دل‌های شما ایمان داخل نشده است... ۱۲۴
- ما به آنچه می‌گویند داناتریم و تو به زور وادارنده آنان نیستی... ۱۲۵
- پس از آنان روی بگردان که تو در خور نکوهش نیستی... ۱۲۶
- پس بگذارشان تا به آن روزی که در آن بیهوش می‌افتند برسند... ۱۲۷
- جز گمان و آنچه را که دلخواهشان است پیروی نمی‌کنند... ۱۲۸
- هشدارها سود نکرد، پس از آنان روی برتاب... ۱۲۹
- شیطان بر آنان چیره شده و خدا را از یادشان برده است... ۱۳۰
- آنان را متحد می‌پنداری ولی دل‌هایشان پراکنده است... ۱۳۳
- قطعا به آن حقیقت که برای شما آمده کافرنند... ۱۳۵
- چه زشت است وصف آن قومی که آیات خدا را به دروغ گرفتند... ۱۳۷
- چون آنان را بینی هیکل‌هایشان تو را به تعجب وای دارد... ۱۳۸
- ای پیامبر چرا برای خشنودی همسرانت آنچه را خدا برای تو حلال گردانیده حرام می‌کنی... ۱۳۹
- در حکم پروردگارت شکیبایی ورز و مانند همدم ماهی مباش... ۱۴۰
- قرآن بی‌شبهه حقیقتی یقینی است... ۱۴۱
- پروردگارت دانای نهان است و کسی را بر غیب خود آگاه نمی‌کند... ۱۴۲
- بر آنچه می‌گویند شکیبا باش و از آنان با دوری گزیدنی خوش فاصله بگیر... ۱۴۴
- هیچ کس پند نمی‌گیرد مگر اینکه خدا بخواهد... ۱۴۵
- تو چه دانی شاید او به پاکی گراید یا پند پذیرد و اندرز سودش دهد... ۱۴۶
- پروردگارت تو را وانگذاشته و دشمن نداشته است... ۱۴۷
- چون یاری خدا و پیروزی فرا رسد و بینی که مردم دسته دسته در دین خدا در آیند... ۱۴۸

به راستی تو از جمله پیامبرانی (۲)

قرآن کتابی است که در آن هیچ تردیدی نیست مایه هدایت تقوایندگان است. آنان که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را بر پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. و آنان که بدانچه به سوی تو فرود آمده و به آنچه پیش از تو نازل شده است ایمان می‌آورند و آنانند که به آخرت یقین دارند. آنان برخوردار از هدایتی از سوی پروردگار خویشند و آنان همان رستگارانند.

در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند چه بیمشان دهی چه بیمشان ندهی بر ایشان یکسان است نخواهند گروید. خداوند بر دلهای آنان و بر شوایی ایشان مهر نهاده و بر دیدگان‌شان پرده‌ای است و آنان را عذابی دردناک است.

برخی از مردم می‌گویند ما به خدا و روز بازپسین ایمان آورده‌ایم ولی گروندگان نیستند. با خدا و مؤمنان نیرنگ می‌بازند ولی جز بر خویشتن نیرنگ نمی‌زنند و نمی‌فهمند. در دلهایشان مرضی است و خدا بر مرضشان افزود و به آنچه به دروغ می‌گفتند عذابی دردناک خواهند داشت. و چون به آنان گفته شود در زمین فساد مکنید می‌گویند ما خود اصلاح‌حکیم. بهوش باشید که آنان فسادگراند لیکن نمی‌فهمند. و چون به آنان گفته شود همان گونه که مردم ایمان آوردند شما هم ایمان بیاورید می‌گویند آیا همان گونه که کم خردان ایمان آورده‌اند ایمان بیاوریم هشدار که آنان همان کم‌خردانند ولی نمی‌دانند. و چون با کسانی که ایمان آورده‌اند برخورد کنند می‌گویند ایمان آوردیم و چون با شیطانهای خود خلوت کنند می‌گویند در حقیقت ما با شما مییم ما فقط ریشخند می‌کنیم. خدا ریشخندشان می‌کند و آنان را در طغیان‌شان فرو می‌گذارد تا سرگردان شوند.

همین کسانی که گمراهی را به هدایت خریدند در نتیجه داد و ستدشان سود نیاورد و هدایت یافته نبودند. مثل آنان همچون مثل کسانی است که آتشی افروختند و چون پیرامون آنان را روشنایی داد خدا نورشان را برد و در میان تاریکی‌هایی که نمی‌بینند رهایشان کرد. کردند لالند کورند بنابراین به راه نمی‌آیند. یا چون رگباری از آسمان که در آن تاریکی‌ها و رعد و برقی است، از آذرخش و بیم مرگ سرانگشتان خود را در گوشه‌هایشان نهند ولی

خدا بر کافران احاطه دارد ، نزدیک است که برق چشمانشان را بر باید هر گاه که بر آنان روشنی بخشد در آن گام زنده و چون راهشان را تاریک کند بایستند و اگر خدا می خواست شنوایی و بینایی شان را برمی گرفت که خدا بر همه چیز تواناست.

ما تو را بحق فرستادیم تا بشارتگر و بیم دهنده باشی و درباره دوزخیان از تو پرسشی نخواهد شد. و هرگز یهودیان و ترسایان از تو راضی نمی شوند مگر آنکه از کیش آنان پیروی کنی. بگو در حقیقت تنها هدایت خداست که هدایت است و چنانچه پس از آن علمی که تو را حاصل شد باز از هوسهای آنان پیروی کنی در برابر خدا سرور و یآوری نخواهی داشت. و خودشان می دانند حق از جانب پروردگار توست پس مبدا از تردید کنندگان باشی.

و از میان مردم کسی است که در زندگی این دنیا سخنش تو را به تعجب وامی دارد و خدا را بر آنچه در دل دارد گواه می گیرد و حال آنکه او سخت ترین دشمنان است آیا از سران بنی اسرائیل پس از موسی خبر نیافتی آنگاه که به پیامبری از خود گفتند پادشاهی برای ما بگمار تا در راه خدا پیکار کنیم ... (داستان حضرت داود (ع)) ...

این آیات خداست که ما آن را بحق بر تو می خوانیم و به راستی تو از جمله پیامبرانی. آیا از آن کس که چون خدا به او پادشاهی داده بود در باره پروردگار خود با ابراهیم محاجّه کرد، خبر نیافتی؟ آنگاه که ابراهیم گفت: پروردگار من همان کسی است که زنده می کند و می میراند. گفت: من زنده می کنم و می میرانم. ابراهیم گفت: خدا خورشید را از خاور برمی آورد، تو آن را از باختر بر آور. پس آن کس که کفر ورزیده بود مبهوت ماند. و خداوند قوم ستمکار را هدایت نمی کند. یا چون آن کس که به شهری که بامهایش یکسر فرو ریخته بود، عبور کرد؛ گفت: چگونه خداوند، این را پس از مرگشان زنده می کند؟ پس خداوند، او را صد سال میراند. آنگاه او را برانگیخت، گفت: چقدر درنگ کردی؟ گفت: یک روز یا پاره ای از روز را درنگ کردم. گفت: بلکه صد سال درنگ کردی، به خوراک و نوشیدنی خود بنگر تغییر نکرده است، و به دراز گوش خود نگاه کن که چگونه متلاشی شده است. این ماجرا برای آن است که هم به تو پاسخ گوئیم و هم تو را نشانه ای برای مردم قرار دهیم. و به استخوانها بنگر، چگونه آنها را برداشته به هم پیوند می دهیم؛

سپس گوشت بر آن می‌پوشانیم. پس هنگامی که برای او آشکار شد، گفت: می‌دانم که خداوند بر هر چیزی تواناست. و آنگاه که ابراهیم گفت: پروردگارا، به من نشان ده؛ چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟ فرمود: مگر ایمان نیاورده‌ای؟ گفت: چرا، ولی تا دلم آرامش یابد. فرمود: پس، چهار پرنده بگیر، و آنها را پیش خود، ریز ریز گردان؛ سپس بر هر کوهی پاره‌ای از آنها را قرار ده؛ آنگاه آنها را فرا خوان، شتابان به سوی تو می‌آیند، و بدان که خداوند توانا و حکیم است.

اگر روی برتافتند فقط رساندن پیام بر عهده توست (۳)

خداست که هیچ معبودی جز او نیست و زنده است. قرآن را در حالی که مؤید آنچه پیش از خود می‌باشد به حق بر تو نازل کرد. و تورات و انجیل را پیش از آن برای رهنمود مردم فرو فرستاد و فرقان را نازل کرد. کسانی که به آیات خدا کفر ورزیدند بی‌تردید عذابی سخت خواهند داشت و خداوند شکست ناپذیر و صاحب انتقام است.

اوست کسی که قرآن را بر تو فرو فرستاد پاره‌ای از آن آیات محکم است آنها اساس کتابند و دیگر متشابهاتند. اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است برای فتنه‌جویی و طلب تاویل آن از متشابه آن پیروی می‌کنند با آنکه تاویلش را جز خدا و ریشه‌داران در دانش کسی نمی‌داند. می‌گویند ما بدان ایمان آوردیم همه از جانب پروردگار ماست و جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود.

(پروردگارا پس از آنکه ما را هدایت کردی دل‌هایمان را دستخوش انحراف مگردان و از جانب خود رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشگری. پروردگارا به یقین تو در روزی که هیچ تردیدی در آن نیست گردآورنده مردمانی.)

قطعا در برخورد میان دو گروه برای شما نشانه‌ای بود. گروهی در راه خدا می‌جنگیدند و دیگر کافر بودند که آنان را به چشم دو برابر خود می‌دیدند. و خدا هر که را بخواهد به یاری خود تایید می‌کند. یقیناً در این برای صاحبان بینش عبرتی است. خدا که همواره به عدل قیام دارد گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست و فرشتگان و دانشوران نیز گواهی می‌دهند که جز او که توانا و حکیم است هیچ معبودی نیست.

پس اگر با تو به محاجه برخاستند بگو من خود را تسلیم خدا نموده‌ام و هر که مرا پیروی کرده نیز خود را تسلیم خدا نموده است. و به کسانی که اهل کتابند و به مشرکان بگو آیا اسلام آورده‌اید پس اگر اسلام آوردند قطعا هدایت یافته‌اند و اگر روی برتافتند فقط رساندن پیام بر عهده توست و خداوند به بندگان بیناست.

به یقین خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است. چون زن عمران گفت پروردگارا آنچه در شکم خود دارم نذر تو کردم تا آزاد شده باشد ... (داستان حضرت عیسی (ع))

این از اخبار غیب است که به تو وحی می کنیم و وقتی که آنان قلمهای خود را می افکندند تا کدام یک سرپرستی مریم را به عهده گیرد نزد آنان نبود و وقتی با یکدیگر کشمکش می کردند نزدشان نبود. اینهاست که ما آن را از آیات و قرآن حکمت آمیز بر تو می خوانیم. حق از جانب پروردگار تو است پس از تردید کنندگان مباش. پس هر که در این باره پس از دانشی که تو را آمده با تو محاجه کند بگو بیاید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم سپس مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

بگو ای اهل کتاب بیاید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد. ای اهل کتاب چرا در باره ابراهیم محاجه می کنید با آنکه تورات و انجیل بعد از او نازل شده است آیا تعقل نمی کنید. ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی بلکه حق گرایی فرمانبردار بود و از مشرکان نبود.

و از اهل کتاب کسی است که اگر او را بر مال فراوانی امین شمری آن را به تو برگرداند و از آنان کسی است که اگر او را بر دیناری امین شمری آن را به تو نمی پردازد مگر آنکه دایما بر وی به پا ایستی. این بدان سبب است که آنان گفتند در مورد کسانی که کتاب آسمانی ندارند بر زیان ما راهی نیست و بر خدا دروغ می بندند با اینکه خودشان می دانند.

بگو به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل گردیده و آنچه به موسی و عیسی و انبیا از جانب پروردگارشان داده شده گرویدیم و میان هیچ یک از آنان فرق نمی گذاریم و ما او را فرمانبرداریم. و هر که جز اسلام دینی جوید هرگز از وی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیانکاران است.

کسانی که کفر ورزیدند هرگز اموالشان و اولادشان چیزی را از آنان دفع نخواهد کرد و آنان اهل آتشند و در آن جاودانه خواهند بود. مثل آنچه در زندگی این دنیا خرج می کنند

همانند بادی است که در آن سرمای سختی است که به کشتزار قومی که بر خود ستم نموده‌اند بوزد و آن را تباه سازد و خدا به آنان ستم نکرده بلکه آنان خود بر خویشان ستم کرده‌اند.

و زمانی را که بامدادان از پیش کسانت بیرون آمدی تا مؤمنان را برای جنگیدن در مواضع خود جای دهی و خداوند شنوای داناست. آن هنگام که دو گروه از شما بر آن شدند که سستی ورزند با آنکه خدا یاورشان بود و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند. و یقیناً خدا شما را در بدر با آنکه ناتوان بودید یاری کرد پس از خدا پروا کنید باشد که سپاسگزاری نمایید. آنگاه که به مؤمنان می‌گفتی آیا شما را بس نیست که پروردگارتان شما را با سه هزار فرشته فرودآمده یاری کند. آری اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید و با همین جوش بر شما بتازند، همانگاه پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد. و خدا آن را جز مژده‌ای برای شما قرار نداد تا دل‌های شما بدان آرامش یابد و پیروزی جز از جانب خداوند توانای حکیم نیست. تا برخی از کسانی را که کافر شده‌اند نابود کند یا آنان را خوار سازد تا نومید بازگردند. **هیچ یک از این کارها در اختیار تو نیست** یا بر آنان می‌بخشاید یا عذابشان می‌کند زیرا آنان ستمکارند.

بگو سر رشته کارها یکسر به دست خداست آنان چیزی را در دل‌هایشان پوشیده می‌داشتند که برای تو آشکار نمی‌کردند می‌گفتند اگر ما را در این کار اختیاری بود در اینجا کشته نمی‌شدیم. بگو اگر شما در خانه‌های خود هم بودید کسانی که کشته شدن بر آنان نوشته شده قطعاً به سوی قتلگاه‌های خویش می‌رفتند و برای این است که خداوند آنچه را در دل‌های شماست بیازماید و آنچه را در قلب‌های شماست پاک گرداند و خدا به راز سینه‌ها آگاه است. پس به رحمت الهی با آنان نرم‌خو شدی و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه و در کار با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی **بر خدا توکل کن** زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد. اگر خدا شما را یاری کند هیچ کس بر شما غالب نخواهد شد و اگر دست از یاری شما بردارد چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد کرد و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند.

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند مرده مپندار بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمانند و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند شادی می‌کنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین می‌شوند. بر نعمت و فضل خدا و اینکه خداوند پاداش مؤمنان را تباه نمی‌گرداند شادی می‌کنند.

کسانی که در کفر می‌کوشند تو را اندوهگین نسازند که آنان هرگز به خدا هیچ زبانی نمی‌رسانند. خداوند می‌خواهد در آخرت برای آنان بهره‌ای قرار ندهد و برای ایشان عذابی بزرگ است. پس اگر تو را تکذیب کردند بدان که پیامبرانی که پیش از تو دلایل روشن و نوشته‌ها و کتاب روشن آورده بودند تکذیب شدند. البته گمان مبر کسانی که بدانچه کرده‌اند شادمانی می‌کنند و دوست دارند به آنچه نکرده‌اند مورد ستایش قرار گیرند قطعا گمان مبر که برای آنان نجاتی از عذاب است که عذابی دردناک خواهند داشت. و فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست و خداوند بر هر چیزی تواناست.

(پروردگارا هر که را تو در آتش درآوری یقینا رسوایش کرده‌ای و برای ستمکاران یاورانی نیست. پروردگارا ما شنیدیم که دعوتگری به ایمان فرا می‌خواند که به پروردگار خود ایمان آورید پس ایمان آوردیم. پروردگارا گناهان ما را بیامرز و بدیهای ما را بزدای و ما را در زمره نیکان بمیران. پروردگارا و آنچه را که به وسیله فرستادگانت به ما وعده داده‌ای به ما عطا کن و ما را روز رستاخیز رسوا مگردان زیرا تو وعده‌ات را خلاف نمی‌کنی ... پس پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد.)

مبادا رفت و آمد کافران در شهرها تو را دستخوش فریب کند. کالای ناچیز است سپس جایگاهشان دوزخ است و چه بد قرار گاهی است.

از آنان روی برتاب و پندشان ده و با آنها سخنی رسا که در دلشان افتد بگوی (۴)

آیا به کسانی که بهره‌ای از کتاب یافته‌اند ننگریستی، گمراهی را می‌خرند و می‌خواهند شما گمراه شوید. و خدا به دشمنان شما داناتر است کافی است که خدا سرپرست باشد و کافی است که خدا یاور باشد. برخی از آنان که یهودی‌اند کلمات را از جاهای خود برمی‌گردانند و با پیچانیدن زبان خود و به قصد طعنه زدن در دین می‌گویند شنیدیم و نافرمانی کردیم و بشنو (که کاش) ناشنوا گردی و (نیز از روی استهزا می‌گویند) راعنا (که در عربی یعنی به ما التفات کن ولی در عبری یعنی خبیث ما) و اگر آنان می‌گفتند شنیدیم و فرمان بردیم و بشنو و به ما بنگر قطعا برای آنان بهتر و درست‌تر بود ولی خدا آنان را به علت کفرشان لعنت کرد در نتیجه جز اندک ایمان نمی‌آورند.

آیا به کسانی که خویشان را پاک می‌شمارند ننگریسته‌ای بلکه خداست که هر که را بخواهد پاک می‌گرداند و به قدر نخ روی هسته خرمایی ستم نمی‌بینند. بین چگونه بر خدا دروغ می‌بندند و بس است که این یک گناه آشکار باشد.

آیا کسانی را که از کتاب نصیبی یافته‌اند ندیده‌ای که به جبت و طاغوت ایمان دارند و در باره کسانی که کفر ورزیده‌اند می‌گویند اینان از کسانی که ایمان آورده‌اند راه یافته‌ترند. اینانند که خدا لعنتشان کرده و هر که را خدا لعنت کند هرگز برای او یآوری نخواهی یافت. آیا آنان نصیبی از حکومت دارند (اگر هم داشتند) به قدر نقطه پشت هسته خرمایی چیزی به مردم نمی‌دادند. بلکه به مردم برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک می‌ورزند.

در حقیقت ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنان ملکی بزرگ بخشیدیم. پس برخی از آنان به وی ایمان آوردند و برخی از ایشان از او روی برتافتند و برای آنان دوزخ پرشماره بس است.

آیا ندیده‌ای کسانی را که می‌پندارند به آنچه به سوی تو نازل شده و آنچه پیش از تو نازل گردیده ایمان آورده‌اند. می‌خواهند داوری میان خود را به سوی طاغوت ببرند با آنکه قطعا فرمان یافته‌اند که بدان کفر ورزند و شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دوری

در اندازد. و چون به ایشان گفته شود به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر بیایید منافقان را می بینی که از تو سخت روی برمی تابدند. پس چگونه هنگامی که به کار و کردار پیشیشان مصیبتی به آنان می رسد نزد تو می آیند و به خدا سوگند می خورند که ما جز نیکویی و موافقت قصدی نداشتیم. اینان همان کسانی که خدا می داند چه در دل دارند پس از آنان روی برتاب و پندشان ده و با آنها سخنی رسا که در دلشان افتد بگویی.

و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به توفیق الهی از او اطاعت کنند و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند پیش تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر برای آنان طلب آمرزش می کرد قطعاً خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند. ولی چنین نیست به پروردگارت قسم که ایمان نمی آورند مگر آنکه تو را در مورد آنچه میان آنان مایه اختلاف است داور گردانند سپس از حکمی که کرده ای در دلهایشان احساس ناراحتی نکنند و کاملاً سر تسلیم فرود آورند.

آیا ندیدی کسانی را که به آنان گفته شد فعلاً دست از جنگ بدارید و نماز را برپا کنید و زکات بدهید ولی همین که کارزار بر آنان مقرر شد بناگاه گروهی از آنان از مردم ترسیدند مانند ترس از خدا یا ترسی سخت تر و گفتند پروردگارا چرا بر ما کارزار مقرر داشتی چرا ما را تا مدتی کوتاه مهلت ندادی بگو برخورداری دنیا اندک و برای کسی که تقوا پیشه کرده آخرت بهتر است و به قدر نخ هسته خرمایی بر شما ستم نخواهد رفت. هر کجا باشید شما را مرگ درمی یابد هر چند در برجهای استوار باشید و اگر خوبی به آنان برسد می گویند این از جانب خداست و چون صدمه ای به ایشان برسد می گویند این از طرف توست بگو همه از جانب خداست. این قوم را چه شده است که نمی خواهند سخنی را دریابند.

هر چه از خوبیها به تو می رسد از جانب خداست و آنچه از بدی به تو می رسد از خود توست و تو را به پیامبری برای مردم فرستادیم و گواه بودن خدا بس است. هر کس از پیامبر فرمان برد در حقیقت خدا را فرمان برده و هر کس رویگردان شود ما تو را بر ایشان نگهبان نفرستاده ایم. و می گویند فرمانبرداریم ولی چون از نزد تو بیرون می روند جمعی از

آنان شبانه جز آنچه تو می‌گویی تدبیر می‌کنند و خدا آنچه را که شبانه در سر می‌پرورند می‌نگارد پس از ایشان روی برتاب و بر خدا توکل کن و خدا بس کارساز است. آیا در قرآن نمی‌اندیشند اگر از جانب غیر خدا بود قطعا در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند. و چون خبری از ایمنی یا وحشت به آنان برسد انتشارش دهند و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند قطعا از میان آنان کسانی اند که آن را دریابند. پس در راه خدا پیکار کن جز عهده‌دار شخص خود نیستی و مؤمنان را برانگیز باشد که خداوند آسیب کسانی را که کفر ورزیده‌اند باز دارد و خداست که قدرتش بیشتر و کيفرش سخت‌تر است.

و هر گاه در میان ایشان بودی و برایشان نماز برپا داشتی پس باید گروهی از آنان با تو ایستند و باید جنگ‌افزارهای خود را بگیرند و چون به سجده رفتند باید پشت سر شما قرار گیرند و گروه دیگری که نماز نکرده‌اند باید بیایند و با تو نماز گزارند و البته جانب احتیاط را فرو نگذارند و جنگ‌افزارهای خود را بگیرند. کافران آرزو می‌کنند که شما از جنگ‌افزارها و ساز و برگ خود غافل شوید تا ناگهان بر شما یورش برند.

ما کتاب قرآن را به حق بر تو نازل کردیم تا میان مردم به آنچه خدا به تو آموخته داوری کنی و زنه‌ار جانبدار خیانتکاران مباش. و از خدا آموزش بخواه که خدا آمرزنده مهربان است. و از کسانی که به خویشتن خیانت می‌کنند دفاع مکن که خداوند هر کس را که خیانتگر و گناه‌پیشه باشد دوست ندارد. و اگر فضل خدا و رحمت او بر تو نبود طایفه‌ای از ایشان آهنگ آن داشتند که تو را از راه به در کنند و جز خودشان را گمراه نمی‌سازند و هیچ گونه زبانی به تو نمی‌رسانند و خدا کتاب و حکمت بر تو نازل کرد و آنچه را نمی‌دانستی به تو آموخت و تفضل خدا بر تو همواره بزرگ بود. به منافقان خبر ده که عذابی دردناک خواهند داشت.

اهل کتاب از تو می‌خواهند که کتابی از آسمان بر آنان فرود آوری البته از موسی بزرگتر از این را خواستند و گفتند خدا را آشکارا به ما بنمای پس به سزای ظلمشان صاعقه آنان را فرو گرفت سپس بعد از آنکه دلایل آشکار برایشان آمد، گوساله را گرفتند و ما از آن هم درگذشتیم و به موسی برهانی روشن عطا کردیم و کوه طور را به یادبود پیمان آنان بالای

سرشان افراشته داشتیم و به آنان گفتیم سجده کنان از در درآید و به آنان گفتیم در روز شنبه تجاوز مکنید و از ایشان پیمانی استوار گرفتیم پس به سزای پیمان شکنی شان و انکارشان نسبت به آیات خدا و کشتار ناحق آنان از انبیا و گفتارشان که دلهای ما در غلاف است لعنتشان کردیم. بلکه خدا به خاطر کفرشان بر دلهایشان مهر زده و در نتیجه جز شماری اندک ایمان نمی آورند. و به سزای کفرشان و آن تهمت بزرگی که به مریم زدند و گفته ایشان که ما مسیح عیسی بن مریم پیامبر خدا را کشتیم و حال آنکه آنان او را نکشتند و مصلوبش نکردند لیکن امر بر آنان مشتبّه شد و کسانی که در باره او اختلاف کردند قطعا در مورد آن دچار شک شده اند و هیچ علمی بدان ندارند جز آنکه از گمان پیروی می کنند و یقینا او را نکشتند بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد و خدا توانا و حکیم است. و از اهل کتاب کسی نیست مگر آنکه پیش از مرگ خود حتما به او ایمان می آورد و روز قیامت بر آنان شاهد خواهد بود. پس به سزای ستمی که از یهودیان سر زد و به سبب آنکه بسیار از راه خدا باز داشتند چیزهای پاکیزه ای را که بر آنان حلال شده بود حرام گردانیدیم و رباگرفتنشان با آنکه از آن نهی شده بودند و به ناروا مال مردم خوردنشان. لیکن راسخان آنان در دانش و مؤمنان به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل گردیده ایمان دارند.

ما همچنانکه به نوح و پیامبران بعد از او وحی کردیم به تو وحی کردیم و به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی نمودیم و به داوود زبور بخشیدیم. و پیامبرانی که در حقیقت آنان را قبلا بر تو حکایت نمودیم و پیامبرانی که سرگذشت ایشان را بر تو بازگو نکرده ایم و خدا با موسی آشکارا سخن گفت. پیامبرانی که بشارتگر و هشداردهنده بودند تا برای مردم پس از پیامبران در مقابل خدا حجتی نباشد.

لیکن خدا به آنچه بر تو نازل کرده است گواهی می دهد. آن را به علم خویش نازل کرده است و فرشتگان گواهی می دهند و کافی است خدا گواه باشد.

اگر پشت کردند بدان که خدا می خواهد آنان را فقط به پاره ای از گناهانشان برساند (۵)

در حقیقت خدا از فرزندان اسرائیل پیمان گرفت و از آنان دوازده سر کرده برانگیختیم و خدا فرمود من با شما هستم اگر نماز برپا دارید و زکات بدهید و به فرستادگانم ایمان بیاورید و یاریشان کنید و وام نیکویی به خدا بدهید قطعا گناهانتان را از شما می زدایم و شما را به باغهایی که از زیر آن نهرها روان است در می آورم پس هر کس از شما بعد از این کفر ورزد در حقیقت از راه راست گمراه شده است. پس به پیمان شکستنشان لعنتشان کردیم و دلهایشان را سخت گردانیدیم. کلمات را از مواضع خود تحریف می کنند و بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند به فراموشی سپردند و تو همواره بر خیانتی از آنان آگاه می شوی مگر شماری اندک از ایشان که خیانتکار نیستند پس از آنان در گذر و چشم پوشی کن که خدا نیکوکاران را دوست می دارد.

و از کسانی که گفتند ما نصرانی هستیم از ایشان نیز پیمان گرفتیم و بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند فراموش کردند و ما تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکنیم و به زودی خدا آنان را از آنچه می کرده اند خبر می دهد.

ای اهل کتاب پیامبر ما به سوی شما آمده است که بسیاری از چیزهایی از کتاب را که پوشیده می داشتید برای شما بیان می کند و از بسیاری درمی گذرد قطعا برای شما از جانب خدا روشنایی و کتابی روشنگر آمده است.

کسانی که گفتند خدا همان مسیح پسر مریم است مسلما کافر شده اند. بگو اگر اراده کند که مسیح پسر مریم و مادرش و هر که را که در زمین است جملگی به هلاکت رساند چه کسی در مقابل خدا اختیاری دارد فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است از آن خداست هر چه بخواهد می آفریند و خدا بر هر چیزی تواناست.

و یهودان و ترسایان گفتند ما پسران خدا و دوستان او هستیم بگو پس چرا شما را به گناهانتان عذاب می کند. بلکه شما بشرید از جمله کسانی که آفریده است هر که را بخواهد می آمرزد و هر که را بخواهد عذاب می کند و فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو می باشد از آن خداست و باز گشت به سوی اوست.

ای اهل کتاب پیامبر ما به سوی شما آمده که در دوران فترت رسولان برای شما بیان می کند تا مبادا بگویید برای ما بشارتگر و هشداردهنده ای نیامد پس قطعاً برای شما بشارتگر و هشداردهنده ای آمده است و خدا بر هر چیزی تواناست.

و زمانی را که موسی به قوم خود گفت ای قوم من نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که در میان شما پیامبرانی قرار داد و شما را پادشاهانی ساخت و آنچه را که به هیچ کس از جهانیان نداده بود به شما داد. ای قوم من به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر داشته است درآید و به عقب بازنگردید که زیانکار خواهید شد ... (داستان حضرت موسی (ع)) ... و داستان دو پسر آدم را به درستی بر ایشان بخوان ... (داستان هابیل و قابیل) از این روی بر فرزندان اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس کسی را جز به قصاص قتل یا به کیفر فسادی در زمین بکشد چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد و هر کس کسی را زنده بدارد چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است.

مگر ندانسته ای که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست هر که را بخواهد عذاب می کند و هر که را بخواهد می بخشد و خدا بر هر چیزی تواناست.

ای پیامبر کسانی که در کفر شتاب می ورزند تو را غمگین نسازند. چه از آنانکه با زبان خود گفتند ایمان آوردیم و حال آنکه دلهایشان ایمان نیاورده بود و چه از یهودیان که گوش می سپارند برای تکذیب و برای گروهی دیگر که نزد تو نیامده اند خبرچینی می کنند. کلمات را از جاهای خود دگرگون می کنند. می گویند: اگر این به شما داده شد آن را بپذیرید و اگر آن به شما داده نشد پس دوری کنید و هر که را خدا بخواهد به فتنه درافکند هرگز در برابر خدا برای او از دست تو چیزی بر نمی آید. اینانند که خدا نخواسته دلهایشان را پاک گرداند در دنیا برای آنان رسوایی و در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود.

پذیرا و شنوای دروغ هستند. بسیار مال حرام می خورند. پس اگر نزد تو آمدند میان آنان داوری کن یا از ایشان روی برتاب و اگر از آنان روی برتابی هرگز زبانی به تو نخواهند رسانید و اگر داوری می کنی پس به عدالت در میانشان حکم کن که خداوند دادگران را دوست می دارد. و چگونه تو را داور قرار می دهند با آنکه تورات نزد آنان است که در آن حکم خداست سپس آنان بعد از این پشت می کنند و آنان مؤمن نیستند.

ما تورات را که در آن رهنمود و روشنایی بود نازل کردیم پیامبرانی که تسلیم بودند به موجب آن برای یهود داوری می کردند و الهیون و دانشمندان به سبب آنچه از کتاب خدا به آنان سپرده شده و بر آن گواه بودند.

و عیسی پسر مریم را به دنبال آنان درآوردیم در حالی که تورات را که پیش از او بود تصدیق داشت و به او انجیل را عطا کردیم که در آن هدایت و نوری است و تصدیق کننده تورات قبل از آن است و برای پرهیزگاران رهنمود و اندرزی است.

و ما کتاب قرآن را به حق به سوی تو فرو فرستادیم در حالی که تصدیق کننده کتابهای پیشین و حاکم بر آنهاست پس میان آنان بر وفق آنچه خدا نازل کرده حکم کن و از هواهایشان از حقی که به سوی تو آمده پیروی مکن. برای هر یک از شما شریعت و راه روشنی قرار داده ایم. و اگر خدا می خواست شما را یک امت قرار می داد. ولی تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید پس در کارهای نیک بر یکدیگر سبقت گیرید. بازگشت شما به سوی خداست آنگاه در باره آنچه در آن اختلاف می کردید آگاهتان خواهد کرد.

و میان آنان به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری کن و از هواهایشان پیروی مکن و از آنان برحذر باش. مبدا تو را در بخشی از آنچه خدا بر تو نازل کرده به فتنه دراندازند. پس اگر پشت کردند بدان که خدا می خواهد آنان را فقط به پاره ای از گناهانشان برساند و در حقیقت بسیاری از مردم نافرمانند.

می بینی کسانی که در دلهایشان بیماری است در دوستی با آنان شتاب می ورزند می گویند می ترسیم به ما حادثه ناگواری برسد. امید است خدا از جانب خود فتح یا امر دیگری را پیش آورد تا از آنچه در دل خود نهفته داشته اند پشیمان گردند.

بگو ای اهل کتاب آیا جز این بر ما عیب می گیرید که ما به خدا و به آنچه به سوی ما نازل شده و به آنچه پیش از این فرود آمده است ایمان آورده ایم و اینکه بیشتر شما فاسقید. بگو آیا شما را به بدتر از این کیفر در پیشگاه خدا خبر دهم همانان که خدا لعنتشان کرده و بر آنان خشم گرفته و از آنان بوزینگان و خوکان پدید آورده و آنانکه طاغوت را پرستش کرده اند. اینانند که از نظر منزلت بدتر و از راه راست گمراه ترند.

و بسیاری از آنان را می‌بینی که در گناه و تعدی و حرام‌خواری خود شتاب می‌کنند واقعا چه اعمال بدی انجام می‌دادند. چرا الهیون و دانشمندان آنان را از گفتار گناه و حرام‌خواری‌شان باز نمی‌دارند. راستی چه بد است آنچه انجام می‌دادند.

و یهود گفتند دست خدا بسته است. دستهای خودشان بسته باد و به آنچه گفتند از رحمت خدا دور شوند، بلکه هر دو دست او گشاده است هر گونه بخواهد می‌بخشد و قطعا آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو فرود آمده بر طغیان و کفر بسیاری از ایشان خواهد افزود. و تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکندیم هر بار که آتشی برای پیکار برافروختند خدا آن را خاموش ساخت و در زمین برای فساد می‌کوشند و خدا مفسدان را دوست نمی‌دارد. ای پیامبر آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرسانده‌ای و خدا تو را از مردم نگاه می‌دارد. آری خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند. بگو ای اهل کتاب تا به تورات و انجیل و آنچه از پروردگارتان به سوی شما نازل شده است عمل نکرده‌اید بر هیچ نیستید و قطعا آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده بر طغیان و کفر بسیاری از آنان خواهد افزود پس بر گروه کافران اندوه مخور.

ما از فرزندان اسرائیل سخت پیمان گرفتیم و به سویشان پیامبرانی روانه کردیم هر بار پیامبری چیزی بر خلاف دلخواهشان برایشان آورد گروهی را تکذیب می‌کردند و گروهی را می‌کشتند. و پنداشتند کیفری در کار نیست پس کور و کر شدند سپس خدا توبه آنان را پذیرفت باز بسیاری از ایشان کور و کر شدند و خدا به آنچه انجام می‌دهند بیناست.

کسانی که گفتند خدا همان مسیح پسر مریم است قطعا کافر شده‌اند و حال آنکه مسیح می‌گفت ای فرزندان اسرائیل پروردگار من و پروردگار خودتان را بپرستید. کسانی که به تثلیث قائل شده و گفتند خدا سومین شخص از سه شخص یا سه اقنوم است قطعا کافر شده‌اند و حال آنکه هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست و اگر از آنچه می‌گویند باز نایستند به کافران ایشان عذابی دردناک خواهد رسید.

بگو آیا غیر از خدا چیزی را که اختیار زیان و سود شما را ندارد می‌پرستید و حال آنکه خداوند شنوای داناست. بگو ای اهل کتاب در دین خود بناحق گزافه‌گویی نکنید و از پی

هوسهای گروهی که پیش از این گمراه گشتند و بسیاری را گمراه کردند و از راه راست منحرف شدند نروید.

از میان فرزندان اسرائیل آنان که کفر ورزیدند به زبان داوود و عیسی بن مریم مورد لعنت قرار گرفتند این به خاطر آن بود که عصیان ورزیده و تجاوز می کردند. از کار زشتی که آن را مرتکب می شدند یکدیگر را باز نمی داشتند. راستی چه بد بود آنچه می کردند. مسلما یهودیان و کسانی را که شرک ورزیده اند دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت و قطعاً کسانی را که گفتند ما نصرانی هستیم نزدیکترین مردم در دوستی با مؤمنان خواهی یافت. زیرا برخی از آنان دانشمندان و رهبانانی اند که تکبر نمی ورزند. و چون آنچه را به سوی این پیامبر نازل شده بشنوند می بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته اند اشک از چشمهایشان سرازیر می شود می گویند پروردگارا ما ایمان آورده ایم پس ما را در زمره گواهان بنویس.

روزی را که خدا پیامبران را گرد می آورد پس می فرماید چه پاسخی به شما داده شد می گویند ما را هیچ دانشی نیست تویی که دانای رازهای نهانی. هنگامی را که خدا فرمود ای عیسی پسر مریم نعمت مرا بر خود و بر مادرت به یاد آور آنگاه که تو را به روح القدس تایید کردم ... آیا تو به مردم گفتی من و مادرم را همچون دو خدا به جای خداوند پرستید؟ ... (داستان حضرت عیسی (ع))

فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست از آن خداست و او بر هر چیزی تواناست.

پس آنان را با آنچه به دروغ می سازند واگذار (۶)

ستایش خدایی را که آسمانها و زمین را آفرید و تاریکیها و روشنایی را پدید آورد با این همه کسانی که کفر ورزیده اند غیر او را با پروردگار خود برابر می کنند.

و اگر مکتوبی نوشته بر کاغذ بر تو نازل می کردیم و آنان آن را با دستهای خود لمس می کردند قطعا کافران می گفتند این جز سحر آشکار نیست. و گفتند چرا فرشته ای بر او نازل نشده است و اگر فرشته ای فرود می آوردیم قطعا کار تمام شده بود سپس مهلت نمی یافتند. و اگر او را فرشته ای قرار می دادیم حتما وی را مردی در می آوردیم و امر را همچنان بر آنان مشتبه می ساختیم.

و پیش از تو پیامبرانی به استهزا گرفته شدند پس آنچه را ریشخند می کردند گریبانگیر ریشخند کنندگان ایشان گردید. بگو در زمین بگردید آنگاه بنگرید که فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است.

بگو آنچه در آسمانها و زمین است از آن کیست؟ بگو از آن خداست که رحمت را بر خویشان واجب گردانیده است. بگو آیا غیر از خدا پدید آورنده آسمانها و زمین سرپرستی برگزینم و اوست که خوراک می دهد و خوراک داده نمی شود. بگو من مأمورم که نخستین کسی باشم که اسلام آورده است. بگو اگر به پروردگارم عصیان ورزم از عذاب روزی بزرگ می ترسم.

و اگر خدا به تو زبانی برساند کسی جز او برطرف کننده آن نیست و اگر خیری به تو برساند پس او بر هر چیزی تواناست. و اوست که بر بندگان خویش چیره است و اوست حکیم آگاه.

بگو گواهی چه کسی از همه برتر است بگو خدا میان من و شما گواه است و قرآن به من وحی شده تا به وسیله آن شما و هر کس را برسد هشدار دهم. آیا واقعا شما گواهی می دهید که در جنب خدا خدایان دیگری است بگو من گواهی نمی دهم. بگو او تنها معبودی یگانه است و بی تردید من از آنچه شریک قرار می دهید بیزارم.

و برخی از آنان به تو گوش فرا می دهند و ما بر دلهایشان پرده ها افکنده ایم تا آن را نفهمند و در گوشهایشان سنگینی. و اگر هر معجزه ای را ببینند به آن ایمان نمی آورند تا آنجا که وقتی نزد تو می آیند و با تو جدال می کنند کسانی که کفر ورزیدند می گویند قرآن چیزی جز افسانه های پیشینیان نیست. و آنان از آن باز می دارند و از آن دوری می کنند و جز خویشتن را به هلاکت نمی افکنند و نمی دانند.

به یقین می دانیم که آنچه می گویند تو را سخت غمگین می کند در واقع آنان تو را تکذیب نمی کنند ولی ستمکاران آیات خدا را انکار می کنند. و پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند ولی بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند شکیبایی کردند تا یاری ما به آنان رسید و برای کلمات خدا هیچ تغیردهنده ای نیست و مسلما اخبار پیامبران به تو رسیده است. و اگر اعراض کردن آنان بر تو گران است اگر می توانی نقبی در زمین یا نردبانی در آسمان بجویی تا معجزه ای برایشان بیاوری و اگر خدا می خواست قطعاً آنان را بر هدایت گرد می آورد پس زنهار از نادانان مباش. تنها کسانی اجابت می کنند که گوش شنوا دارند. و به یقین ما به سوی امتهایی که پیش از تو بودند پیامبرانی فرستادیم و آنان را به تنگی معیشت و بیماری دچار ساختیم تا به زاری و خاکساری در آیند. پس چرا هنگامی که عذاب ما به آنان رسید تضرع نکردند ولی دلهایشان سخت شده و شیطان آنچه را انجام می دادند برایشان آراسته است. پس چون آنچه را که بدان پند داده شده بودند فراموش کردند درهای هر چیزی را بر آنان گشودیم تا هنگامی که به آنچه داده شده بودند شاد گردیدند ناگهان آنان را گرفتیم و یکباره نومید شدند.

بگو به شما نمی گویم گنجینه های خدا نزد من است و غیب نیز نمی دانم و به شما نمی گویم که من فرشته ام جز آنچه را که به سوی من وحی می شود پیروی نمی کنم بگو آیا نابینا و بینا یکسان است آیا تفکر نمی کنید و به وسیله قرآن کسانی را که بیم دارند که به سوی پروردگارشان محشور شوند هشدار ده که غیر او برای آنها یار و شفیع نیست باشد که پروا کنند.

و کسانی را که پروردگار خود را بامدادان و شامگاهان می خوانند در حالی که خشنودی او را می خواهند مران ، از حساب آنان چیزی بر عهده تو نیست و از حساب تو چیزی بر

عهده آنان نیست تا ایشان را برانی و از ستمکاران باشی. و بدین گونه ما برخی از آنان را به برخی دیگر آزمودیم تا بگویند آیا اینانند که از میان ما خدا بر ایشان منت نهاده است آیا خدا به سپاسگزاران داناتر نیست.

و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند بگو درود بر شما پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر کرده که هر کس از شما به نادانی کار بدی کند و آنگاه به توبه و صلاح آید پس وی آمرزنده مهربان است. و این گونه آیات را به روشنی بیان می‌کنیم تا راه و رسم گناهکاران روشن شود.

بگو من نهی شده‌ام که کسانی را که شما غیر از خدا می‌خوانید بپرستم بگو من از هوسهای شما پیروی نمی‌کنم و گر نه گمراه شوم و از راه‌یافتگان نباشم.

بگو من از جانب پروردگارم دلیل آشکاری دارم و شما آن را دروغ پنداشتید. آنچه را به شتاب خواستار آید در اختیار من نیست فرمان جز به دست خدا نیست که حق را بیان می‌کند و او بهترین داوران است. بگو اگر آنچه را با شتاب خواستار آید نزد من بود قطعاً میان من و شما کار به انجام رسیده بود.

و قوم تو قرآن را دروغ شمردند در حالی که آن بر حق است بگو من بر شما نگهبان نیستم. و چون ببینی کسانی به قصد تخطئه در آیات ما فرو می‌روند از ایشان روی برتاب تا در سخنی غیر از آن درآیند و اگر شیطان تو را به فراموشی انداخت پس از توجه با قوم ستمکار منشین. و کسانی را که دین خود را به بازی و سرگرمی گرفتند و زندگی دنیا آنان را فریفته است رها کن و به وسیله قرآن اندرز ده.

و هنگامی را که ابراهیم به پدر خود آزر گفت آیا بتان را خدایان می‌گیری من همانا تو و قوم تو را در گمراهی آشکاری می‌بینم. و این گونه ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم نمایاندم تا از جمله یقین‌کنندگان باشد ... (داستان حضرت ابراهیم (ع))

و آن حجت ما بود که به ابراهیم در برابر قومش دادیم درجات هر کس را که بخواهیم فرا می‌بریم زیرا پروردگار تو حکیم داناست. و به او اسحاق و یعقوب را بخشیدیم و همه را به راه راست درآوردیم و نوح را از پیش راه نمودیم و از نسل او داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را. و این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. و زکریا و یحیی و

عیسی و الیاس را که همه از شایستگان بودند. و اسماعیل و یسع و یونس و لوط که جملگی را بر جهانیان برتری دادیم و از پدران و فرزندان و برادرانشان برخی را. و آنان را برگزیدیم و به راه راست راهنمایی کردیم. این هدایت خداست که هر کس از بندگانش را بخواهد بدان هدایت می‌کند و اگر آنان شرک ورزیده بودند قطعا آن چه انجام می‌دادند از دستشان می‌رفت. آنان کسانی بودند که کتاب و داوری و نبوت بدیشان دادیم.

اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است پس به هدایت آنان اقتدا کن بگو من از شما هیچ مزدی بر این نمی‌طلبم. قرآن جز تذکری برای جهانیان نیست.

به راستی رهنمودهایی از جانب پروردگارتان برای شما آمده است پس هر که به دیده بصیرت بنگرد به سود خود او و هر کس از سر بصیرت ننگرد به زیان خود اوست و من بر شما نگهبان نیستم. و این گونه آیات را گوناگون بیان می‌کنیم تا مبادا بگویند تو درس خوانده‌ای و تا اینکه آن را برای گروهی که می‌دانند روشن سازیم. از آنچه از پروردگارت به تو وحی شده پیروی کن هیچ معبودی جز او نیست و از مشرکان روی بگردان. و اگر خدا می‌خواست آنان شرک نمی‌آوردند و ما تو را بر ایشان نگهبان نکرده‌ایم و تو وکیل آنان نیستی.

و با سخت‌ترین سوگندهایشان به خدا سوگند خوردند که اگر معجزه‌ای برای آنان بیاید حتما بدان می‌گروند بگو معجزات تنها در اختیار خداست و شما چه می‌دانید که اگر بیاید باز ایمان نمی‌آورند. و دلها و دیدگانشان را برمی‌گردانیم چنانکه نخستین بار به آن ایمان نیاوردند و آنان را رها می‌کنیم تا در طغیانشان سرگردان بمانند. و اگر ما فرشتگان را به سوی آنان می‌فرستادیم و اگر مردگان با آنان به سخن می‌آمدند و هر چیزی را دسته دسته در برابر آنان گرد می‌آوردیم باز هم ایمان نمی‌آوردند جز اینکه خدا بخواهد ولی بیشترشان نادانی می‌کنند. و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم بعضی از آنها به بعضی برای فریب سخنان آراسته القا می‌کنند و اگر پروردگار تو می‌خواست چنین نمی‌کردند پس آنان را با آنچه به دروغ می‌سازند واگذار.

و اگر از بیشتر کسانی که در زمین می‌باشند پیروی کنی تو را از راه خدا گمراه می‌کنند آنان جز از گمان پیروی نمی‌کنند و جز به حدس و تخمین نمی‌پردازند.

و چون آیتی برایشان بیاید می گویند هرگز ایمان نمی آوریم تا اینکه نظیر آنچه به فرستادگان خدا داده شده است به ما داده شود خدا بهتر می داند رسالتش را کجا قرار دهد. پس کسی را که خدا بخواهد هدایت نماید دلش را به پذیرش اسلام می گشاید و راه راست پروردگارت همین است ما آیات را برای گروهی که پند می گیرند به روشنی بیان نموده ایم.

بگو آری پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده است - دینی پایدار - آیین ابراهیم حق گرای و او از مشرکان نبود. بگو در حقیقت نماز من و عبادات من و زندگی و مرگ من برای خدا پروردگار جهانیان است.

آیا از مکر خدا خود را ایمن دانستند؟ (۷)

قرآن کتابی است که به سوی تو فرو فرستاده شده است پس نباید در سینه تو از ناحیه آن تنگی باشد تا به وسیله آن هشدار دهی و برای مؤمنان پندی باشد.

و چه بسیار شهرها که آن را به هلاکت رسانیدیم و در حالی که به خواب شبانگاهی رفته یا نیمروز غنوده بودند عذاب ما به آنها رسید. و هنگامی که عذاب ما بر آنان آمد سخنان جز این نبود که گفتند راستی که ما ستمکار بودیم. پس قطعا از کسانی که به سوی آنان فرستاده شده‌اند خواهیم پرسید و قطعا از فرستادگان خواهیم پرسید. و از روی دانش به آنان گزارش خواهیم داد و ما غایب نبوده‌ایم.

و قطعا شما را در زمین قدرت عمل دادیم و برای شما در آن وسایل معیشت نهادیم. چه کم سپاسگزاری می‌کنید. و در حقیقت شما را خلق کردیم سپس به صورتگری شما پرداختیم آنگاه به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید پس سجده کردند جز ابلیس که از سجده‌کنندگان نبود ... (داستان حضرت آدم (ع))

ای فرزندان آدم زنه‌ار تا شیطان شما را به فتنه نیندازد چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند و لباسشان را از ایشان برکند تا عورت‌هایشان را بر آنان نمایان کند در حقیقت او و قبیله‌اش شما را از آنجا که آنها را نمی‌بینید می‌بینند ما شیاطین را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند.

و چون کار زشتی کنند می‌گویند پدران خود را بر آن یافتیم و خدا ما را بدان فرمان داده است بگو قطعا خدا به کار زشت فرمان نمی‌دهد آیا چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت می‌دهید.

ای فرزندان آدم چون پیامبرانی از خودتان برای شما بیایند و آیات مرا بر شما بخوانند پس هر کس به پرهیزگاری و صلاح گراید نه بیمی بر آنان خواهد بود و نه اندوهگین می‌شوند. و در حقیقت ما برای آنان کتابی آوردیم که آن را از روی دانش روشن و شیوایش ساخته‌ایم و برای گروهی که ایمان می‌آورند هدایت و رحمتی است. آیا جز در انتظار تاویل آنند روزی که تاویلش فرا رسد کسانی که آن را پیش از آن به فراموشی

سپرده‌اند می‌گویند حقا فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند پس آیا ما را شفاعتگرانی هست که برای ما شفاعت کنند یا بازگردانیده شویم تا غیر از آنچه انجام می‌دادیم انجام دهیم به راستی که به خویش زیان زدند و آنچه را به دروغ می‌ساختند از کف دادند.

همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم پس گفت ای قوم من خدا را پرستید که برای شما معبودی جز او نیست من از عذاب روزی سترگ بر شما بیمناکم ... (داستان حضرت نوح (ع)) ... پس او را تکذیب کردند و ما او و کسانی را که با وی در کشتی بودند نجات دادیم و کسانی را که آیات ما را دروغ پنداشتند غرق کردیم زیرا آنان گروهی کور بودند.

و به سوی عاد برادرشان هود را، گفت ای قوم من خدا را پرستید که برای شما معبودی جز او نیست پس آیا پرهیزگاری نمی‌کنید ... (داستان حضرت هود (ع)) ... آیا تعجب کردید که بر مردی از خودتان پندی از جانب پروردگارتان برای شما آمده تا شما را هشدار دهد. پس او و کسانی را که با او بودند به رحمتی از خود رهانیدیم و کسانی را که آیات ما را دروغ شمردند و مؤمن نبودند ریشه کن کردیم.

و به سوی ثمود صالح برادرشان را، گفت ای قوم من خدا را پرستید برای شما معبودی جز او نیست در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان دلیلی آشکار آمده است ... (داستان حضرت صالح (ع)) ... پس از ایشان روی برتافت و گفت ای قوم من به راستی من پیام پروردگارم را به شما رساندم و خیر شما را خواستم ولی شما دوست نمی‌دارید.

و لوط را، هنگامی که به قوم خود گفت آیا آن کار زشت را مرتکب می‌شوید که هیچ کس از جهانیان در آن بر شما پیشی نگرفته است ... (داستان حضرت لوط (ع)) ... پس او و خانواده‌اش را غیر از زنش که از زمره باقیمانده‌گان بود نجات دادیم.

و به سوی مدین برادرشان شعیب را، گفت ای قوم من خدا را پرستید که برای شما هیچ معبودی جز او نیست در حقیقت شما را از جانب پروردگارتان برهانی روشن آمده است ... (داستان حضرت شعیب (ع)) ... پس از ایشان روی برتافت و گفت ای قوم من به راستی که پیامهای پروردگارم را به شما رسانیدم و پندتان دادم دیگر چگونه بر گروهی که کافرند دریغ بخورم.

و در هیچ شهری پیامبری نفرستادیم مگر آنکه مردمش را به سختی و رنج دچار کردیم تا مگر به زاری در آیند. آنگاه به جای بدی، نیکی قرار دادیم تا انبوه شدند و گفتند پدران ما را رنج و راحت می‌رسیده است پس در حالی که بی خبر بودند بناگاه آنان را گرفتیم. و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند قطعا برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم ولی تکذیب کردند پس به دستاوردشان آنان را گرفتیم.

آیا ساکنان شهرها ایمن شده‌اند از اینکه عذاب ما شامگاهان در حالی که به خواب فرو رفته‌اند به آنان برسد؟ و آیا ساکنان شهرها ایمن شده‌اند از اینکه عذاب ما نیمروز در حالی که به بازی سرگرمند به ایشان دررسد؟ **آیا از مکر خدا خود را ایمن دانستند؟**

آنگاه بعد از آنان موسی را با آیات خود به سوی فرعون و سران قومش فرستادیم ولی آنها به آن کفر ورزیدند ... (داستان حضرت موسی(ع)) ... و در حقیقت ما فرعونیان را به خشکسالی و کمبود محصولات دچار کردیم باشد که عبرت گیرند. پس هنگامی که نیکی به آنان روی می‌آورد می‌گفتند این برای خود ماست و چون گزندى به آنان می‌رسید به موسی و همراهانش شگون بد می‌زدند. و گفتند هر گونه پدیده شگرفی که به وسیله آن ما را افسون کنی برای ما بیاوری ما به تو ایمان آورنده نیستیم. پس بر آنان طوفان و ملخ و کنه ریز و غوکها و خون را به صورت نشانه‌هایی آشکار فرستادیم و باز سرکشی کردند و گروهی بدکار بودند. و هنگامی که عذاب بر آنان فرود آمد گفتند ای موسی پروردگارت را به عهده‌ی که نزد تو دارد برای ما بخوان اگر این عذاب را از ما برطرف کنی حتما به تو ایمان خواهیم آورد. و چون عذاب را تا سررسیدی که آنان بدان رسیدند از آنها برداشتیم باز هم پیمان شکنی کردند. سرانجام از آنان انتقام گرفتیم و در دریا غرقشان ساختیم چرا که آیات ما را تکذیب کردند و از آنها غافل بودند.

بگو ای مردم من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم همان که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست هیچ معبودی جز او نیست که زنده می‌کند و می‌میراند پس به خدا و فرستاده او که پیامبر درس‌نخوانده‌ای است که به خدا و کلمات او ایمان دارد بگروید و او را پیروی کنید امید که هدایت شوید.

و خبر آن کس را که آیات خود را به او داده بودیم برای آنان بخوان که از آن عاری گشت آنگاه شیطان او را دنبال کرد و از گمراهان شد ... (داستان کسی که نشانه های خدا به او رسید ولی عاری گشت)

و از میان کسانی که آفریده ایم گروهی هستند که به حق هدایت می کنند و به حق داوری می نمایند. و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند به تدریج از جایی که نمی دانند گریبانشان را خواهیم گرفت. و به آنان مهلت می دهیم که تدبیر من استوار است.

آیا نیندیشیده اند که همنشین آنان هیچ جنونی ندارد و جز هشداردهنده ای آشکار نیست. آیا در ملکوت آسمانها و زمین و هر چیزی که خدا آفریده است ننگریسته اند و اینکه شاید هنگام مرگشان نزدیک شده باشد پس به کدام سخن بعد از قرآن ایمان می آورند.

و اگر آنها را به هدایت فراخوانید از شما پیروی نمی کنند چه آنها را بخوانید یا خاموش بمانید برای شما یکسان است. و اگر آنها را به هدایت فرا خوانید نمی شنوند و آنها را می بینی که به سوی تو می نگرند در حالی که نمی بینند. گذشت پیشه کن و به پسندیده فرمان ده و از نادانان رخ برتاب. و اگر از شیطان وسوسه ای به تو رسد به خدا پناه بر زیرا که او شنوای داناست. در حقیقت کسانی که پروا دارند چون وسوسه ای از جانب شیطان بدیشان رسد به یاد آورند و بناگاه بینا شوند.

و هر گاه برای آنان آیاتی نیاوری می گویند چرا آن را خود برنگزیدی بگو من فقط آنچه را که از پروردگارم به من وحی می شود پیروی می کنم قرآن رهنمودی است از جانب پروردگار شما و برای گروهی که ایمان می آورند هدایت و رحمتی است.

تا تو در میان آنان هستی خدا بر آن نیست که ایشان را عذاب کند (۸)

هنگامی را که کافران در باره تو نیرنگ می کردند تا تو را به بند کشند یا بکشند یا اخراج کنند و نیرنگ می زدند و خدا تدبیر می کرد و خدا بهترین تدبیرکنندگان است.

و چون آیات ما بر آنان خوانده شود می گویند به خوبی شنیدیم اگر می خواستیم قطعا ما نیز همانند این را می گفتیم این جز افسانه های پیشینیان نیست. و هنگامی را که گفتند خدایا اگر کتاب قرآن همان حق از جانب توست پس بر ما از آسمان سنگهایی بباران یا عذابی دردناک بر سر ما بیاور. و **تا تو در میان آنان هستی خدا بر آن نیست که ایشان را عذاب کند** و تا آنان طلب آمرزش می کنند خدا عذاب کننده ایشان نخواهد بود.

و اگر بخواهند تو را بفریبند خدا برای تو بس است همو بود که تو را با یاری خود و مؤمنان نیرومند گردانید. و میان دلهایشان الفت انداخت که اگر آنچه در روی زمین است همه را خرج می کردی نمی توانستی میان دلهایشان الفت برقرار کنی ولی خدا بود که میان آنان الفت انداخت چرا که او توانای حکیم است.

ای پیامبر ، خدا و کسانی از مؤمنان که پیرو تواند تو را بس است.

اموال و فرزندانشان تو را به شگفت نیاورد (۹)

اعلام بیزاری است از طرف خدا و پیامبرش نسبت به آن مشرکانی که با ایشان پیمان بسته‌اید. و اعلامی است از جانب خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر که خدا و پیامبرش در برابر مشرکان تعهدی ندارند ؛ اگر توبه کنید آن برای شما بهتر است و اگر روی بگردانید پس بدانید که شما خدا را درمانده نخواهید کرد و کسانی را که کفر ورزیدند از عذابی دردناک خبر ده. و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست پناهش ده تا کلام خدا را بشنود سپس او را به مکان امنش برسان چرا که آنان قومی نادانند.

اگر نیکی به تو رسد آنان را بدحال می‌سازد و اگر پیشامد ناگواری به تو رسد می‌گویند ما پیش از این تصمیم خود را گرفته‌ایم و شادمان روی بر می‌تابند. بگو جز آنچه خدا برای ما مقرر داشته هرگز به ما نمی‌رسد او سرپرست ماست و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند. **اموال و فرزندانشان تو را به شگفت نیاورد** جز این نیست که خدا می‌خواهد در زندگی دنیا به وسیله اینها عذابشان کند و جانشان در حال کفر بیرون رود.

و اگر از ایشان بپرسی مسلماً خواهند گفت ما فقط شوخی و بازی می‌کردیم بگو آیا خدا و آیات او و پیامبرش را ریشخند می‌کردید. عذر نیاورید شما بعد از ایمانتان کافر شده‌اید اگر از گروهی از شما درگذریم گروهی را عذاب خواهیم کرد چرا که آنان تبهکار بودند. مردان و زنان دو چهره همانند یکدیگرند به کار ناپسند وامی‌دارند و از کار پسندیده باز می‌دارند و دستهای خود را فرو می‌بندند خدا را فراموش کردند پس فراموششان کرد. در حقیقت این منافقانند که فاسقند.

چه برای آنان آموزش بخواهی یا برایشان آموزش نخواهی یکسان است. حتی اگر هفتاد بار برایشان آموزش طلب کنی هرگز خدا آنان را نخواهد آموزد چرا که آنان به خدا و فرستاده‌اش کفر ورزیدند و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند. از این پس کم‌بخندند و به جزای آنچه به دست می‌آوردند بسیار بگریند. و هرگز بر هیچ مرده‌ای از آنان نماز مگزار و بر سر قبرش نایست چرا که آنان به خدا و پیامبر او کافر شدند و در حال فسق مردند.

و اموال و فرزندان آنان تو را به شگفت نیندازد جز این نیست که خدا می‌خواهد ایشان را در دنیا به وسیله آن عذاب کند و جانشان در حال کفر بیرون رود.

بر پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند سزاوار نیست که برای مشرکان پس از آنکه برایشان آشکار گردید که آنان اهل دوزخند طلب آمرزش کنند هر چند خویشان باشند. و طلب آمرزش ابراهیم برای پدرش جز برای وعده‌ای که به او داده بود نبود و هنگامی که برای او روشن شد که وی دشمن خداست از او بیزار می‌گشت. راستی ابراهیم دلسوزی بردبار بود.

و خدا بر آن نیست که گروهی را پس از آنکه هدایتشان نمود بی‌راه بگذارد مگر آنکه چیزی را که باید از آن پروا کنند برایشان بیان کرده باشد. آری خدا به هر چیزی داناست. در حقیقت فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست زنده می‌کند و می‌میراند و برای شما جز خدا یار و یاور نیست.

آیا مردم را ناگزیر می‌کنی که بگروند (۱۰)

آیا برای مردم شگفت‌آور است که به مردی از خودشان وحی کردیم که مردم را بیم ده و به کسانی که ایمان آورده‌اند مژده ده که برای آنان نزد پروردگارشان سابقه نیک است. کافران گفتند: این قطعا افسونگری آشکار است.

و چون آیات روشن ما بر آنان خوانده شود آنانکه به دیدار ما امید ندارند می‌گویند قرآن دیگری جز این بیاور یا آن را عوض کن بگو مرا نرسد که آن را از پیش خود عوض کنم جز آنچه را که به من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم اگر پروردگارم را نافرمانی کنم از عذاب روزی بزرگ می‌ترسم. بگو اگر خدا می‌خواست آن را بر شما نمی‌خواندم و شما را بدان آگاه نمی‌گردانید قطعا پیش از آن روزگاری در میان شما به سر برده‌ام آیا فکر نمی‌کنید.

و می‌گویند چرا معجزه‌ای از جانب پروردگارش بر او نازل نمی‌شود بگو غیب فقط به خدا اختصاص دارد پس منتظر باشید که من هم با شما از منتظرانم.

و چنان نیست که قرآن از جانب غیر خدا به دروغ ساخته شده باشد بلکه تصدیق آنچه پیش از آن است می‌باشد و توضیحی از آن کتاب است که در آن تردیدی نیست از پروردگار جهانیان است.

یا می‌گویند آن را به دروغ ساخته است بگو اگر راست می‌گویند سوره‌ای مانند آن بیاورید و هر که را جز خدا می‌توانید فرا خوانید. بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نداشتند و هنوز تاویل آن برایشان نیامده است کسانی که پیش از آنان بودند همین گونه تکذیب کردند پس بنگر که فرجام ستمگران چگونه بوده است.

سخن آنان تو را غمگین نکند زیرا عزت همه از آن خداست او شنوای داناست.

و خبر نوح را بر آنان بخوان ... (داستان حضرت نوح (ع))

و اگر از آنچه به سوی تو نازل کرده‌ایم در تردیدی از کسانی که پیش از تو کتاب می‌خواندند پرس قطعا حق از جانب پروردگارت به سوی تو آمده است پس زنهار از تردیدکنندگان مباش. و از کسانی که آیات ما را دروغ پنداشتند مباش که از زیانکاران

خواهی بود. در حقیقت کسانی که سخن پروردگارت بر آنان تحقق یافته ایمان نمی‌آورند. هر چند هر گونه آیتی برایشان بیاید تا وقتی که عذاب دردناک را ببینند.

چرا هیچ شهری نبود که ایمان بیاورد و ایمانش به حال آن سود بخشد مگر قوم یونس که وقتی ایمان آوردند عذاب رسوایی را در زندگی دنیا از آنان برطرف کردیم و تا چندی آنان را برخوردار ساختیم.

و اگر پروردگار تو می‌خواست قطعا هر که در زمین است همه آنها یکسر ایمان می‌آوردند پس آیا تو مردم را ناگزیر می‌کنی که بگروند. و هیچ کس را نرسد که جز به اذن خدا ایمان بیاورد و بر کسانی که نمی‌اندیشند پلیدی را قرار می‌دهد.

بگو بنگرید که در آسمانها و زمین چیست؟ و نشانه‌ها و هشدارها گروهی را که ایمان نمی‌آورند سود نمی‌بخشد. پس آیا جز مانند روزهای کسانی را که پیش از آنان درگذشتند انتظار می‌برند. بگو انتظار برید که من با شما از منتظرانم. سپس فرستادگان خود و کسانی را که گرویدند می‌رهانیم زیرا بر ما فریضه است که مؤمنان را نجات دهیم.

به دین حنیف روی آور و زنهار از مشرکان مباش. و به جای خدا چیزی را که سود و زیانی به تو نمی‌رساند مخوان که اگر چنین کنی در آن صورت قطعا از جمله ستمکارانی. و اگر خدا به تو زیانی برساند آن را برطرف کننده‌ای جز او نیست و اگر برای تو خیری بخواهد بخشش او را رد کننده‌ای نیست آن را به هر کس از بندگان که بخواهد می‌رساند و او آمرزنده مهربان است.

بگو ای مردم حق از جانب پروردگارتان برای شما آمده است پس هر که هدایت یابد به سود خویش هدایت می‌یابد و هر که گمراه گردد به زیان خود گمراه می‌شود و من بر شما نگهبان نیستم.

و از آنچه بر تو وحی می‌شود پیروی کن و شکیا باش تا خدا داوری کند و او بهترین داوران است.

تو فقط هشداردهنده‌ای (۱۱)

قرآن کتابی است که آیات آن استحکام یافته سپس از جانب حکیمی آگاه به روشنی بیان شده است که جز خدا را نپرستید. به راستی من از جانب او برای شما هشداردهنده و بشارت‌گرم. اینکه از پروردگارتان آمرزش بخواهید سپس به درگاه او توبه کنید شما را با بهره‌مندی نیکویی تا زمانی معین بهره‌مند سازد و به هر شایسته نعمتی از کرم خود عطا کند و اگر رویگردان شوید من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم. بازگشت شما به سوی خداست و او بر هر چیزی تواناست.

آگاه باشید که آنان دل می‌گردانند تا از او نهفته دارند آگاه باشید آنگاه که آنان جامه‌هایشان را بر سر می‌کشند، آنچه را نهفته و آنچه را آشکار می‌دارند می‌داند زیرا او به اسرار سینه‌ها داناست. و هیچ جنبه‌ای در زمین نیست مگر روزیش بر عهده خداست و قرارگاه و محل مردنش را می‌داند همه در کتابی روشن است. و اوست کسی که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید و اگر بگویید شما پس از مرگ برانگیخته خواهید شد قطعاً کسانی که کافر شده‌اند خواهند گفت این جز سحری آشکار نیست. و اگر عذاب را تا چندگاهی از آنان به تاخیر افکنیم حتما خواهند گفت چه چیز آن را باز می‌دارد. آگاه باش روزی که به آنان برسد از ایشان بازگشتنی نیست و آنچه را که مسخره می‌کردند آنان را فرو خواهد گرفت. و اگر از جانب خود رحمتی به انسان بپشانیم سپس آن را از وی سلب کنیم قطعاً نومید و ناسپاس خواهد بود. و اگر پس از محنتی که به او رسیده نعمتی به او بپشانیم حتما خواهد گفت گرفتاریها از من دور شد بی‌گمان او شادمان و فخر فروش است. مگر کسانی که شکیبایی ورزیده و کارهای شایسته کرده‌اند. برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ خواهد بود.

و مبدا تو برخی از آنچه را که به سويت وحی می‌شود ترک گویی و سینه‌ات بدان تنگ گردد که می‌گویند چرا گنجی بر او فرو فرستاده نشده یا فرشته‌ای با او نیامده است **تو فقط هشداردهنده‌ای** و خدا بر هر چیزی نگهبان است. یا می‌گویند این را به دروغ ساخته است.

بگو اگر راست می‌گویید ده سوره بر ساخته شده مانند آن بیاورید و غیر از خدا هر که را می‌توانید فرا خوانید. پس اگر شما را اجابت نکردند بدانید که آنچه نازل شده است به علم خداست و اینکه معبودی جز او نیست پس آیا شما گردن می‌نهدید.

کسانی که زندگی دنیا و زیور آن را بخواهند کارهایشان را در آنجا به طور کامل به آنان می‌دهیم و به آنان در آنجا کم داده نخواهد شد. اینان کسانی هستند که در آخرت جز آتش برایشان نخواهد بود و آنچه در آنجا کرده‌اند به هدر رفته و آنچه انجام می‌داده‌اند باطل گردیده است.

آیا کسی که از جانب پروردگارش بر حجتی روشن است و شاهی از او پیرو آن است و پیش از وی کتاب موسی را هر و مایه رحمت بوده است، آنان به آن می‌گروند و هر کس از گروه‌ها به آن کفر ورزد آتش وعده‌گاه اوست پس در آن تردید مکن که آن حق است - از جانب پروردگارت - ولی بیشتر مردم باور نمی‌کنند.

و به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم؛ من برای شما هشدار دهنده‌ای آشکارم که جز خدا را نپرستید زیرا من از عذاب روزی سهمگین بر شما بیمناکم... (داستان حضرت نوح (ع)) یا می‌گویند آن را برافته است. بگو اگر آن را به دروغ سر هم کرده‌ام گناه من بر عهده خود من است و من از جرمی که به من نسبت می‌دهید برکنارم.

و به نوح وحی شد که از قوم تو جز کسانی که ایمان آورده‌اند هرگز ایمان نخواهد آورد پس از آنچه می‌کردند غمگین مباش.

این از خبرهای غیب است که آن را به تو وحی می‌کنیم پیش از این نه تو آن را می‌دانستی و نه قوم تو پس شکبیا باش که فرجام از آن تقواییشان است.

و به سوی عاد برادرشان هود را؛ گفت ای قوم من خدا را پرستید جز او هیچ معبودی برای شما نیست. شما فقط دروغ پردازید... (داستان حضرت هود (ع))

و به سوی ثمود برادرشان صالح را؛ گفت ای قوم من خدا را پرستید برای شما هیچ معبودی جز او نیست... (داستان حضرت صالح (ع))

و به راستی فرستادگان ما برای ابراهیم مژده آوردند سلام گفتند پاسخ داد سلام و دیری نپایید که گوساله‌ای بریان آورد... (داستان حضرت ابراهیم (ع))

و به سوی مدین برادرشان شعیب را ؛ گفت ای قوم من خدا را بپرستید برای شما جز او معبودی نیست و پیمان و ترازو را کم نکنید به راستی شما را در نعمت می بینم و از عذاب روزی فراگیر بر شما بیمناکم ... (داستان حضرت شعیب (ع))

و به راستی موسی را با آیات خود و حجتی آشکار به سوی فرعون و سران وی فرستادیم ولی از فرمان فرعون پیروی کردند و فرمان فرعون صواب نبود. روز قیامت پیشاپیش قومش می رود و آنان را به آتش درمی آورد و چه ورودگاه بدی برای واردان است. و در این دنیا و روز قیامت به لعنت بدرقه شدند و چه بد عطایی نصیب آنان می شود.

این از خبرهای آن شهرهاست که آن را بر تو حکایت می کنیم بعضی از آنها بر سر پا هستند و بر باد رفته اند. و ما به آنان ستم نکردیم ولی آنان به خودشان ستم کردند پس چون فرمان پروردگارت آمد خدایانی که به جای خدا می خواندند هیچ به کارشان نیامد و جز بر هلاکت آنان نیفزود. و این گونه بود گرفتن پروردگارت وقتی شهرها را در حالی که ستمگر بودند می گرفت آری گرفتن او دردناک و سخت است.

پس در باره آنچه آنان می پرستند در تردید مباش آنان جز همان گونه که قبلا پدرانشان می پرستیدند نمی پرستند و ما بهره ایشان را تمام و ناکاسته خواهیم داد. و به حقیقت ما به موسی کتاب دادیم پس در مورد آن اختلاف شد و اگر از جانب پروردگارت وعده ای پیشی نگرفته بود قطعا میان آنها داوری شده بود و بی گمان آنان در باره آن در شکی بهتان آمیزند. و قطعا پروردگارت اعمال هر یک را به تمام به آنان خواهد داد چرا که او به آنچه انجام می دهند آگاه است.

پس همان گونه که دستور یافته ای ایستادگی کن و هر که با تو توبه کرده ، و طغیان میکند که او به آنچه انجام می دهی بیناست. و به کسانی که ستم کرده اند متمایل مشوید که آتش به شما می رسد و در برابر خدا برای شما دوستانی نخواهد بود و سرانجام یاری نخواهید شد. و در دو طرف روز و نخستین ساعات شب نماز را برپا دار زیرا خویبها بدیها را از میان می برد این برای پندگیرندگان پندی است. و شکیا باش که خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی گرداند.

پس چرا از نسلهای پیش از شما خردمندانی نبودند که از فساد در زمین باز دارند جز اندکی از کسانی که از میان آنان نجاتشان دادیم و کسانی که ستم کردند به دنبال ناز و نعمتی که در آن بودند رفتند و آنان بزهکار بودند. و پروردگار تو بر آن نبوده است که شهرهایی را که مردمش اصلاحگرند به ستم هلاک کند.

و اگر پروردگار تو میخواست قطعا همه مردم را امت واحدی قرار می داد در حالی که پیوسته در اختلافند. مگر کسانی که پروردگار تو به آنان رحم کرده و برای همین آنان را آفریده است و وعده پروردگارت تحقق پذیرفته است البته جهنم را از جن و انس یکسره پر خواهیم کرد.

و هر یک از سرگذشت‌های پیامبران را که بر تو حکایت می کنیم چیزی است که دلت را بدان استوار می گردانیم و در اینها حقیقت برای تو آمده و برای مؤمنان اندرز و تذکری است.

و به کسانی که ایمان نمی آورند بگو بر حسب امکانات خود عمل کنید که ما عمل خواهیم کرد. و منتظر باشید که ما منتظر خواهیم بود. و نهان آسمانها و زمین از آن خداست و تمام کارها به او بازگردانده می شود پس او را پرستش کن و بر او توکل نمای و پروردگار تو از آنچه انجام می دهید غافل نیست.

فرستادگان نومید شدند و پنداشتند که به آنان واقعا دروغ گفته شده یاری ما به آنان رسید (۱۲)

قرآن آیات کتاب روشنگر است ، ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم باشد که بیندیشید. ما نیکوترین سرگذشت را به موجب قرآن که به تو وحی کردیم بر تو حکایت می کنیم و تو قطعاً پیش از آن از بی خبران بودی. زمانی را که یوسف به پدرش گفت ای پدر من یازده ستاره را با خورشید و ماه دیدم ، دیدم برای من سجده می کنند ... (داستان حضرت یوسف(ع))

این از خبرهای غیب است که به تو وحی می کنیم و تو هنگامی که آنان همدستان شدند و نیرنگ می کردند نزدشان نبود. و بیشتر مردم هر چند آرزومند باشی ایمان آورنده نیستند. و تو بر این پاداشی از آنان نمی خواهی آن جز پندی برای جهانیان نیست. و چه بسیار نشانه ها در آسمانها و زمین است که بر آنها می گذرند در حالی که از آنها روی برمی گردانند. و بیشترشان به خدا ایمان نمی آورند جز اینکه شریک می گیرند.

آیا ایمند از اینکه عذاب فراگیر خدا به آنان درسد یا قیامت در حالی که بی خبرند بناگاه آنان را فرا رسد.

بگو این است راه من که من و هر کس پیروی ام کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می کنیم و منزّه است خدا و من از مشرکان نیستم. و پیش از تو جز مردانی از اهل شهرها را که به آنان وحی می کردیم نفرستادیم آیا در زمین نگردیده اند تا فرجام کسانی را که پیش از آنان بوده اند بنگرند و قطعاً سرای آخرت برای کسانی که پرهیزگاری کرده اند بهتر است آیا نمی اندیشید. **تا هنگامی که فرستادگان نومید شدند و پنداشتند که به آنان واقعا دروغ گفته شده یاری ما به آنان رسید** پس کسانی را که می خواستیم نجات یافتند و عذاب ما از گروه مجرمان برگشت ندارد.

به راستی در سرگذشت آنان برای خردمندان عبرتی است سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد بلکه تصدیق آنچه است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می آورند رهنمود و رحمتی است.

جز این نیست که بر تو رساندن است و بر ما حساب (۱۳)

قرآن است آیات کتاب ، و آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده حق است ولی بیشتر مردم نمی گروند. و اگر عجب داری عجب از سخن آنان است که آیا وقتی خاک شدیم به راستی در آفرینش جدیدی خواهیم بود اینان همان کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیده اند و در گردنهایشان زنجیرهاست و آنان همدم آتشند و در آن ماندگار خواهند بود. و پیش از رحمت شتابزده از تو عذاب می طلبند و حال آنکه پیش از آنان عقوبتها رفته است و به راستی پروردگار تو نسبت به مردم با وجود ستمشان بخشایشگر است و به یقین پروردگار تو سخت کیفر است. و آنان که کافر شده اند می گویند چرا نشانه ای آشکار از طرف پروردگار بر او نازل نشده است. تو فقط هشداردهنده ای و برای هر قومی رهبری است.

اوست کسی که برق را برای بیم و امید به شما می نمایاند و ابرهای گرانبار را پدیدار می کند. رعد به حمد او و فرشتگان از بیمش تسبیح می گویند و صاعقه ها را فرو می فرستند و با آنها هر که را بخواهد مورد اصابت قرار می دهد در حالی که آنان در باره خدا مجادله می کنند و او سخت کیفر است. دعوت حق برای اوست و کسانی که جز او می خوانند هیچ جوابی به آنان نمی دهند مگر مانند کسی که دو دستش را به سوی آب بگشاید تا به دهانش برسد در حالی که به او نخواهد رسید و دعای کافران جز بر هدر نباشد. و هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه با سایه هایشان بامدادان و شامگاهان برای خدا سجده می کنند.

بگو پروردگار آسمانها و زمین کیست؟ بگو خدا. بگو پس آیا جز او سرپرستانی گرفته اید که اختیار سود و زیان خود را ندارند بگو آیا نابینا و بینا یکسانند یا تاریکیها و روشنایی برابرند یا برای خدا شریکانی پنداشته اند که مانند آفرینش او آفریده اند و در نتیجه آفرینش بر آنان مشبه شده است بگو خدا آفریننده هر چیزی است و اوست یگانه قهار. از آسمان آبی فرو فرستاد پس رودخانه هایی به اندازه گنجایش خودشان روان شدند و سیل کفی بلند روی خود برداشت و از آنچه برای به دست آوردن زینتی یا کالایی در آتش

می‌گذازند هم نظیر آن کفی برمی‌آید خداوند حق و باطل را چنین مثل می‌زند اما کف بیرون افتاده از میان می‌رود ولی آنچه به مردم سود می‌رساند در زمین می‌ماند. خداوند مثلها را چنین می‌زند. پس آیا کسی که می‌داند آنچه از جانب پروردگارت به تو نازل شده حقیقت دارد مانند کسی است که کوردل است. تنها خردمندانند که عبرت می‌گیرند. و کسانی که کافر شده‌اند می‌گویند چرا از جانب پروردگارش معجزه‌ای بر او نازل نشده است. بگو در حقیقت خداست که هر کس را بخواهد بی‌راه می‌گذارد و هر کس را که بازگردد به سوی خود راه می‌نماید.

بدین گونه تو را در میان امتی که پیش از آن امتیابی روزگار به سر بردند فرستادیم تا آنچه را به تو وحی کردیم بر آنان بخوانی در حالی که آنان به رحمان کفر می‌ورزند. بگو اوست پروردگار من معبودی بجز او نیست بر او توکل کرده‌ام و بازگشت من به سوی اوست.

و اگر قرآنی بود که کوهها بدان روان می‌شد یا زمین بدان قطعه قطعه می‌گردید یا مردگان بدان به سخن درمی‌آمدند - نه چنین است بلکه همه امور بستگی به خدا دارد. آیا کسانی که ایمان آورده‌اند ندانسته‌اند که اگر خدا می‌خواست قطعا تمام مردم را به راه می‌آورد و کسانی که کافر شده‌اند پیوسته به آنچه کرده‌اند مصیبت کوبنده‌ای به آنان می‌رسد یا نزدیک خانه‌هایشان فرود می‌آید تا وعده خدا فرا رسد آری خدا وعده را خلاف نمی‌کند. و بی‌گمان فرستادگان پیش از تو مسخره شدند پس به کسانی که کافر شده بودند مهلت دادم آنگاه آنان را گرفتم پس چگونه بود کیفر من.

و کسانی که به آنان کتاب داده‌ایم از آنچه به سوی تو نازل شده شاد می‌شوند و برخی از دسته‌ها کسانی هستند که بخشی از آن را انکار می‌کنند بگو جز این نیست که من مأمورم خدا را بپرستم و به او شرک نورزم به سوی او می‌خوانم و بازگشتم به سوی اوست. و بدین سان آن را فرمانی روشن نازل کردیم و اگر پس از دانشی که به تو رسیده از هوسهای آنان پیروی کنی در برابر خدا هیچ دوست و حمایتگری نخواهی داشت. و قطعا پیش از تو رسولانی فرستادیم و برای آنان زنان و فرزندان قرار دادیم و هیچ پیامبری را نرسد که جز به اذن خدا معجزه‌ای بیاورد برای هر زمانی کتابی است. خدا آنچه را بخواهد محو یا اثبات

می کند و اصل کتاب نزد اوست. و اگر پاره ای از آنچه را که به آنان وعده می دهیم به تو بنمایانیم یا تو را بمیرانیم **جز این نیست که بر تو رساندن است و بر ما حساب.** آیا ندیده اند که ما می آییم و از اطراف این زمین می گاهیم و خداست که حکم می کند برای حکم او باز دارنده ای نیست و او به سرعت حسابرسی می کند. و به یقین کسانی که پیش از آنان بودند نیرنگ کردند ولی همه تدبیرها نزد خداست آنچه را که هر کسی به دست می آورد می داند و به زودی کافران بدانند که فرجام آن سرای از کیست. و کسانی که کافر شدند می گویند تو فرستاده نیستی بگو کافی است خدا و آن کس که نزد او علم کتاب است میان من و شما گواه باشد.

خدا را از آنچه ستمکاران می کنند غافل میندار (۱۴)

قرآن کتابی است که آن را به سوی تو فرود آوردیم تا مردم را به اذن پروردگارشان از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون آوری به سوی راه آن شکست ناپذیر ستوده ، خدایی که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست. و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم تا برای آنان بیان کند. پس خدا هر که را بخواهد بی راه می گذارد و هر که را بخواهد هدایت می کند و اوست ارجمند حکیم.

و در حقیقت موسی را با آیات خود فرستادیم که قوم خود را از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون آور و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن که قطعا در این برای هر شکیبای سپاسگزاری عبرتهاست. و هنگامی را که موسی به قوم خود گفت نعمت خدا را بر خود به یاد آورید آنگاه که شما را از فرعونیان رهانید که بر شما عذاب سخت روا می داشتند و پسران را سر می بریدند و زنان را زنده می گذاشتند و در این برای شما از جانب پروردگارتان آزمایشی بزرگ بود. و آنگاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعا سپاسگزاری کنید شما را افزون خواهم کرد و اگر ناسپاسی نمایید قطعا عذاب من سخت خواهد بود. و موسی گفت اگر شما و هر که در روی زمین است همگی کافر شوید بی گمان خدا بی نیاز ستوده است.

آیا خبر کسانی که پیش از شما بودند قوم نوح و عاد و ثمود و آنانکه بعد از ایشان بودند - کسی جز خدا از آنان آگاهی ندارد - به شما نرسیده است. فرستادگان شان دلایل آشکار برایشان آوردند ولی آنان دستهایشان را بر دهانهایشان نهادند و گفتند ما به آنچه شما بدان ماموریت دارید کافریم و از آنچه ما را بدان می خوانید سخت در شکیم. پیامبران شان گفتند مگر در باره خدا پدید آورنده آسمانها و زمین تردیدی هست او شما را دعوت می کند تا پاره ای از گناهان را بر شما ببخشد و تا زمان معینی شما را مهلت دهد. گفتند شما جز بشری مانند ما نیستید می خواهید ما را از آنچه پدرانمان می پرستیدند باز دارید پس برای ما حجتی آشکار بیاورید.

پیامبرانشان به آنان گفتند ما جز بشری مثل شما نیستیم ولی خدا بر هر یک از بندگانش که بخواهد منت می‌نهد و ما را نرسد که جز به اذن خدا برای شما حجتی بیاوریم و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند. و چرا بر خدا توکل نکنیم و حال آنکه ما را به راه‌هایمان رهبری کرده است و البته ما بر آزاری که به ما رساندید شکیبایی خواهیم کرد و توکل کنندگان باید تنها بر خدا توکل کنند.

و کسانی که کافر شدند به پیامبرانشان گفتند شما را از سرزمین خودمان بیرون خواهیم کرد مگر اینکه به کیش ما بازگردید پس پروردگارشان به آنان وحی کرد که حتما ستمگران را هلاک خواهیم کرد و قطعا شما را پس از ایشان در آن سرزمین سکونت خواهیم داد این برای کسی است که از ایستادن در پیشگاه من بترسد و از تهدیدم بیم داشته باشد. و گشایش خواستند و هر زورگوی لجوجی نومید شد.

آیا در نیافته‌ای که خدا آسمانها و زمین را به حق آفریده اگر بخواهد شما را می‌برد و خلق تازه‌ای می‌آورد. و این بر خدا دشوار نیست. خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند در زندگی دنیا و در آخرت با **سخن استوار** ثابت می‌گرداند و ستمگران را بی‌راه می‌گذارد و خدا هر چه بخواهد انجام می‌دهد.

به آن بندگانم که ایمان آورده‌اند بگو نماز را بر پا دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم پنهان و آشکارا انفاق کنند پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی باشد و نه دوستی.

و هنگامی را که ابراهیم گفت پروردگارا این شهر را ایمن گردان و مرا و فرزندانم را از پرستیدن بتان دور دار. پروردگارا آنها بسیاری از مردم را گمراه کردند پس هر که از من پیروی کند بی گمان او از من است و هر که مرا نافرمانی کند به یقین تو آمرزنده و مهربانی. پروردگارا من فرزندانم را در دره‌ای بی‌کشت نزد خانه محترم تو سکونت دادم پروردگارا تا نماز را به پا دارند پس دل‌های برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده و آنان را از محصولات روزی ده باشد که سپاسگزاری کنند. پروردگارا بی‌گمان تو آنچه را که پنهان می‌داریم و آنچه را که آشکار می‌سازیم می‌دانی و چیزی در زمین و در آسمان بر خدا پوشیده نمی‌ماند. سپاس خدای را که با وجود سالخوردگی اسماعیل و اسحاق را به من

بخشید به راستی پروردگار من شنونده دعاست. پروردگارا مرا برپادارنده نماز قرار ده و از فرزندان من نیز پروردگارا و دعای مرا بپذیر. پروردگارا روزی که حساب برپا می شود بر من و پدر و مادر و بر مؤمنان ببخشای.

و خدا را از آنچه ستمکاران می کنند غافل میندار جز این نیست که آنان را برای روزی به تاخیر می اندازد که چشمها در آن خیره می شود. شتابان سر برداشته و چشم بر هم نمی زنند و دلهایشان تهی است. و مردم را از روزی که عذاب بر آنان می آید بترسان. پس آنان که ستم کرده اند می گویند پروردگارا ما را تا چندی مهلت بخش تا دعوت تو را پاسخ گوییم و از فرستادگان پیروی کنیم. مگر شما پیش از این سوگند نمی خوردید که شما را فنائی نیست.

و در سراهای کسانی که بر خود ستم روا داشتند سکونت گزیدید و برای شما آشکار گردید که با آنان چگونه معامله کردیم و مثلها برای شما زدیم. و به یقین آنان نیرنگ خود را به کار بردند و مکرشان با خداست هر چند از مکرشان کوهها از جای کنده می شد. پس میندار که خدا وعده خود را به پیامبرانش خلاف می کند که خدا شکست ناپذیر انتقام گیرنده است.

روزی که زمین به غیر این زمین و آسمانها مبدل گردد و در برابر خدای یگانه قهار ظاهر شوند. و گناهکاران را در آن روز می بینی که با هم در زنجیرها بسته شده اند. تن پوشهایشان از قطران است و چهره هایشان را آتش می پوشاند. تا خدا به هر کس هر چه به دست آورده است جزا دهد که خدا زودشمار است. این ابلاغی برای مردم است و بدان بیم یابند و بدانند که او معبودی یگانه است و تا صاحبان خرد پند گیرند.

به آنچه ما دسته‌هایی از آنان را بدان برخوردار ساخته‌ایم چشم مدوز (۱۵)

قرآن آیات کتاب روشنگر است، چه بسا کسانی که کافر شدند آرزو کنند که کاش مسلمان بودند. بگذارشان تا بخورند و برخوردار شوند و آرزو سرگرمشان کند پس به زودی خواهند دانست. و هیچ شهری را هلاک نکردیم مگر اینکه برای آن اجل معین بود. هیچ امتی از اجل خویش نه پیش می‌افتد و نه پس می‌ماند.

و گفتند ای کسی که قرآن بر او نازل شده است به یقین تو دیوانه‌ای. اگر راست می‌گویی چرا فرشته‌ها را پیش ما نمی‌آوری؟ فرشتگان را جز به حق فرو نمی‌فرستیم و در آن هنگام دیگر مهلت نیابند. بی‌تردید ما قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود. و به یقین پیش از تو در گروههای پیشینیان فرستادیم و هیچ پیامبری برایشان نیامد جز آنکه او را به مسخره می‌گرفتند. بدین گونه آن را در دل بزهکاران راه می‌دهیم، به او ایمان نمی‌آورند و راه پیشینیان پیوسته چنین بوده است. و اگر دری از آسمان بر آنان می‌گشودیم که همواره از آن بالا می‌رفتند قطعاً می‌گفتند در حقیقت ما چشم‌بندی شده‌ایم بلکه ما مردمی هستیم که افسون شده‌ایم.

و به یقین ما در آسمان برجهایی قرار دادیم و آن را برای تماشاگران آراستیم و آن را از هر شیطان رانده‌شده‌ای حفظ کردیم مگر آن کس که دزدیده گوش فرا دهد که شهابی روشن او را دنبال می‌کند و زمین را گسترانیدیم و در آن کوههای استوار افکندیم و از هر چیز سنجیده‌ای در آن رویانیدیم و برای شما و هر کس که شما روزی‌دهنده او نیستید در آن وسایل زندگی قرار دادیم و هیچ چیز نیست مگر آنکه گنجینه‌های آن نزد ماست و ما آن را جز به اندازه‌ای معین فرو نمی‌فرستیم و بادها را باردارکننده فرستادیم و از آسمان آبی نازل کردیم پس شما را بدان سیراب نمودیم و شما خزانه‌دار آن نیستید و بی‌تردید این مایم که زنده می‌کنیم و می‌میرانیم و ما وارث هستیم و به یقین پیشینیان شما را شناخته‌ایم و آیندگان را شناخته‌ایم. و مسلماً پروردگار توست که آنان را محصور خواهد کرد چرا که او حکیم داناست. و در حقیقت انسان را از گلی خشک از گلی سیاه و بدبو آفریدیم... (داستان حضرت آدم(ع))

به بندگان من خبر ده که منم آمرزنده مهربان ، و اینکه عذاب من عذابی است دردناک. و از مهمانان ابراهیم به آنان خبر ده ... (داستان حضرت لوط (ع)) ... و حضرت لوط (ع) را از این امر آگاه کردیم که ریشه آن گروه صبحگاهان بریده خواهد شد. پس به هنگام طلوع آفتاب فریاد آنان را فرو گرفت و آن را زیر و زبر کردیم و بر آنان سنگهایی از سنگ گل بارانیدیم.

و راستی اهل ایکه ستمگر بودند پس از آنان انتقام گرفتیم و آن دو بر سر راهی آشکاراست.

و اهل حجر پیامبران را تکذیب کردند و آیات خود را به آنان دادیم و از آنها اعراض کردند و از کوهها خانه‌هایی می‌تراشیدند که در امان بمانند پس صبحدم فریاد آنان را فرو گرفت و آنچه به دست می‌آوردند به کارشان نخورد.

و ما آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز به حق نیافریده‌ایم و یقیناً قیامت فرا خواهد رسید پس به خوبی صرف نظر کن زیرا پروردگار تو همان آفریننده داناست.

و به راستی به تو سوره فاتحه و قرآن بزرگ را عطا کردیم و به آنچه ما دسته‌هایی از آنان را بدان برخوردار ساخته‌ایم چشم مدوز و بر ایشان اندوه مخور و بال خویش برای مؤمنان فرو گستر و بگو من همان هشداردهنده آشکارم. پس آنچه را بدان ماموری آشکار کن و از مشرکان روی برتاب که ما ریشخندگران - همانان که با خدا معبودی دیگر قرار می‌دهند - را از تو برطرف خواهیم کرد پس به زودی خواهند دانست. و قطعاً می‌دانیم که سینه تو از آنچه می‌گویند تنگ می‌شود. پس با ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از سجده‌کنندگان باش و پروردگارت را پرستش کن تا اینکه مرگ تو فرا رسد.

به تو وحی کردیم که از آیین ابراهیم حق گرای پیروی کن (۱۶)

امر خدا در رسیدن پس در آن شتاب مکنید او منزله و فراتر است از آنچه شریک می سازند. فرشتگان را با روح به فرمان خود بر هر کس از بندگانش که بخواهد نازل می کند که بیم دهید که معبودی جز من نیست پس از من پروا کنید. و نمودن راه راست بر عهده خداست و برخی از آن کثر است و اگر می خواست مسلما همه شما را هدایت می کرد. و چون به آنان گفته شود پروردگارتان چه چیز نازل کرده است می گویند افسانه های پیشینیان است. و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده ای برانگیختیم ؛ خدا را پرستید و از طاغوت بپرهیزید. پس از ایشان کسی است که خدا هدایت کرده و از ایشان کسی است که گمراهی بر او سزاوار است بنابراین در زمین بگردید و ببینید فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است.

اگر بر هدایت آنان حرص ورزی ولی خدا کسی را که فرو گذاشته است هدایت نمی کند و برای ایشان یاری کنندگانی نیست.

و پیش از تو جز **مردانی که بدیشان وحی می کردیم** گسیل نداشتیم پس اگر نمی دانید از پژوهندگان کتابهای آسمانی جويا شوید. با دلایل آشکار و نوشته ها ، و قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی و امید که آنان بیندیشند.

سوگند به خدا که به سوی امتهای پیش از تو فرستادیم شیطان اعمالشان را برایشان آراست و امروز سرپرستان هموست و برایشان عذابی دردناک است. و ما کتاب را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف کرده اند برای آنان توضیح دهی و برای مردمی که ایمان می آورند رهنمود و رحمتی است.

و پروردگار تو به زبور عسل **وحی** کرد که از پاره های کوهها و از برخی درختان و از آنچه داربست می کنند خانه هایی برای خود درست کن. سپس از همه میوه ها بخور و راههای پروردگارت را فرمانبردارانه پیوی. از درون آن شهدی که به رنگهای گوناگون است بیرون می آید در آن برای مردم درمانی است. راستی در این برای مردمی که تفکر

می‌کنند نشانه است. پس اگر رویگردان شوند بر تو فقط ابلاغ آشکار است. نعمت خدا را می‌شناسند اما باز هم منکر آن می‌شوند و بیشترشان کافرانند.

و روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان برایشان برانگیزیم و تو را بر این گواه آوریم و کتاب قرآن را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است بر تو نازل کردیم.

و اگر خدا می‌خواست قطعاً شما را امتی واحد قرار می‌داد ولی هر که را بخواهد بیراه و هر که را بخواهد هدایت می‌کند و از آنچه انجام می‌دادید حتماً سؤال خواهید شد.

پس چون قرآن می‌خوانی از شیطان مطرود به خدا پناه بر چرا که او را بر کسانی که ایمان آورده‌اند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند تسلطی نیست. تسلط او فقط بر کسانی است که وی را به سرپرستی برمی‌گیرند و بر کسانی که آنها به او شرک می‌ورزند.

و چون حکمی را به جای حکم دیگر بیاوریم و خدا به آنچه به تدریج نازل می‌کند داناتر است می‌گویند جز این نیست که تو دروغ بافی بلکه بیشتر آنان نمی‌دانند. بگو آن را روح القدس از طرف پروردگارت به حق فرود آورده تا کسانی را که ایمان آورده‌اند استوار گرداند و برای مسلمانان هدایت و بشارتی است. و نیک می‌دانیم که آنان می‌گویند جز این نیست که بشری به او می‌آموزد. زبان کسی که نسبت را به او می‌دهند غیر عربی است و این به زبان عربی روشن است. در حقیقت کسانی که به آیات خدا ایمان ندارند خدا آنان را هدایت نمی‌کند و برایشان عذابی دردناک است.

هر کس پس از ایمان آوردن خود به خدا کفر ورزد - مگر آن کس که مجبور شده و قلبش به ایمان اطمینان دارد - لیکن هر که سینه‌اش به کفر گشاده گردد خشم خدا بر آنان است و برایشان عذابی بزرگ خواهد بود. زیرا آنان زندگی دنیا را بر آخرت برتری دادند و اینکه خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند. آنان کسانی‌اند که خدا بر دلها و گوش و دیدگانشان مهر نهاده و آنان خود غافلاند. شک نیست که آنها در آخرت همان زیانکارانند. با این حال پروردگار تو نسبت به کسانی که پس از زجر کشیدن هجرت کرده و سپس جهاد نمودند و صبر پیشه ساختند پروردگارت بعد از آن قطعاً آمرزنده و مهربان است.

به راستی ابراهیم پیشوایی مطیع خدا ، حق گرای بود و از مشرکان نبود. نعمتهای او را شکر گزار بود. او را برگزید و به راهی راست هدایتش کرد. و در دنیا به او نیکویی دادیم و در آخرت از شایستگان خواهد بود. سپس **به تو وحی کردیم که از آیین ابراهیم حق گرای پیروی کن.** او از مشرکان نبود.

با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به شیوه ای که نیکوتر است مجادله نمای در حقیقت پروردگار تو به کسی که از راه او منحرف شده داناتر و او به راه یافتگان داناتر است. و اگر عقوبت کردید همان گونه که مورد عقوبت قرار گرفته اید به عقوبت رسانید و اگر صبر کنید البته آن برای شکیبایان بهتر است. و صبر کن و صبر تو جز به خدا نیست و بر آنان اندوه مخور و از آنچه نیرنگ می کنند دل تنگ مدار. در حقیقت خدا با کسانی است که پروا داشته اند و کسانی که آنها نیکوکارند.

اگر تو را استوار نمی داشتیم قطعاً نزدیک بود کمی به سوی آنان متمایل شوی (۱۷)

منزه است آن که بنده اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی که پیرامون آن را برکت داده ایم سیر داد تا از نشانه های خود به او بنمایانیم که او همان شنوای بیناست.

و کتاب آسمانی را به موسی دادیم و آن را برای فرزندان اسرائیل رهنمودی گردانیدیم که زنهار غیر از من کارسازی مگیرید. فرزندان کسانی که با نوح برداشتیم راستی که او بنده ای سپاسگزار بود. و در کتاب آسمانی به فرزندان اسرائیل خبر دادیم که قطعاً دو بار در زمین فساد خواهید کرد و قطعاً به سرکشی بسیار بزرگی برخواید خاست. پس آنگاه که وعده نخستین آن دو فرا رسد بندگانی از خود را که سخت نیرومندند بر شما می گماریم تا میان خانه ها به جستجو درآیند و این تهدید تحقق یافتنی است. پس دوباره شما را بر آنان چیره می کنیم و شما را با اموال و پسران یاری می دهیم و نفرات شما را بیشتر می گردانیم. اگر نیکی کنید به خود نیکی کرده اید و اگر بدی کنید به خود. و چون تهدید آخر فرا رسد تا شما را اندوهگین کنند و در معبد چنانکه بار اول داخل شدند درآیند و بر هر چه دست یافتند یکسره نابود کنند.

قطعاً قرآن که خود پایدارتر است راه می نماید و به آن مؤمنانی که کارهای شایسته می کنند مژده می دهد که پاداشی بزرگ برایشان خواهد بود. و اینکه برای کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند عذابی پر درد آماده کرده ایم.

و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مهرستید و به پدر و مادر احسان کنید اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها اوف مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی و از سر مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو پروردگارا آن دو را رحمت کن چنانکه مرا در خردی پروردند.

پروردگار شما به آنچه در دلهای خود دارید آگاه تر است اگر شایسته باشید قطعاً او آمرزنده توبه کنندگان است. و حق خویشاوند را به او بده و مستمند و در راه مانده را ، و ولخرجی و اسراف مکن. چرا که اسرافکاران برادران شیطانهایند و شیطان همواره نسبت به

پروردگارش ناسپاس بوده است. و اگر به امید رحمتی که از پروردگارت جویای آنی از ایشان روی می گردانی پس با آنان سخنی نرم بگویی. و دست را به گردنت زنجیر مکن و بسیار گشاده دستی منما تا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی.

و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن زیرا گوش و چشم و قلب همه مورد پرسش واقع خواهند شد. و در زمین به نخوت گام برمдар چرا که هرگز زمین را نمی توانی شکافت و در بلندی به کوهها نمی توانی رسید. همه این بدش نزد پروردگار تو ناپسندیده است. این از حکمتهایی است که پروردگارت به تو وحی کرده است و با خدای یگانه معبودی دیگر قرار مده و گرنه حسرت زده و مطرود در جهنم افکنده خواهی شد.

و به راستی ما در قرآن گونه گونه بیان کردیم تا پند گیرند و آنان را جز نفرت نمی افزاید. بگو اگر چنانکه می گویند با او خدایانی بود در آن صورت حتما در صدد جستن راهی به سوی صاحب عرش برمی آمدند. او منزّه است و از آنچه می گویند بسی والا تر است. آسمانهای هفتگانه و زمین و هر کس که در آنهاست او را تسبیح می گویند و هیچ چیز نیست مگر اینکه در حال ستایش تسبیح او می گوید ولی شما تسبیح آنها را در نمی یابید به راستی که او همواره بردبار آمرزنده است.

و چون قرآن بخوانی میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند پرده ای پوشیده قرار می دهیم و بر دلهایشان پوششها می نهیم تا آن را نفهمند و در گوشه ایشان سنگینی. و چون در قرآن پروردگار خود را به یگانگی یاد کنی با نفرت پشت می کنند. هنگامی که به سوی تو گوش فرا می دارند ما بهتر می دانیم به چه گوش می دهند و آنگاه که به نجوا می پردازند وقتی که ستمگران گویند جز مردی افسون شده را پیروی نمی کنید. بین چگونه برای تو مثلها زدند و گمراه شدند در نتیجه راه به جایی نمی توانند ببرند. و گفتند آیا وقتی استخوان و خاک شدیم به آفرینشی جدید برانگیخته می شویم؟ بگو سنگ باشید یا آهن. یا آفریده ای از آنچه در خاطر شما بزرگ می نماید. پس خواهند گفت چه کسی ما را بازمی گرداند؟ بگو همان کس که نخستین بار شما را پدید آورد. سرهای خود را به طرف تو تکان می دهند و می گویند: آن کی خواهد بود؟ بگو شاید که نزدیک باشد. روزی که

شما را فرا می خواند پس در حالی که او را ستایش می کنید اجابتش می نماید و می پندارید که جز اندکی نمانده اید.

و به بندگانم بگو آنچه را که بهتر است بگویند که شیطان میانشان را به هم می زند زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است. پروردگار شما به شما داناتر است اگر بخواهد بر شما رحمت می آورد یا اگر بخواهد شما را عذاب می کند و تو را بر ایشان نگهبان نفرستاده ایم. و هیچ شهری نیست مگر اینکه ما آن را پیش از روز رستاخیز به هلاکت می رسانیم یا آن را سخت عذاب می کنیم این در کتاب به قلم رفته است.

و ما را از فرستادن معجزات باز نداشت جز اینکه پیشینان آنها را به دروغ گرفتند و به ثمود ماده شتر دادیم که روشنگر بود و به آن ستم کردند و ما معجزه ها را جز برای بیم دادن نمی فرستیم.

و هنگامی را که به تو گفتیم به راستی پروردگارت بر مردم احاطه دارد و آن رؤیایی را که به تو نمایانیدیم و آن درخت لعنت شده در قرآن را جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم و ما آنان را بیم می دهیم ولی جز بر طغیان بیشتر آنها نمی افزاید.

و هنگامی را که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید پس جز ابلیس سجده کردند گفت آیا برای کسی که از گل آفریدی سجده کنم ... (داستان حضرت آدم (ع))... و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده های خود برتری آشکار دادیم.

و چیزی نمانده بود که تو را از آنچه به سوی تو وحی کرده ایم گمراه کنند تا غیر از آن را بر ما ببندی و در آن صورت تو را به دوستی خود بگیرند. **و اگر تو را استوار نمی داشتیم قطعاً نزدیک بود کمی به سوی آنان متمایل شوی.** در آن صورت حتماً تو را دو برابر زندگی و دو برابر مرگ می چشاندیم آنگاه در برابر ما برای خود یآوری نمی یافتی. و چیزی نمانده بود که تو را از این سرزمین برکنند تا تو را از آنجا بیرون سازند و در آن صورت آنان پس از تو جز اندکی نمی ماندند. سستی که همواره در میان فرستادگانی که پیش از تو گسیل داشته ایم بوده است و برای سنت (و قانون) ما تغییری نخواهی یافت.

نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب برپادار و نماز صبح را زیرا نماز صبح همواره حضور است. و پاسی از شب را زنده بدار تا برای تو نافله‌ای باشد امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند. و بگو پروردگارا مرا به طرز درست داخل کن و به طرز درست خارج ساز و از جانب خود برای من تسلطی یاری بخش قرار ده. و بگو حق آمد و باطل نابود شد آری باطل همواره نابودشدنی است. و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می‌کنیم و ستمگران را جز زیان نمی‌افزاید. و چون به انسان نعمت ارزانی داریم روی می‌گرداند و پهلوی تهی می‌کند و چون آسیبی به وی رسد نومید می‌گردد.

بگو هر کس بر حسب ساختار خود عمل می‌کند و پروردگار شما به هر که راه یافته‌تر باشد داناتر است.

و در باره روح از تو می‌پرسند بگو روح از فرمان پروردگار من است و به شما از دانش جز اندکی داده نشده است. و اگر بخواهیم قطعا آنچه را به تو وحی کرده‌ایم می‌بریم آنگاه برای آن در برابر ما برای خود مدافعی نمی‌یابی. مگر رحمتی از جانب پروردگارت. زیرا فضل او بر تو همواره بسیار است.

بگو اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر قرآن را بیاورند مانند آن را نخواهند آورد هر چند برخی از آنها پشتیبان برخی باشند. و به راستی در قرآن از هر گونه مثلی گوناگون آوردیم ولی بیشتر مردم جز سرانکار ندارند. و گفتند تا از زمین چشمه‌ای برای ما نجوشانی هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد. یا برای تو باغی از درختان خرما و انگور باشد و آشکارا از میان آنها جویبارها روان سازی. یا چنانکه ادعا می‌کنی آسمان را پاره پاره بر ما فرو اندازی یا خدا و فرشتگان را در برابر آوری. یا برای تو خانه‌ای از طلا باشد یا به آسمان بالا روی و به بالا رفتن تو اطمینان نخواهیم داشت تا بر ما کتابی نازل کنی که آن را بخوانیم. بگو پاک است پروردگار من آیا جز بشری فرستاده هستیم.

و مردم را از ایمان آوردن باز نداشت آنگاه که هدایت برایشان آمد جز اینکه گفتند آیا خدا بشری را به سمت رسول مبعوث کرده است.

بگو اگر در روی زمین فرشتگانی بودند که با اطمینان راه می رفتند البته بر آنان فرشته ای را بعنوان پیامبر از آسمان نازل می کردیم.

بگو میان من و شما گواه بودن خدا کافی است چرا که او همواره به بندگانش آگاه بینا است.

بگو اگر شما مالک گنجینه های رحمت پروردگارم بودید باز هم از بیم خرج کردن قطعا امساك می ورزیدید و انسان همواره بخیل است.

و در حقیقت ما به موسی نه نشانه آشکار دادیم پس از فرزندان اسرائیل پرس آنگاه که نزد آنان آمد و فرعون به او گفت ای موسی من جدا تو را افسون شده می پندارم. گفت قطعا می دانی که این را که باعث بیشه است جز پروردگار آسمانها و زمین نازل نکرده است و راستی ای فرعون تو را تباه شده می پندارم. پس فرعون تصمیم گرفت که آنان را از سرزمین برکند پس او و هر که را با وی بود همه را غرق کردیم. و پس از او به فرزندان اسرائیل گفتیم در این سرزمین ساکن شوید پس چون وعده آخرت فرا رسد شما را همه با هم محشور می کنیم.

و آن را به حق فرود آوردیم و به حق فرود آمد و تو را جز بشارت دهنده و بیم رسان نفرستادیم. و قرآنی بخش بخش نازل کردیم تا آن را به آرامی به مردم بخوانی و آن را به تدریج نازل کردیم.

بگو به آن ایمان بیاورید یا نیاورید بی گمان کسانی که پیش از آن دانش یافته اند چون بر آنان خوانده شود سجده کنان به روی درمی افتند. و می گویند منزه است پروردگار ما که وعده پروردگار ما قطعا انجام شدنی است. و بر روی زمین می افتند و می گریند و بر فروتنی آنها می افزاید.

بگو خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید هر کدام را بخوانید برای او نامهای نیکوتر است و نمازت را به آواز بلند مخوان و بسیار آهسته اش مکن و میان این راهی جوی. و بگو ستایش خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهانداري شریکی دارد و نه خوار بوده که دوستی داشته باشد و او را بسیار بزرگ شمار.

شاید اگر به این سخن ایمان نیاورند تو جان خود را از اندوه در پیگیری شان تباه کنی (۱۸)

ستایش خدایی را که کتاب قرآن را بر بنده خود فرو فرستاد و هیچ گونه کزی در آن
نهاد. راست و درست تا از جانب خود به عذابی سخت بیم دهد و مؤمنانی را که کارهای
شایسته می کنند نوید بخشد که برای آنان پاداشی نیکوست.

شاید اگر به این سخن ایمان نیاورند تو جان خود را از اندوه در پیگیری شان تباه کنی. در
حقیقت ما آنچه را که بر زمین است زیوری برای آن قرار دادیم تا آنان را بیازماییم که
کدام یک از ایشان نیکو کارترند.

مگر پنداشتی اصحاب کهف و رقیم از آیات ما شگفت بوده است. آنگاه که جوانان به
سوی غار پناه جستند و گفتند پروردگار ما از جانب خود به ما رحمتی بخش و کار ما را
برای ما به سامان رسان ... (داستان اصحاب کهف)

ما خبرشان را بر تو درست حکایت می کنیم آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان
ایمان آورده بودند و بر هدایتشان افزودیم.

به زودی خواهند گفت سه تن بودند چهارمین آنها سگشان بود و می گویند پنج تن بودند
ششمین آنها سگشان بود تیر در تاریکی می اندازند و می گویند هفت تن بودند و هشتمین
آنها سگشان بود بگو پروردگارم به شماره آنها آگاه تر است جز اندکی آنها را نمی داند پس
در باره ایشان جز به صورت ظاهر جدال مکن و در مورد آنها از هیچ کس جویا مشو. و
زنهار در مورد چیزی مگوی که من آن را فردا انجام خواهم داد. مگر آنکه خدا بخواهد و
چون فراموش کردی پروردگارت را یاد کن و بگو امید که پروردگارم مرا به راهی که
نزدیکتر از این به صواب است هدایت کند.

بگو خدا به آنچه درنگ کردند داناتر است نهان آسمانها و زمین به او اختصاص دارد و
چه بینا و شنواست برای آنان یآوری جز او نیست و هیچ کس را در فرمانروایی خود شریک
نمی گیرد.

و آنچه را که از کتاب پروردگارت به تو وحی شده است بخوان کلمات او را
تغییردهنده ای نیست و جز او هرگز پناهی نخواهی یافت. و با کسانی که پروردگارشان را

صبح و شام می‌خوانند ، خشنودی او را می‌خواهند شکیبایی پیشه کن و دو دیده‌ات را از آنان برمگیر که زیور زندگی دنیا را بخواهی و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته‌ایم و از هوس خود پیروی کرده و کارش بر زیاده‌روی است اطاعت مکن. و بگو حق از پروردگارتان است پس هر که بخواهد بگردد و هر که بخواهد انکار کند که ما برای ستمگران آتشی آماده کرده‌ایم که سراپرده‌هایش آنان را در بر می‌گیرد و اگر فریادرسی جویند به آبی چون مس گذاخته که چهره‌ها را بریان می‌کند یاری می‌شوند و چه بد شرابی و چه زشت جایگاهی است. کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند ، ما پاداش کسی را که نیکوکاری کرده است تباه نمی‌کنیم.

و برای آنان آن دو مرد را مثل بز که به یکی از آنها دو باغ انگور دادیم ... (داستان دو مردی که باغ انگور داشتند) ... در آنجا آشکار شد که یاری به خدای حق تعلق دارد اوست بهترین پاداش و بهترین فرجام.

و برای آنان زندگی دنیا را مثل بز که مانند آبی است که آن را از آسمان فرو فرستادیم سپس گیاه زمین با آن در آمیخت و خشک گردید که بادها پراکنده‌اش کردند و خداست که همواره بر هر چیزی تواناست. مال و پسران زیور زندگی دنیایند و نیکوهای ماندگار از نظر پاداش نزد پروردگارت بهتر و از نظر امید بهتر است.

و هنگامی را که به فرشتگان گفتیم آدم را سجده کنید پس جز ابلیس سجده کردند که از جن بود و از فرمان پروردگارش سرپیچید آیا او و نسلش را به جای من دوستان خود می‌گیرید و حال آنکه آنها دشمن شمايند و چه بد جانشینانی برای ستمگرانند. آنان را نه در آفرینش آسمانها و زمین به شهادت طلبیدم و نه در آفرینش خودشان و من آن نیستم که گمراهگران را همکار خود بگیرم.

و به راستی در قرآن برای مردم از هر گونه مثلی آوردیم و انسان بیش از هر چیز سر جدال دارد. و چیزی مانع مردم نشد از اینکه وقتی هدایت به سویشان آمد ایمان بیاورند و از پروردگارشان آموزش بخواهند جز اینکه تا سنت پیشینیان در باره آنان به کار رود یا عذاب رویارویشان بیاید.

و پیامبران را جز بشارت دهنده و بیم‌رسان گسیل نمی‌داریم و کسانی که کافر شده‌اند به باطل مجادله می‌کنند تا به وسیله آن حق را پایمال گردانند و نشانه‌های من و آنچه را بیم داده شده‌اند به ریشخند گرفتند. و کیست ستمکارتر از آن کس که به آیات پروردگارش پند داده شده و از آن روی برتافته و دستاورد پیشینه خود را فراموش کرده است ما بر دل‌های آنان پوششهایی قرار دادیم تا آن را درنیابند و در گوشه‌هایشان سنگینی. و اگر آنها را به سوی هدایت فراخوانی باز هرگز به راه نخواهند آمد.

و هنگامی را که موسی به جوان خود گفت دست بردار نیستم تا به محل برخورد دو دریا برسم هر چند سال‌ها سیر کنم ... (داستان حضرت خضر (ع))
و از تو در باره ذوالقرنین می‌پرسند بگو به زودی چیزی از او برای شما خواهم خواند ...
(داستان ذوالقرنین)

بگو آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه گردانم ؛ کسانی‌اند که کوشش‌شان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند.
بگو من هم مثل شما بشری هستم و به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته پردازد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد.

آیند انستی که ما شیطانها را بر کافران گماشته ایم تا آنان را تحریک کنند (۱۹)

یادی از رحمت پروردگار تو در باره بنده اش زکریاست ... (داستان حضرت یحیی (ع))
و در کتاب قرآن از مریم یاد کن آنگاه که از کسان خود در مکانی شرقی به کناری
شتافت ... (داستان حضرت عیسی (ع))
و آنان را از روز حسرت بیم ده آنگاه که داوری انجام گیرد و حال آنکه آنها در غفلتند و
سر ایمان آوردن ندارند.

و در کتاب قرآن به یاد ابراهیم پرداز زیرا او پیامبری بسیار راستگوی بود ... (داستان
حضرت ابراهیم (ع))
و در کتاب قرآن از موسی یاد کن زیرا که او پاکدل و فرستاده ای پیامبر بود ... (داستان
حضرت موسی (ع))

و در کتاب قرآن از اسماعیل یاد کن زیرا که او درست وعده و فرستاده ای پیامبر بود و
خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می داد و همواره نزد پروردگارش پسندیده بود.
و در کتاب قرآن از ادريس یاد کن که او راستگویی پیامبر بود. و او را به مقامی بلند ارتقا
دادیم.

آنان کسانی از پیامبران بودند که خداوند بر ایشان نعمت ارزانی داشت از فرزندان آدم
بودند و از کسانی که همراه نوح سوار کردیم و از فرزندان ابراهیم و اسرائیل و از کسانی
که هدایت نمودیم و برگزیدیم. هر گاه آیات رحمان بر ایشان خوانده می شد سجده کنان و
گریان به خاک می افتادند. آنگاه پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تبه
ساخته و از هوسها پیروی کردند و به زودی گمراهی را خواهند دید. مگر آنان که توبه
کرده و ایمان آورده و کار شایسته انجام دادند که آنان به بهشت درمی آیند و ستمی بر
ایشان نخواهد رفت.

و ما فرشتگان جز به فرمان پروردگارت نازل نمی شویم آنچه پیش روی ما و آنچه پشت
سر ما و آنچه میان این دو است به او اختصاص دارد و پروردگارت هرگز فراموشکار نبوده
است. و چه بسیار نسلها را پیش از آنان نابود کردیم که اثاثی بهتر و ظاهری فریباتر داشتند.

آیا دیدی آن کسی را که به آیات ما کفر ورزید و گفت قطعا به من مال و فرزند داده خواهد شد. آیا بر غیب آگاه شده یا از رحمان عهدي گرفته است. نه چنین است به زودی آنچه را می گوید می نویسیم و عذاب را برای او خواهیم افزود.

آیا ندانستی که ما شیطانها را بر کافران گماشته ایم تا آنان را تحریک کنند. پس بر ضد آنان شتاب مکن که ما روزها را برای آنها شماره می کنیم.

در حقیقت ما قرآن را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزگاران را بدان نوید و مردم ستیزه جو را بدان بیم دهی. و چه بسیار نسلها که پیش از آنان هلاک کردیم آیا کسی از آنان را می یابی یا صدایی از ایشان می شنوی.

پس بر آنچه می گویند شکبیا باش (۲۰)

قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به رنج افتی. جز اینکه برای هر که می ترسد پندی باشد. نازل شده از جانب کسی که زمین و آسمانهای بلند را آفریده است. خدای رحمان که بر عرش استیلا یافته است.

و آیا خبر موسی به تو رسید هنگامی که آتشی دید پس به خانواده خود گفت درنگ کنید زیرا من آتشی دیدم امید که پاره ای از آن برای شما بیاورم یا در پرتو آتش راه یابم ... (داستان حضرت موسی (ع)) ... پس به سوی فرعون بروید و بگویید ما دو فرستاده پروردگار توایم پس فرزندان اسرائیل را با ما بفروست و عذابشان مکن به راستی ما برای تو از جانب پروردگارت معجزه ای آورده ایم و بر هر کس که از **هدایت** پیروی کند درود باد. فرعون گفت: ای موسی پروردگار شما دو تن کیست؟

گفت: پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقتی که درخور اوست داده سپس آن را **هدایت** فرموده است.

... و فرعون قوم خود را گمراه کرد و **هدایت** ننمود.

این گونه از اخبار پیشین بر تو حکایت می رانیم و مسلما به تو از جانب خود قرآنی داده ایم هر کس از آن روی برتابد روز قیامت بار گناهی بر دوش می گیرد پیوسته در آن می ماند و چه بد باری روز قیامت خواهند داشت.

و این گونه آن را قرآنی عربی نازل کردیم و در آن از انواع هشدارها سخن آوردیم شاید آنان راه تقوا در پیش گیرند یا پندی تازه برای آنان بیاورد. پس بلند مرتبه است خدا فرمانروای بر حق و در قرآن پیش از آنکه وحی آن بر تو پایان یابد شتاب مکن و بگو پروردگارا بر دانشم بیفزای.

و به یقین پیش از این با آدم پیمان بستیم و فراموش کرد و برای او عزمی نیافتیم. و هنگامی را که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید پس جز ابلیس که سر باز زد سجده کردند ... (داستان حضرت آدم (ع)) ... و این گونه آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت. سپس پروردگارش او را برگزید و بر او ببخشد و **هدایت** کرد.

ای فرزندان اسرائیل در حقیقت شما را از دشمنان رهایی دادیم و در جانب راست طور با شما وعده نهادیم و بر شما ترجیح و بلدرچین فرو فرستادیم؛ از خوراکیهای پاکیزه‌ای که روزی شما کردیم بخورید و در آن زیاده‌روی نکنید که خشم من بر شما فرود آید و هر کس خشم من بر او فرود آید قطعا در هلاکت افتاده است. و به یقین من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار شایسته نماید و به راه راست راهسپر شود ... (داستان فرزندان اسرائیل)

و این گونه هر که را به افراط گراییده و به نشانه‌های پروردگارش نگرویده است سزا می‌دهیم. آیا برای هدایتشان کافی نبود که چه نسلها را پیش از آنان نابود کردیم که در سراهای ایشان راه می‌روند به راستی برای خردمندان در این نشانه‌هایی است.

پس بر آنچه می‌گویند شکبیا باش و پیش از بر آمدن آفتاب و قبل از فرو شدن آن با ستایش پروردگارت تسبیح گوی و برخی از ساعات شب و حوالی روز را به نیایش پردازد باشد که خشنود گردد. و زنده به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم - زیور زندگی دنیا است تا ایشان را در آن بیازماییم - دیدگان خود مدوز و روزی پروردگار تو بهتر و پایدارتر است. و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکبیا باش ما از تو جویای روزی نیستیم ما به تو روزی می‌دهیم و فرجام برای پرهیزگاری است.

و گفتند چرا از جانب پروردگارش معجزه‌ای برای ما نمی‌آورد آیا دلیل روشن آنچه در صحیفه‌های پیشین است برای آنان نیامده است. و اگر ما آنان را قبل از آمدن قرآن به عذابی هلاک می‌کردیم قطعا می‌گفتند پروردگارا چرا پیامبری به سوی ما نفرستادی تا پیش از آنکه خوار و رسوا شویم از آیات تو پیروی کنیم؟

بگو همه در انتظارند پس در انتظار باشید زودا که بدانید یاران راه راست کیانند و چه کسی راه یافته است.

تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم (۲۱)

برای مردم حسابشان نزدیک شده است و آنان در بی خبری رویگردانند. هیچ پند تازه‌ای از پروردگارشان نیامد مگر اینکه بازی‌کنان آن را شنیدند در حالی که دل‌هایشان مشغول است و آنانکه ستم کردند پنهانی به نجوا برخاستند که آیا این جز بشری مانند شماست، آیا دیده و دانسته به سوی سحر می‌روید؟

گفت: پروردگارم گفتار را در آسمان و زمین می‌داند و اوست شنوای دانا. بلکه گفتند: خوابهای شوریده است، نه بلکه آن را برافته، بلکه او شاعری است. پس همان گونه که برای پیشینیان هم عرضه شد باید برای ما نشانه‌ای بیاورد. قبل از آنان هیچ شهری که آن را نابود کردیم ایمان نیاوردند پس آیا اینان ایمان می‌آورند. و پیش از تو جز مردانی را که به آنان وحی می‌کردیم گسیل نداشتیم اگر نمی‌دانید از پژوهندگان کتابهای آسمانی پرسید. و ایشان را جسدی که غذا نخورند قرار ندادیم و جاویدان نبودند. سپس وعده به آنان را راست گردانیدیم و آنها و هر که را خواستیم نجات دادیم و افراطکاران را به هلاکت رسانیدیم.

در حقیقت ما کتابی به سوی شما نازل کردیم که یاد شما در آن است، آیا نمی‌اندیشید؟ آیا به جای او خدایانی برای خود گرفته‌اند بگو برهانتان را بیاورید این است یادنامه هر که به من است و یادنامه هر که پیش از من بوده، بلکه بیشترشان حق را نمی‌شناسند و در نتیجه از آن رویگردانند. و پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که خدایی جز من نیست پس مرا پرستید. و پیش از تو برای هیچ بشری جاودانگی قرار ندادیم آیا اگر تو از دنیا بروی آنان جاویدانند؟ هر نفسی چشیده مرگ است و شما را از راه آزمایش به بد و نیک خواهیم آزمود و به سوی ما باز گردانیده می‌شوید.

و کسانی که کافر شدند چون تو را ببینند فقط به مسخره‌ها می‌گیرند: آیا این همان کس است که خدایانتان را یاد می‌کند در حالی که آنان خود یاد رحمان را منکرند.

انسان از شتاب آفریده شده است به زودی آیاتم را به شما نشان می‌دهم پس به شتاب از من مخواهید. و می‌گویید اگر راست می‌گویید این وعده کی خواهد بود؟ کاش آنان که

کافر شده‌اند می‌دانستند آنگاه که آتش را نه از چهره‌های خود و نه از پشتشان باز نمی‌توانند داشت و خود مورد حمایت قرار نمی‌گیرند ، بلکه به طور ناگهانی به آنان می‌رسد و ایشان را بهت‌زده می‌کند که نه می‌توانند آن را برگردانند و نه به آنان مهلت داده می‌شود. و مسلماً پیامبران پیش از تو مورد ریشخند قرار گرفتند پس کسانی که آنان را مسخره می‌کردند آنچه که آن را به ریشخند می‌گرفتند گریبانگیرشان شد. بگو من شما را فقط به وسیله وحی هشدار می‌دهم و چون کران بیم داده شوند دعوت را نمی‌شنوند.

و در حقیقت به موسی و هارون فرقان دادیم و برای پرهیزگاران روشنایی و اندرزی است. کسانی که از پروردگارشان در نهان می‌ترسند و از قیامت هراسناکند. و این که آن را نازل کرده‌ایم پندی خجسته است آیا باز هم آن را انکار می‌کنید.

و در حقیقت پیش از آن به ابراهیم رشد اش را دادیم و ما به او دانا بودیم. آنگاه که به پدر خود و قومش گفت این مجسمه‌هایی که شما ملازم آنها شده‌اید چیستند ... (داستان حضرت ابراهیم (ع))

و به لوط حکمت و دانش عطا کردیم و او را از آن شهری که کارهای پلید می‌کردند نجات دادیم به راستی آنها گروه بد و منحرفی بودند و او را در رحمت خویش داخل کردیم زیرا او از شایستگان بود.

و نوح را ؛ آنگاه که پیش از سایر پیامبران ندا کرد پس ما او را اجابت کردیم و وی را با خانواده‌اش از بلای بزرگ رهانیدیم. و او را در برابر مردمی که نشانه‌های ما را به دروغ گرفته بودند پیروزی بخشیدیم چرا که آنان مردم بدی بودند پس همه ایشان را غرق کردیم.

و داوود و سلیمان را ؛ هنگامی که در باره آن کشتزار که گوسفندان مردم شب هنگام در آن چریده بودند داوری می‌کردند و شاهد داوری آنان بودیم. پس آن را به سلیمان فهماندیم و به هر یک حکمت و دانش عطا کردیم و کوهها را با داوود و پرندگان به نیایش واداشتیم و **ما کننده بودیم**. و به داوود فن زره سازی آموختیم تا شما را از جنگتان حفظ کند پس آیا شما سپاسگزارید. و برای سلیمان تندباد را که به فرمان او به سوی سرزمینی که

در آن برکت نهاده بودیم جریان می یافت و ما به هر چیزی دانا بودیم. و برخی از شیاطین بودند که برای او غواصی و کارهایی غیر از آن می کردند و ما مراقب آنها بودیم. و ایوب را ؛ هنگامی که پروردگارش را ندا داد که به من آسیب رسیده است و تویی مهربانترین مهربانان. پس او را اجابت نمودیم و آسیب وارده بر او را برطرف کردیم و کسان او و نظیرشان را همراه با آنان به وی عطا کردیم ؛ رحمتی از جانب ما و عبرتی برای عبادت کنندگان.

و اسماعیل و ادريس و ذوالکفل را ؛ که همه از شکیبایان بودند. و آنان را در رحمت خود داخل نمودیم چرا که ایشان از شایستگان بودند. و ذوالنون را آنگاه که خشمگین رفت و پنداشت که ما هرگز بر او قدرتی نداریم تا در تاریکیها ندا درداد که معبودی جز تو نیست منزهی تو راستی که من از ستمکاران بودم. پس او را برآورده کردیم و او را از اندوه رهانیدیم و مؤمنان را چنین نجات می دهیم. و زکریا را ؛ هنگامی که پروردگار خود را خواند: پروردگارا مرا تنها مگذار و تو بهترین ارث برندگان. پس او را اجابت نمودیم و یحیی را بدو بخشیدیم و همسرش را برای او شایسته کردیم زیرا آنان در کارهای نیک شتاب می نمودند و ما را از روی رغبت و بیم می خواندند و در برابر ما فروتن بودند.

و آن که خود را پاکدامن نگاه داشت و از روح خویش در او دمیدیم و او و پسرش را برای جهانیان آیتی قرار دادیم. این است امت شما که امتی یگانه است و منم پروردگار شما پس مرا بپرستید.

و **تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.** بگو جز این نیست که به من **وحي** می شود که خدای شما خدایی یگانه است پس آیا مسلمان می شوید. پس اگر روی برتافتند بگو به شما به طور یکسان اعلام کردم و نمی دانم آنچه وعده داده شده اید آیا نزدیک است یا دور. او سخن آشکار را می داند و آنچه را پوشیده می دارید می داند. و نمی دانم شاید آن برای شما آزمایشی و تا چند گاهی برخوردار باشد.

بسیاری اند که عذاب بر آنان واجب شده است (۲۲)

هر که می‌پندارد که خدا پیامبرش را در دنیا و آخرت هرگز یاری نخواهد کرد؛ تا طنابی به سوی سقف کشد و خود را حلق آویز کند سپس آن را ببرد آنگاه بنگرد که آیا نیرنگش چیزی را که مایه خشم او شده از میان خواهد برد. و بدین گونه قرآن را آیاتی روشننگر نازل کردیم و خداست که هر که را بخواهد راه می‌نماید.

آیا ندانستی که خداست که هر کس در آسمانها و هر کس در زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوهها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برای او سجده می‌کنند و **بسیاری اند که عذاب بر آنان واجب شده است** و هر که را خدا خوار کند او را گرمی دارنده‌ای نیست چرا که خدا هر چه بخواهد انجام می‌دهد.

بی‌گمان کسانی که کافر شدند و از راه خدا و مسجدالحرام که آن را برای مردم اعم از مقیم در آنجا و بادیه‌نشین یکسان قرار داده‌ایم جلو گیری می‌کنند و هر که بخواهد در آنجا به ستم منحرف شود او را از عذابی دردناک می‌چشانیم. و چون برای ابراهیم جای خانه را معین کردیم بدو گفتیم چیزی را با من شریک مگردان و خانه‌ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان، سجده کنندگان پاکیزه دار. و در میان مردم برای حج بانگ برآور تا پیاده و بر هر شتر لاغری که از هر راه دوری می‌آیند به سوی تو روی آورند. تا شاهد منافع خویش باشند و نام خدا را در روزهای معلومی بر دامهای زبان‌بسته‌ای که روزی آنان کرده است ببرند. پس از آنها بخورید و به درمانده مستمند بخورانید. سپس باید آلودگی خود را بزدایند و به نذرهای خود وفا کنند و برگرد آن خانه کهن طواف به جای آورند.

و اگر تو را تکذیب کنند قطعا پیش از آنان قوم نوح و عاد و ثمود به تکذیب پرداختند و قوم ابراهیم و قوم لوط و اهل مدین، و موسی تکذیب شد پس کافران را مهلت دادم سپس آنها را گرفتم بنگر عذاب من چگونه بود. و چه بسیار شهرها را که ستمکار بودند هلاکشان کردیم و آن سقفهایش فرو ریخته است و چاههای متروک و کوشکهای افراشته را.

آیا در زمین گردش نکرده‌اند تا دلهایی داشته باشند که با آن بیندیشند یا گوشهایی که با آن بشنوند در حقیقت چشمها کور نیست لیکن دلهایی که در سینه‌هاست کور است. و از

تو با شتاب تقاضای عذاب می کنند با آنکه هرگز خدا وعده اش را خلاف نمی کند و در حقیقت یک روز نزد پروردگارت مانند هزار سال است از آنچه می شمیرید. و چه بسا شهری که مهلتش دادم در حالی که ستمکار بود سپس آن را گرفتیم و فرجام به سوی من است.

بگو ای مردم من برای شما فقط هشداردهنده ای آشکارم. و پیش از تو هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم جز اینکه هر گاه چیزی تلاوت می نمود شیطان در تلاوتش القای می کرد پس خدا آنچه را شیطان القا می کرد محو می گردانید سپس خدا آیات خود را استوار می ساخت و خدا دانای حکیم است. تا آنچه را که شیطان القا می کند برای کسانی که در دلهایشان بیماری است و برای سنگدلان آزمایشی گرداند و ستمگران در ستیزه ای بس دور و درازند. و تا آنان که دانش یافته اند بدانند که قرآن حق است ؛ از جانب پروردگار توسل و بدان ایمان آورند و دلهایشان برای او خاضع گردد و به راستی خداوند کسانی را که ایمان آورده اند به سوی راهی راست راهبر است. و کسانی که کفر ورزیده اند همواره از آن در تردیدند تا بناگاه قیامت برای آنان فرا رسد یا عذاب روزی بدفرجام به سراغشان بیاید. و کسانی که کفر ورزیده و نشانه های ما را دروغ پنداشته اند برای آنان عذابی خفت آور خواهد بود.

برای هر امتی مناسبی قرار دادیم که آنها بدان عمل می کنند پس نباید در این امر با تو به ستیزه برخیزند به راه پروردگارت دعوت کن زیرا تو بر راهی راست قرار داری. و اگر با تو مجادله کردند بگو خدا به آنچه می کنی داناتر است. خدا روز قیامت در مورد آنچه با یکدیگر در آن اختلاف می کردید داوری خواهد کرد. آیا ندانسته ای که خداوند آنچه را در آسمان و زمین است می داند اینها در کتابی است. قطعاً این بر خدا آسان است.

و چون آیات روشن ما بر آنان خوانده می شود در چهره کسانی که کفر ورزیده اند انکار را تشخیص می دهی چیزی نمانده که بر کسانی که آیات ما را برایشان تلاوت می کنند حمله ور شوند بگو آیا شما را به بدتر از این خبر دهم ؛ آتش است که خدا آن را به کسانی که کفر ورزیده اند وعده داده و چه بد سرانجامی است.

خدا از میان فرشتگان رسولانی برمیگزیند و نیز از میان مردم ، بی گمان خدا شنوای بیناست.

پس آنها را در ورطه گمراهی شان تا چندی واگذار (۲۳)

به یقین انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم. سپس او را نطفه‌ای در جایگاهی استوار قرار دادیم. آنگاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم پس آن علقه را مضغه گردانیدیم و آنگاه مضغه را استخوانهایی ساختیم بعد استخوانها را با گوشتی پوشانیدیم آنگاه آفرینشی دیگر پدید آوردیم. آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است. بعد از این قطعا خواهید مرد. آنگاه شما در روز رستاخیز برانگیخته خواهید شد.

و به یقین نوح را به سوی قومش فرستادیم پس گفت: ای قوم من خدا را پرستید شما را جز او خدایی نیست مگر پروا ندارید ... (داستان حضرت نوح(ع)) ... سپس بعد از آنان نسل دیگر پدید آوردیم و در میانشان پیامبری از خودشان روانه کردیم که خدا را پرستید جز او برای شما معبودی نیست آیا سر پرهیزگاری ندارید؟ و اشراف قومش که کافر شده و دیدار آخرت را دروغ پنداشته بودند و در زندگی دنیا آنان را مرفه ساخته بودیم گفتند: این جز بشری چون شما نیست از آنچه می‌خورید می‌خورد و از آنچه می‌نوشید می‌نوشد. و اگر بشری مثل خودتان را اطاعت کنید در آن صورت قطعا زیانکار خواهید بود. آیا به شما وعده می‌دهد که وقتی مرید و خاک و استخوان شدید شما بیرون آورده می‌شوید؟ وه چه دور است آنچه که وعده داده می‌شوید. جز این زندگانی دنیای ما چیزی نیست می‌میریم و زندگی می‌کنیم و دیگر برانگیخته نخواهیم شد. او جز مردی که بر خدا دروغ می‌بندد نیست و ما به او اعتقاد نداریم.

باز فرستادگان خود را پیاپی روانه کردیم هر بار برای امتی پیامبرش آمد او را تکذیب کردند. پس یکی پس از دیگری آوردیم و آنها را مایه عبرت گردانیدیم. دور باد مردمی که ایمان نمی‌آورند. سپس موسی و برادرش هارون را با آیات خود و حجتی آشکار فرستادیم به سوی فرعون و سران او. ولی تکبر نمودند و مردمی گردنکش بودند. پس گفتند آیا به دو بشر که مثل خود ما هستند و طایفه آنها بندگان ما می‌باشند ایمان بیاوریم. در نتیجه آن دو را دروغزن خواندند پس از زمره هلاک‌شدگان گشتند. و به یقین ما به موسی کتاب دادیم باشد که آنان به راه راست روند. و پسر مریم و مادرش را نشانه‌ای

گردانیدیم و آن دو را در سرزمین بلندی که جای زیست و آب زلال بود جای دادیم. ای پیامبران از چیزهای پاکیزه بخورید و کار شایسته کنید که من به آنچه انجام می‌دهید دانایم. و در حقیقت این امت شماس است که امتی یگانه است و من پروردگار شمایم پس از من پروا دارید. تا کار شان را میان خود قطعه قطعه کردند ، دسته دسته شدند. هر دسته‌ای به آنچه نزدشان بود دل خوش کردند.

پس آنها را در ورطه گمراهی شان تا چندی واگذار. آیا می‌پندارند که آنچه از مال و پسران که بدیشان مدد می‌دهیم می‌خواهیم به سودشان در خیرات شتاب ورزیم ، بلکه نمی‌فهمند.

در حقیقت آیات من بر شما خوانده می‌شد و شما بودید که همواره به قهقرا می‌رفتید. آیا در این سخن نیندیشیده‌اند یا چیزی برای آنان آمده که برای پدران پیشین آنها نیامده است یا پیامبر خود را نشناخته و به انکار او پرداخته‌اند یا می‌گویند او جنونی دارد ، بلکه حق را برای ایشان آورده و بیشترشان حقیقت را خوش ندارند. و اگر حق از هوسهای آنها پیروی می‌کرد قطعا آسمانها و زمین و هر که در آنهاست تباه می‌شد ، بلکه یادنامه‌شان را به آنان داده‌ایم ولی آنها از یادنامه خود رویگردانند. یا از ایشان مزدی مطالبه می‌کنی و مزد پروردگار بهتر است و در حقیقت این تویی که جدا آنها را به راه راست می‌خوانی. بگو اگر می‌دانید زمین و هر که در آن است به چه کسی تعلق دارد خواهند گفت به خدا بگو آیا عبرت نمی‌گیرید.

بگو پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ کیست خواهند گفت خدا بگو آیا پرهیزگاری نمی‌کنید.

بگو فرمانروایی هر چیزی به دست کیست و اگر می‌دانید او پناه می‌دهد و در پناه کسی نمی‌رود. خواهند گفت خدا بگو پس چگونه دستخوش افسون شده‌اید.

بگو پروردگارا اگر آنچه را که به آنان وعده داده شده است به من نشان دهی ، پروردگارا پس مرا در میان قوم ستمکار قرار مده. بدی را به شیوه‌ای نیکو دفع کن ما به آنچه وصف می‌کنند داناتریم و بگو پروردگارا از وسوسه‌های شیطانها به تو پناه می‌برم و پروردگارا از اینکه به پیش من حاضر شوند به تو پناه می‌برم.

خدا نور آسمانها و زمین است و هر که را بخواهد با نور خویش هدایت می کند (۲۴)

به مردان با ایمان بگو دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند که این برای آنان پاکیزه تر است زیرا خدا به آنچه می کنند آگاه است. و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را فرو بندند و پاکدامنی ورزند. و کسانی که زناشویی نمی یابند باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی نیاز گرداند.

و قطعا به سوی شما آیاتی روشنگر و خبری از کسانی که پیش از شما روزگار به سر برده اند و موعظه ای برای اهل تقوا فرود آورده ایم.

خدا نور آسمانها و زمین است مثل نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی و آن چراغ در شیشه ای است آن شیشه گویی اختری درخشان است که از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی است و نه غربی افروخته می شود نزدیک است که روغنش هر چند بدان آتشی نرسیده باشد روشنی بخشد روشنی بر روی روشنی است **خدا هر که را بخواهد با نور خویش هدایت می کند** و این مثلها را خدا برای مردم می زند و خدا به هر چیزی داناست.

در خانه هایی که خدا رخصت داده که آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود در آنها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می کنند. مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات به خود مشغول نمی دارد و از روزی که دلها و دیده ها در آن زیرورو می شود می هراسند تا خدا بهتر از آنچه انجام می دادند به ایشان جزا دهد و از فضل خود بر آنان بیفزاید و خدا هر که را بخواهد بی حساب روزی می دهد. و کسانی که کفر ورزیدند کارهایشان چون سرابی در زمینی هموار است که تشنه آن را آبی می پندارد تا چون بدان رسد آن را چیزی نیابد و خدا را نزد خویش یابد و حسابش را تمام به او دهد و خدا زودشمار است. یا مانند تاریکیهایی است که در دریایی ژرف است که موجی آن را می پوشاند ، روی آن موجی است ، بالای آن ابری است ؛ تاریکیهایی است که بعضی بر روی بعضی قرار گرفته است. هر گاه دستش را بیرون آورد به زحمت آن را می بیند و خدا به هر کس نوری نداده باشد او را هیچ نوری نخواهد بود.

آیا ندانسته‌ای که هر که در آسمانها و زمین است برای خدا تسبیح می‌گویند و پرندگان در حالی که در آسمان پر گشوده‌اند همه ستایش و نیایش خود را می‌دانند و خدا به آنچه می‌کنند داناست. بگو خدا و پیامبر را اطاعت کنید. (پس اگر پشت نمودید بر عهده اوست آنچه تکلیف شده و بر عهده شماست آنچه موظف هستید و اگر اطاعتش کنید راه خواهید یافت و بر فرستاده جز ابلاغ آشکار نیست.) و مپندار کسانی که کفر ورزیدند در زمین درمانده می‌کنند جایگاهشان در آتش است و چه بد بازگشتگاهی است.

گفتند این چه پیامبری است که غذا می خورد و در بازارها راه می رود (۲۵)

بزرگ است کسی که بر بنده خود فرقان (کتاب جداسازنده حق از باطل) را نازل فرمود تا برای جهانیان هشداردهنده‌ای باشد. و کسانی که کفر ورزیدند گفتند: قرآن جز دروغی که آن را برافته نیست و گروهی دیگر او را بر آن یاری کرده‌اند و قطعا ظلم و بهتانی به پیش آوردند. و گفتند افسانه‌های پیشینیان است که آنها را برای خود نوشته و صبح و شام بر او املا می‌شود.

بگو آن را کسی نازل ساخته است که راز نهانها را در آسمانها و زمین می‌داند و هموست که همواره آمرزنده مهربان است.

و گفتند این چه پیامبری است که غذا می خورد و در بازارها راه می‌رود چرا فرشته‌ای به سوی او نازل نشده تا همراه وی هشداردهنده باشد. یا گنجی به طرف او افکنده نشده یا باغی ندارد که از آن بخورد و ستمکاران گفتند جز مردی افسون‌شده را دنبال نمی‌کنید. بنگر چگونه برای تو مثلها زدند و گمراه شدند در نتیجه نمی‌توانند راهی بیابند. بزرگ است کسی که اگر بخواهد بهتر از این را برای تو قرار می‌دهد باغهایی که جویبارها از زیر آن روان خواهد بود و برای تو کاخها پدید می‌آورد.

و پیش از تو پیامبران را نفرستادیم جز اینکه آنان غذا می‌خوردند و در بازارها راه می‌رفتند و برخی از شما را برای برخی دیگر آزمایش قرار دادیم آیا شکیبایی می‌کنید و پروردگار تو همواره بیناست.

و پیامبر گفت پروردگارا قوم من این قرآن را رها کردند. و این گونه برای هر پیامبری دشمنی از گناهکاران قرار دادیم و همین بس که پروردگارت راهبر و یاور توست. و کسانی که کافر شدند گفتند: چرا قرآن یکجا بر او نازل نشده است؟ این گونه تا قلبت را به وسیله آن استوار گردانیم و آن را به آرامی خواندیم.

و به یقین به موسی کتاب عطا کردیم و برادرش هارون را همراه او دستیار گردانیدیم پس گفتیم هر دو به سوی قومی که نشانه‌های ما را به دروغ گرفتند بروید پس آنان را به سختی هلاک نمودیم. و قوم نوح را آنگاه که پیامبران را تکذیب کردند غرقشان ساختیم و آنان را

برای مردم عبرتی گردانیدیم و برای ستمکاران عذابی پر درد آماده کرده‌ایم. و عادیان و ثمودیان و اصحاب رس و نسلهای بسیاری میان این را. و قطعاً بر شهری که باران بلا بر آن بارانده شد گذشته‌اند مگر آن را ندیده‌اند. ولی امید به زنده شدن ندارند.

و چون تو را ببینند جز به ریشخندت نگیرند آیا این همان کسی است که خدا او را به رسالت فرستاده است. چیزی نمانده بود که ما را از خدایانمان اگر بر آن ایستادگی نمی‌کردیم منحرف کند و هنگامی که عذاب را می‌بینند به زودی خواهند دانست چه کسی گمراه‌تر است.

آیا آن کس که هوای خود را معبود خویش گرفته است دیدی، آیا ضامن او باشی؟ یا گمان داری که بیشترشان می‌شنوند یا می‌اندیشند آنان جز مانند ستوران نیستند بلکه گمراه‌ترند. پس از کافران اطاعت مکن و با قرآن با آنان به جهادی بزرگ پرداز. و تو را جز بشارتگر و بیم‌دهنده نفرستادیم. بگو بر این اجرای از شما طلب نمی‌کنم جز اینکه هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش گیرد. و بر آن زنده که نمی‌میرد توکل کن و به ستایش او تسبیح گوی و همین بس که او به گناهان بندگان آگاه است.

بگو اگر دعای شما نباشد پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی‌کند در حقیقت شما به تکذیب پرداخته‌اید و به زودی عذاب بر شما لازم خواهد شد.

و راستی که قرآن وحی پروردگار جهانیان است و شیطانها آن را فرود نیاورده‌اند (۲۶)

قرآن آیه‌های کتاب روشنگر است. شاید تو از اینکه ایمان نمی‌آورند جان خود را تباه سازی. اگر بخواهیم معجزه‌ای از آسمان بر آنان فرود می‌آوریم تا در برابر آن گردنهایشان خاضع گردد. و هیچ تذکر جدیدی از سوی رحمان برایشان نیامد جز اینکه همواره از آن روی برمی‌تافتند. در حقیقت به تکذیب پرداختند و به زودی خبر آنچه که بدان ریشخند می‌کردند بدیشان خواهد رسید.

و هنگامی را که پروردگارت موسی را ندا درداد که به سوی قوم ستمکار برو ... (داستان حضرت موسی (ع)) ... حقا در این عبرتی است و بیشترشان مؤمن نبودند. و بر آنان گزارش ابراهیم را بخوان ... (داستان حضرت ابراهیم (ع)) ... حقا در این عبرتی است و بیشترشان مؤمن نبودند.

قوم نوح پیامبران را تکذیب کردند چون برادرشان نوح به آنان گفت آیا پروا ندارید ... (داستان حضرت نوح (ع)) ... قطعا در این عبرتی بود و بیشترشان ایمان آورنده نبودند. عادیان پیامبران را تکذیب کردند آنگاه که برادرشان هود به آنان گفت آیا پروا ندارید ... (داستان حضرت هود (ع)) ... پس تکذیبش کردند و هلاکشان کردیم قطعا در این عبرتی بود و بیشترشان ایمان آورنده نبودند.

ثمودیان پیامبران را تکذیب کردند آنگاه که برادرشان صالح به آنان گفت آیا پروا ندارید ... (داستان حضرت صالح (ع)) ... آنگاه آنان را عذاب فرو گرفت قطعا در این عبرتی است و بیشترشان ایمان آورنده نبودند.

قوم لوط فرستادگان را تکذیب کردند آنگاه برادرشان لوط به آنان گفت آیا پروا ندارید... (داستان حضرت لوط (ع)) ... قطعا در این عبرتی است و بیشترشان ایمان آورنده نبودند.

اصحاب ایکه فرستادگان را تکذیب کردند آنگاه که شعیب به آنان گفت آیا پروا ندارید... (داستان حضرت شعیب (ع)) ... قطعا در این عبرتی است و بیشترشان ایمان آورنده نبودند.

و راستی که قرآن وحی پروردگار جهانیان است. روح الامین آن را بر دلت نازل کرد تا از هشداردهندگان باشی به زبان عربی روشن. و آن در کتابهای پیشینیان آمده است. آیا برای آنان این خود دلیلی روشن نیست که علمای بنی اسرائیل از آن اطلاع دارند. پس آیا عذاب ما را به شتاب می خواهند.

مگر نمی دانی که اگر سالها آنان را برخوردار کنیم و آنگاه آنچه که بیم داده می شوند بدیشان برسد آنچه از آن برخوردار می شدند به کارشان نمی آید. و هیچ شهری را هلاک نکردیم مگر آنکه برای آن هشداردهندگانی بود.

و شیطانها آن را فرود نیاورده اند و آنان را نسزد و نمی توانند در حقیقت آنها از شنیدن معزول اند. پس با خدا خدای دیگر مخوان که از عذاب شدگان خواهی شد و خویشان نزدیک را هشدار ده. و برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کرده اند بال خود را فرو گستر. و اگر تو را نافرمانی کردند بگو من از آنچه می کنید بیزارم و بر عزیز مهربان توکل کن. آن کس که چون برمی خیزی تو را می بیند و حرکت تو را در میان سجده کنندگان.

حقا تو قرآن را از سوی حکیمی دانا دریافت می داری (۲۷)

قرآن کتابی است روشنگر که هدایت و بشارت برای مؤمنان است. و **حقا تو قرآن را از سوی حکیمی دانا دریافت می داری.**

هنگامی را که موسی به خانواده خود گفت من آتشی به نظرم رسید به زودی برای شما خبری از آن خواهم آورد یا شعله آتشی برای شما می آورم باشد که خود را گرم کنید ...
(داستان حضرت موسی (ع))

و به راستی به داوود و سلیمان دانشی عطا کردیم و آن دو گفتند ستایش خدایی را که ما را بر بسیاری از بندگان باایمانش برتری داده است و برای سلیمان سپاهیان از جن و انس و پرندگان جمع آوری شدند و دسته دسته گردیدند تا آنگاه که به وادی مورچگان رسیدند ...
(داستان حضرت سلیمان (ع))

و به راستی به سوی ثمود برادرشان صالح را فرستادیم که خدا را بپرستید پس به ناگاه آنان دو دسته متخاصم شدند ... (داستان حضرت صالح (ع))
و لوط را که چون به قوم خود گفت آیا دیده و دانسته مرتکب عمل ناشایست می شوید...
(داستان حضرت لوط (ع))

بگو سپاس برای خداست و درود بر آن بندگان که برگزیده است. آیا خدا بهتر است یا آنچه شریک می گردانند. یا آن کس که آسمانها و زمین را خلق کرد و برای شما آبی از آسمان فرود آورد پس به وسیله آن باغهای بهجت انگیز رویانیدیم ؛ کار شما نبود که درختانش را پروانید. آیا معبودی با خداست؟ بلکه آنان قومی منحرفند.

و کسانی که کفر ورزیدند گفتند: آیا وقتی ما و پدرانمان خاک شدیم آیا حتما بیرون آورده می شویم؟ در حقیقت این را به ما و پدرانمان قبلا وعده داده اند این جز افسانه های پیشینیان نیست.

بگو در زمین بگردید و بنگرید فرجام گنه پیشگان چگونه بوده است. و بر آنان غم مخور و از آنچه مکر می کنند تنگدل مباش.

بی گمان قرآن بر فرزندان اسرائیل بیشتر آنچه را که آنان در باره اش اختلاف دارند حکایت می کند و به راستی که آن رهنمود و رحمتی برای مؤمنان است. در حقیقت پروردگار تو طبق حکم خود میان آنان داوری می کند و اوست شکست ناپذیر دانا. پس بر خدا توکل کن که تو واقعا بر حق آشکاری. البته تو مردگان را شنوا نمی گردانی و این ندا را به کران چون پشت بگردانند نمی توانی بشنوی. و راهبر کوران از گمراهی شان نیستی. تو جز کسانی را که به نشانه های ما ایمان آورده اند و مسلمانند نمی توانی بشنوی.

من مامورم که تنها پروردگار این شهر را که آن را مقدس شمرده و هر چیزی از آن اوست پرستش کنم و مامورم که از مسلمانان باشم و اینکه قرآن را بخوانم. پس هر که راه یابد تنها به سود خود راه یافته است و هر که گمراه شود بگو من فقط از هشداردهندگانم. و بگو ستایش از آن خداست به زودی آیاتش را به شما نشان خواهد داد و آن را خواهید شناخت و پروردگار تو از آنچه می کنید غافل نیست.

در حقیقت تو هر که را دوست داری نمی توانی راهنمایی کنی (۲۸)

قرآن آیات کتاب روشنگر است.

بخشی از گزارش موسی و فرعون را برای مردمی که ایمان می آورند به درستی بر تو می خوانیم. فرعون در سرزمین مصر سر برافراشت و مردم آن را طبقه طبقه ساخت طبقه ای از آنان را زبون می داشت پسرانشان را سر می برید و زنانشان را زنده بر جای می گذاشت که وی از فسادکاران بود و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان گردانیم ... (داستان حضرت موسی (ع))

و به راستی پس از آنکه نسلهای نخستین را هلاک کردیم به موسی کتاب دادیم که روشنگری ها و رهنمود و رحمتی برای مردم بود امید که آنان پند گیرند. و چون امر را به موسی وا گذاشتیم تو در جانب غربی نبودی و از گواهان نبودی. لیکن ما نسلهایی پدید آوردیم و عمرشان طولانی شد و تو در میان ساکنان مدین مقیم نبودی تا آیات ما را بر ایشان بخوانی لیکن ما بودیم که فرستنده بودیم. و آندم که ندا در دادیم تو در جانب طور نبودی ولی رحمتی است از پروردگار تو تا قومی را که هیچ هشداردهنده ای پیش از تو برایشان نیامده است بیم دهی باشد که آنان پندپذیرند.

و اگر نبود که وقتی به پیش فرست دستهایشان مصیبتی به ایشان برسد بگویند پروردگارا چرا فرستاده ای به سوی ما نفرستادی تا از احکام تو پیروی کنیم و از مؤمنان باشیم؟ پس چون حق از جانب ما برایشان آمد گفتند چرا نظیر آنچه به موسی داده شد به او داده نشده است. آیا به آنچه قبلا به موسی داده شد کفر نورزیدند گفتند دو ساحر با هم ساخته اند و گفتند ما همه را منکریم.

بگو پس اگر راست می گویند کتابی از جانب خدا بیاورید که از این دو هدایت کننده تر باشد تا پیرویش کنم. پس اگر تو را اجابت نکردند بدان که فقط هوسهای خود را پیروی می کنند و کیست گمراه تر از آنکه بی راهنمایی خدا از هوش پیروی کند بی تردید خدا مردم ستمگر را راهنمایی نمی کند.

در حقیقت تو هر که را دوست داری نمی توانی راهنمایی کنی لیکن خداست که هر که را بخواهد راهنمایی می کند و او به راه یافتگان داناتر است. و گفتند اگر با تو از هدایت پیروی کنیم از سرزمین خود ربوده خواهیم شد. آیا آنان را در حرمی امن جای ندادیم که محصولات هر چیزی که رزقی از جانب ماست به سوی آن سرازیر می شود ولی بیشترشان نمی دانند. و چه بسیار شهرها که هلاکش کردیم ، زندگی خوش آنها را سرمست کرده بود. اینست سراهایشان که پس از آنان جز برای عده کمی مورد سکونت قرار نگرفته و ماییم که وارث آنان بودیم

و هر آنچه به شما داده شده است کالای زندگی دنیا و زیور آن است و آنچه پیش خداست بهتر و پایدارتر است مگر نمی اندیشید. آیا کسی که وعده نیکو به او داده ایم و او به آن خواهد رسید مانند کسی است که از کالای زندگی دنیا بهره مندش گردانیده ایم؟ او روز قیامت از احضارشدگان است.

و پروردگار تو هر چه را بخواهد می آفریند و برمی گزیند و آنان اختیاری ندارند منزله است خدا و از آنچه شریک می گردانند برتر است.

قارون از قوم موسی بود و بر آنان ستم کرد و از گنجینه ها آن قدر به او داده بودیم که کلیدهای آنها بر گروه نیرومندی سنگین می آمد آنگاه که قوم وی بدو گفتند شادی مکن که خدا شادی کنندگان را دوست نمی دارد و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی ... (داستان قارون)

در حقیقت همان کسی که قرآن را بر تو فرض کرد یقیناً تو را به سوی وعده گاه بازمی گرداند بگو پروردگارم بهتر می داند چه کس هدایت آورده و چه کس در گمراهی آشکاری است. و تو امیدوار نبودی که بر تو کتاب القا شود بلکه این رحمتی از پروردگار تو بود پس تو هرگز پشتیبان کافران مباش. و البته نباید تو را از آیات خدا بعد از آنکه بر تو نازل شده است باز دارند و به سوی پروردگارت دعوت کن و زنهار از مشرکان مباش. و با خدا معبودی دیگر مخوان خدایی جز او نیست جز ذات او همه چیز نابودشونده است فرمان از آن اوست و به سوی او بازگردانیده می شوید.

داستان کسانی که غیر از خدا دوستانی اختیار کرده‌اند همچون عنکبوت است (۲۹)

آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند.

و به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم پس در میان آنان نهصد و پنجاه سال درنگ کرد تا طوفان آنها را در حالی که ستمکار بودند فرا گرفت. و او را با کشتی نشینان برهاندیم و آن را برای جهانیان عبرتی گردانیدیم. و ابراهیم را چون به قوم خویش گفت خدا را بپرستید و از او پروا بدارید اگر بدانید این برای شما بهتر است ... (داستان حضرت ابراهیم (ع))

و لوط را هنگامی که به قوم خود گفت: شما به کاری زشت می‌پردازید که هیچ یک از مردم زمین در آن بر شما پیشی نگرفته است. آیا شما با مردها درمی‌آمیزید ... (داستان حضرت لوط (ع))

و به سوی مدین برادرشان شعیب را ؛ گفت ای قوم من خدا را بپرستید و به روز بازپسین امید داشته باشید و در زمین سر به فساد برمدارید. پس او را دروغگو خواندند و زلزله آنان را فرو گرفت و بامدادان در خانه‌هایشان از پا درآمدند.

و عاد و ثمود را ؛ قطعاً از سراهایشان بر شما آشکار گردیده است و شیطان کارهایشان را در نظرشان بیاراست و از راه بازشان داشت با آنکه بینا بودند.

و قارون و فرعون و هامان را ؛ و به راستی موسی برای آنان دلایل آشکار آورد و در آن سرزمین سرکشی نمودند و پیشی نجستند. و هر یک را به گناهش گرفتار کردیم. از آنان کسانی بودند که بر ایشان بادی همراه با شن فرو فرستادیم و از آنان کسانی بودند که فریاد آنها را فرو گرفت و برخی از آنان را در زمین فرو بردیم و بعضی را غرق کردیم و خدا نبود که بر ایشان ستم کرد بلکه خودشان بر خود ستم می‌کردند.

داستان کسانی که غیر از خدا دوستانی اختیار کرده‌اند همچون عنکبوت است که خانه‌ای برای خویش ساخته و در حقیقت اگر می‌دانستند سست‌ترین خانه‌ها همان خانه عنکبوت است.

آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان و نماز را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد و قطعا یاد خدا بالاتر است و خدا می‌داند چه می‌کنید. و همچنین ما قرآن را بر تو نازل کردیم پس آنان که بدیشان کتاب داده‌ایم بدان ایمان می‌آورند و از میان اینان کسانی‌اند که به آن می‌گروند و جز کافران، آیات ما را انکار نمی‌کند. و تو هیچ کتابی را پیش از این نمی‌خواندی و با دست خود نمی‌نوشتی و گر نه باطل‌اندیشان قطعا به شک می‌افتادند. بلکه قرآن آیاتی روشن در سینه‌های کسانی است که علم یافته‌اند و جز ستمگران منکر آیات ما نمی‌شوند. و گفتند چرا بر او از جانب پروردگارش نشانه‌هایی نازل نشده است بگو آن نشانه‌ها پیش خداست و من تنها هشداردهنده‌ای آشکارم.

آیا برای ایشان بس نیست که کتاب قرآن را که بر آنان خوانده می‌شود بر تو فرو فرستادیم. در حقیقت در قرآن برای مردمی که ایمان دارند رحمت و یادآوری است. بگو کافی است خدا میان من و شما شاهد باشد آنچه را که در آسمانها و زمین است می‌داند و آنان که به باطل گرویده و خدا را انکار کرده‌اند همان زیانکارانند.

و اگر از ایشان بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را رام کرده است حتما خواهند گفت الله پس چگونه بازگردانیده می‌شوند. و اگر از آنان بپرسی چه کسی از آسمان آبی فرو فرستاده و زمین را پس از مرگش به وسیله آن زنده گردانیده است حتما خواهند گفت الله بگو ستایش از آن خداست با این همه بیشترشان نمی‌اندیشند.

این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و زندگی حقیقی همانا سرای آخرت است ای کاش می‌دانستند. بگذار تا به آنچه بدیشان داده‌ایم انکار آورند و بگذار تا برخوردار شوند زودا که بدانند.

این گونه خدا بر دل‌های کسانی که نمی‌دانند مهر می‌نهد (۳۰)

رومیان شکست‌خورده‌ها، در نزدیکترین سرزمین و بعد از شکستشان در ظرف چند سالی به زودی پیروز خواهند گردید. کار در گذشته و آینده از آن خداست و در آن روز است که مؤمنان از یاری خدا شاد می‌گردند. هر که را بخواهد یاری می‌کند و اوست شکست‌ناپذیر مهربان. وعده خداست، خدا وعده‌اش را خلاف نمی‌کند ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. پس روی خود را با گرایش تمام به حق به سوی این دین کن با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییرپذیر نیست این است همان دین پایدار ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. بگذار تا به آنچه بدانها عطا کرده‌ایم کفران ورزند؛ برخوردار شوید زودا که خواهید دانست.

بگو در زمین بگردید و بنگرید فرجام کسانی که پیشتر بوده - بیشترشان مشرک بودند - چگونه بوده است. پس به سوی این دین پایدار روی بیاور پیش از آنکه روزی از جانب خدا فرارسد که برگشت‌ناپذیر باشد و در آن روز دسته دسته می‌شوند.

و در حقیقت پیش از تو فرستادگانی به سوی قومشان گسیل داشتیم پس دلایل آشکار برایشان آوردند و از کسانی که مرتکب جرم شدند انتقام گرفتیم و یاری کردن مؤمنان بر ما فرض است.

خدا همان کسی است که بادها را می‌فرستد و ابری برمی‌انگیزد و آن را در آسمان هر گونه بخواهد می‌گستراند و انبوهش می‌گرداند پس می‌بینی باران از لابلای آن بیرون می‌آید و چون آن را به هر کس از بندگان که بخواهد رسانید بناگاه آنان شادمانی می‌کنند و قطعا پیش از آنکه بر ایشان فرو ریزد، پیش از آن سخت نومید بودند. پس به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند در حقیقت هم اوست که قطعا زنده‌کننده مردگان است و اوست که بر هر چیزی تواناست.

و در حقیقت تو مردگان را شنوا نمی‌گردانی و این دعوت را به کران آنگاه که به ادبار پشت می‌گردانند نمی‌توانی بشنوی. و تو کوران را از گمراهی‌شان به راه نمی‌آوری تو تنها کسانی را می‌شنوایی که به آیات ما ایمان می‌آورند و خود تسلیمند. به راستی در قرآن برای

مردم از هر گونه مثلی آوردیم و چون برای ایشان آیه‌ای بیاوری آنان که کفر ورزیده‌اند حتما خواهند گفت شما جز بر باطل نیستید. این گونه خدا بر دلهای کسانی که نمی‌دانند مهر می‌نهد. پس صبر کن که وعده خدا حق است و زنهار تا کسانی که یقین ندارند تو را به سبکسری واندارند.

چنانکه گویی آن را نشنیده ، گویی در گوشه‌هایش سنگینی است (۳۱)

قرآن آیات کتاب حکمت آموز است ، برای نیکوکاران رهنمود و رحمتی است.
و چون آیات ما بر او خوانده شود با نخوت روی برمی گرداند **چنانکه گویی آن را نشنیده**
، گویی در گوشه‌هایش سنگینی است پس او را از عذابی پر درد خبر ده.
و به راستی لقمان را حکمت دادیم که خدا را سپاس بگزار و هر که سپاس بگزارد تنها
برای خود سپاس می گزارد و هر کس کفران کند در حقیقت خدا بی نیاز ستوده است ...
(داستان لقمان)

و اگر از آنها بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است مسلما خواهند گفت خدا ،
بگو ستایش از آن خداست ولی بیشترشان نمی دانند. آیا ندیده‌ای که خدا شب را در روز
درمی آورد و روز را در شب درمی آورد و آفتاب و ماه را تسخیر کرده است ، هر یک تا
وقت معلومی روانند و خدا به آنچه می کنی آگاه است. این دلیل آن است که خدا خود
حق است و غیر از او هر چه را که می خوانند باطل است و خدا همان بلندمرتبه بزرگ
است.

اگر می‌خواستیم حتماً به هر کسی هدایتش را می‌دادیم (۳۲)

نازل شدن کتاب قرآن که هیچ شک در آن نیست از طرف پروردگار جهانهاست. آیا می‌گویند آن را برافته است، بلکه آن حق و از جانب پروردگار توست تا مردمی را که پیش از تو بیم‌دهنده‌ای برای آنان نیامده است هشدار دهی امید که راه یابند. و کاش هنگامی را که مجرمان پیش پروردگارشان سرهاشان را به زیر افکنده‌اند می‌دید؛ پروردگارا دیدیم و شنیدیم ما را بازگردان تا کار شایسته کنیم چرا که ما یقین داریم. و **اگر می‌خواستیم حتماً به هر کسی هدایتش را می‌دادیم** لیکن سخن من محقق گردیده که هر آینه جهنم را از همه جنیان و آدمیان خواهم آکنم. پس به آنکه دیدار این روزتان را از یاد بردید بجشید ما فراموشتان کردیم و به آنچه انجام می‌دادید عذاب جاودان را بجشید.

تنها کسانی به آیات ما می‌گروند که چون آن را به ایشان یادآوری کنند سجده‌کنان به روی درمی‌افتند و به ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند و آنان بزرگی نمی‌فروشند. پهلوهایشان از خوابگاهها جدا می‌گردد، پروردگارشان را از روی بیم و طمع می‌خوانند و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند.

و به راستی به موسی کتاب دادیم پس در لقای او تردید مکن و آن را برای فرزندان اسرائیل هدایت قرار دادیم و چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند.

آیا برای آنان روشن نگردیده که چه بسیار نسلها را پیش از آنها نابود گردانیدیم؛ در سراهایشان راه می‌روند قطعاً در این عبرتهاست مگر نمی‌شنوند. و می‌پرسند اگر راست می‌گویند این پیروزی چه وقت است. بگو روز پیروزی ایمان کسانی که کافر شده‌اند سود نمی‌بخشد و آنان مهلت نمی‌یابند. پس از ایشان روی برتاب و منتظر باش که آنها نیز در انتظارند.

آنچه را که خدا آشکارکننده آن بود در دل خود نهان می کردی و از مردم می ترسیدی (۳۳)

ای پیامبر از خدا پروا بدار و کافران و منافقان را فرمان مبر که خدا همواره دانای حکیم است. و آنچه را که از جانب پروردگارت به سوی تو وحی می شود پیروی کن که خدا همواره به آنچه می کنی آگاه است. و بر خدا اعتماد کن همین بس که خدا نگهبانست.

خداوند برای هیچ مردی در درونش دو دل نهاده است. و هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم و از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و از آنان پیمانی استوار گرفتیم تا راستان را از صدقشان باز پرسد و برای کافران عذابی دردناک آماده کرده است.

ای پیامبر به همسرانت بگو اگر خواهان زندگی دنیا و زینت آنید بیایید تا مهرتان را بدهم و خرم شما را رها کنم. و اگر خواستار خدا و فرستاده وی و سرای آخرتید پس به راستی خدا برای نیکوکاران شما پاداش بزرگی آماده گردانیده است. ای همسران پیامبر هر کس از شما مبادرت به کار زشت آشکاری کند عذابش دو چندان خواهد بود و این بر خدا همواره آسان است. و هر کس از شما خدا و فرستاده اش را فرمان برد و کار شایسته کند پاداشش را دو چندان می دهیم و برایش روزی نیکو فراهم خواهیم ساخت.

ای همسران پیامبر شما مانند هیچ یک از زنان نیستید اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گویند. و در خانه هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینتهای خود را آشکار نکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده اش را فرمان برید. خدا فقط می خواهد آلودگی را از شما خاندان بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند. و آنچه را که از آیات خدا و حکمت در خانه های شما خوانده می شود یاد کنید در حقیقت خدا همواره دقیق و آگاه است.

و آنگاه که به کسی که خدا بر او نعمت ارزانی داشته بود و تو به او نعمت داده بودی می گفتی همسرت را پیش خود نگاه دار و از خدا پروا بدار و آنچه را که خدا آشکارکننده آن بود در دل خود نهان می کردی و از مردم می ترسیدی با آنکه خدا سزاوارتر بود که از او بترسی پس چون زید از آن کام بر گرفت وی را به نکاح تو در آورديم تا در مورد ازدواج

مؤمنان با زنان پسرخواندگان نشان چون آنان را طلاق گفتند گناهی نباشد و فرمان خدا صورت اجرا پذیرد.

بر پیامبر در آنچه خدا برای او فرض گردانیده گناهی نیست ، سنت خداست که از دیرباز در میان گذشتگان بوده و فرمان خدا همواره به اندازه مقرر است. همان کسانی که پیامهای خدا را ابلاغ می کنند و از او می ترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند و خدا برای حسابرسی کفایت می کند. محمد(ص) پدر هیچ یک از مردان شما نیست ولی فرستاده خدا و **خاتم پیامبران** است و خدا همواره بر هر چیزی داناست.

ای پیامبر ما تو را گواه و بشارتگر و هشداردهنده فرستادیم. و دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او و چراغی تابناک. و مؤمنان را مژده ده که برای آنان از جانب خدا بخشایشی فراوان خواهد بود. و کافران و منافقان را فرمان مبر و از آزارشان بگذر و بر خدا اعتماد کن و کارسازی خدا کفایت می کند.

ای پیامبر ما برای تو آن همسرانی را که مهرشان را داده ای حلال کردیم و کنیزانی را که خدا از غنیمت جنگی در اختیار تو قرار داده و دختران عمویت و دختران عمه هایت و دختران دایی تو و دختران خاله هایت که با تو مهاجرت کرده اند و زن مؤمنی که خود را داوطلبانه به پیامبر ببخشد در صورتی که پیامبر بخواهد او را به زنی گیرد ، ویژه توست نه دیگر مؤمنان. ما نیک می دانیم که در مورد زنان و کنیزانشان چه بر آنان مقرر کرده ایم تا برای تو مشکلی پیش نیاید و خدا همواره آمرزنده مهربان است.

نوبت هر کدام از آن زنها را که می خواهی به تاخیر انداز و هر کدام را که می خواهی پیش خود جای ده و بر تو باکی نیست که هر کدام را که ترک کرده ای دوباره طلب کنی این نزدیکتر است برای اینکه چشمانشان روشن گردد و دلنگ نشوند و همگی شان به آنچه به آنان داده ای خشنود گردند و **آنچه در دلهای شماست خدا می داند** و خدا همواره دانای بردبار است. از این پس دیگر زنان و نیز اینکه به جای آنان زنان دیگری بر تو حلال نیست هر چند زیبایی آنها برای تو مورد پسند افتد به استثنای کنیزان و خدا همواره بر هر چیزی مراقب است.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید داخل اتاقهای پیامبر مشوید مگر آنکه برای طعمی به شما اجازه داده شود ، بی آنکه در انتظار پخته شدن آن باشید ولی هنگامی که دعوت شدید داخل گردید و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید بی آنکه سرگرم سخنی گردید این رفتار شما پیامبر را می‌رنجاند و از شما شرم می‌دارد و حال آنکه خدا از حق شرم نمی‌کند و چون از زنان پیامبر چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید این برای دلهای شما و دلهای آنان پاکیزه‌تر است و شما حق ندارید رسول خدا را برنجانید و مطلقاً نباید زنانش را پس از او به نکاح خود درآورید چرا که این نزد خدا همواره گناهی بزرگ است. اگر چیزی را فاش کنید یا آن را پنهان دارید قطعاً خدا به هر چیزی داناست.

اگر منافقان و کسانی که در دلهایشان مرضی هست و شایعه افکنان در مدینه باز نایستند تو را سخت بر آنان مسلط می‌کنیم تا جز اندک در همسایگی تو نپایند. از رحمت خدا دور گردیده و هر کجا یافته شوند گرفته و سخت کشته خواهند شد. در باره کسانی که پیشتر بوده‌اند سنت خدا است و در سنت خدا هرگز تغییری نخواهی یافت.

ما تو را جز بشارتگر و هشداردهنده برای تمام مردم نفرستادیم لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند (۳۴)

سپاس خدایی را که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست و در آخرت سپاس از آن اوست و هم اوست سنجیده کار آگاه.

و کسانی که از دانش بهره یافته‌اند می‌دانند که آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده حق است و به راه آن عزیز ستوده راهبری می‌کند. و کسانی که کفر ورزیدند گفتند آیا مردی را به شما نشان دهیم که شما را خبر می‌دهد که چون کاملاً متلاشی شدید قطعاً در آفرینشی جدید خواهید بود. آیا بر خدا دروغی بسته یا جنونی در اوست، بلکه آنان که به آخرت ایمان ندارند در عذاب و گمراهی دور و درازند.

آیا به آنچه از آسمان و زمین در دست‌رسان و پشت سرشان است ننگریسته‌اند اگر بخواهیم آنان را در زمین فرو می‌بریم یا پاره‌سنگهایی از آسمان بر سرشان می‌افکنیم قطعاً در این برای هر بنده توبه‌کاری عبرت است. و به راستی داوود را از جانب خویش مزیتی عطا کردیم؛ ای کوهها با او همصدا شوید و ای پرندگان، و آهن را برای او نرم گردانیدیم؛ زره‌های فراخ بساز و حلقه‌ها را درست اندازه‌گیری کن. و باد را برای سلیمان؛ که رفتن آن بامداد یک ماه و آمدنش شبانگاه یک ماه بود و معدن مس را برای او ذوب گردانیدیم و برخی از جن به فرمان پروردگارشان پیش او کار می‌کردند و هر کس از آنها از دستور ما سر برمی‌تافت از عذاب سوزان به او می‌چشانیدیم.

قطعاً برای سبا در محل سکونتشان نشانه بود دو باغستان از راست و چپ؛ از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید شهری است خوش و خدایی آمرزنده... (داستان قوم سبا)

و ما تو را جز بشارتگر و هشداردهنده برای تمام مردم نفرستادیم لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند. و می‌گویند اگر راست می‌گویند این وعده چه وقت است. بگو میعاد شما روزی است که نه ساعتی از آن پس توانید رفت و نه پیشی توانید جست. و کسانی که کافر شدند گفتند نه به این قرآن و نه به آن که پیش از آن است هرگز ایمان نخواهیم آورد.

و در هیچ شهری هشداردهنده‌ای نفرستادیم جز آنکه خوشگذرانان آنها گفتند ما به آنچه شما بدان فرستاده شده‌اید کافریم. و گفتند ما دارایی و فرزندانمان از همه بیشتر است و ما عذاب نخواهیم شد. بگو پروردگار من است که روزی را برای هر کس که بخواهد گشاده یا تنگ می گرداند لیکن بیشتر مردم نمی دانند.

و چون آیات تابناک ما بر آنان خوانده می شود می گویند این جز مردی نیست که می خواهد شما را از آنچه پدرانتان می پرستیدند باز دارد و می گویند این جز دروغی برافته نیست و کسانی که به حق چون به سویشان آمد کافر شدند می گویند این جز افسونی آشکار نیست.

و ما کتابهایی به آنان نداده بودیم که آن را بخوانند و پیش از تو هشداردهنده‌ای به سویشان نفرستاده بودیم. و کسانی که پیش از اینان بودند تکذیب کردند در حالی که اینان به ده یک آنچه بدیشان داده بودیم نرسیده اند ، فرستادگان مرا دروغ شمردند پس چگونه بود کفر من. بگو من فقط به شما یک اندرز می دهم که دو دو و به تنهایی برای خدا به پا خیزید سپس بیندیشید که رفیق شما هیچ گونه دیوانگی ندارد او شما را از عذاب سختی که در پیش است جز هشداردهنده‌ای نیست. بگو هر مزدی که از شما خواستم آن از خودتان مزد من جز بر خدا نیست و او بر هر چیزی گواه است. بگو بی گمان پروردگارم حقیقت را القا می کند ، دانای نهانها. بگو حق آمد و باطل از سر نمی گیرد و بر نمی گردد. بگو اگر همراه شوم فقط به زیان خود همراه شده‌ام و اگر هدایت یابم چیزی است که پروردگارم به سویم وحی می کند که اوست شنوای نزدیک.

پس آیا جز سنت پیشینیان را انتظار می‌برند و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت (۳۵)

سپاس خدای را که پدیدآورنده آسمان و زمین است. فرشتگان را که دارای بالهای دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه‌اند پیام‌آورنده قرار داده است در آفرینش هر چه بخواهد می‌افزاید زیرا خدا بر هر چیزی تواناست.

و اگر تو را تکذیب کنند قطعا پیش از تو فرستادگانی تکذیب شدند و کارها به سوی خدا بازگردانیده می‌شود. آیا آن کس که زشتی کردارش برای او آراسته شده و آن را زیبا می‌بیند. خداست که هر که را بخواهد بی‌راه می‌گذارد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند پس مبدا به سبب حسرتها بر آنان جانت برود قطعا خدا به آنچه می‌کند دانا است. تو جز هشداردهنده‌ای نیستی. ما تو را بحق بشارتگر و هشداردهنده گسیل داشتیم و هیچ امتی نبوده مگر اینکه در آن هشداردهنده‌ای گذشته است. و اگر تو را تکذیب کنند قطعا کسانی که پیش از آنها بودند به تکذیب پرداختند. پیامبران‌شان دلایل آشکار و نوشته‌ها و کتاب روشن برای آنان آوردند. آنگاه کسانی را که کافر شده بودند فرو گرفتم پس چگونه بود کیفر من. و آنچه از کتاب به سوی تو وحی کرده‌ایم خود حق، تصدیق‌کننده پیش از آن است قطعا خدا نسبت به بندگانش آگاه بیناست.

بگو به من خبر دهید از شریکان خودتان که به جای خدا می‌خوانید به من نشان دهید که چه چیزی از زمین را آفریده‌اند. یا آنان در آسمانها همکاری داشته‌اند. یا به ایشان کتابی داده‌ایم که دلیلی بر خود از آن دارند، بلکه ستمکاران جز فریب به یکدیگر وعده نمی‌دهند. و با سوگندهای سخت خود به خدا سوگند یاد کردند که اگر هرآینه هشداردهنده‌ای برای آنان بیاید قطعا از هر یک از امتها راه‌یافته‌تر شوند و چون هشداردهنده‌ای برای ایشان آمد جز بر نفرتشان نیفزود. این کارشان فقط گردنکشی در زمین و نیرنگ زشت بود و نیرنگ زشت جز صاحبش را نگیرد پس آیا جز سنت پیشینیان را انتظار می‌برند و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت.

پرده‌ای بر آنان فرو گسترده‌ایم در نتیجه نمی‌توانند ببینند (۳۶)

سوگند به قرآن حکمت آموز که قطعا تو از پیامبرانی ، بر راهی راست. از جانب آن عزیز مهربان نازل شده است. تا قومی را که پدرانشان بیم داده نشدند و در غفلت ماندند بیم دهی. آری گفته درباره بیشترشان محقق گردیده است در نتیجه آنها نخواهند گروید. ما در گردنهای آنان تا چانه‌هایشان غلهایی نهاده‌ایم به طوری که سرهایشان را بالا نگاه داشته و دیده فرو هشته‌اند. و فراروی آنها سدی و پشت سرشان سدی نهاده و پرده‌ای بر آنان فرو گسترده‌ایم در نتیجه نمی‌توانند ببینند. و آنان را چه بیم دهی چه بیم ندهی به حالشان تفاوت نمی‌کند نخواهند گروید. بیم دادن تو تنها کسی راست که کتاب حق را پیروی کند و از رحمان در نهان بترسد.

آری ماییم که مردگان را زنده می‌سازیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند با آثارشان درج می‌کنیم و هر چیزی را در کارنامه‌ای روشن برشمرده‌ایم.

داستان مردم آن شهری را که رسولان بدانجا آمدند برای آنان مثل زن ...

دریغا بر این بندگان هیچ فرستاده‌ای بر آنان نیامد مگر آنکه او را ریشخند می‌کردند. مگر ندیده‌اند که چه بسیار نسلها را پیش از آنان هلاک گردانیدیم که دیگر آنها به سویشان باز نمی‌گردند. و هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های پروردگارشان بر آنان نیامد جز اینکه از آن رویگردان شدند. و چون به آنان گفته شود از آنچه خدا به شما روزی داده انفاق کنید کسانی که کافر شده‌اند به آنان که ایمان آورده‌اند می‌گویند آیا کسی را بخورائیم که اگر خدا می‌خواست وی را می‌خورانید.

(و به او شعر نیاموختیم و در خور وی نیست. قرآن جز اندرز و آیاتی روشن نیست. تا هر که را زنده است بیم دهد و گفتار در باره کافران محقق گردد.)

پس گفتار آنان تو را غمگین نگرداند که ما آنچه را پنهان و آنچه را آشکار می‌کنند می‌دانیم.

پس تا مدتی از آنان روی برتاب و آنان را بنگر که خواهند دید (۳۷)

سوگند به صف بستگان که صفی بسته‌اند و به زجر کنندگان که به سختی زجر می‌کنند و به تلاوت کنندگان که قطعاً معبود شما یگانه است. بلکه عجب می‌داری و ریشخند می‌کنند. و چون پند داده شوند عبرت نمی‌گیرند. و چون آیتی ببینند به ریشخند می‌پردازند. و می‌گویند این جز سحری آشکار نیست. آیا چون مردیم و خاک و استخوانهایی گردیدیم آیا راستی برانگیخته می‌شویم. و همین طور پدران اولیه ما. بگو آری در حالی که شما بخوارید.

پس بین فرجام هشدار داده‌شدگان چگونه بود. به استثنای بندگان پاکدل خدا. و نوح ما را ندا داد و چه نیک اجابت‌کننده بودیم. ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. و بی‌گمان ابراهیم از پیروان اوست آنگاه که با دلی پاک به پروردگارش آمد. چون به پدر و قوم خود گفت چه می‌پرستید. آیا غیر از آنها به دروغ خدایانی می‌خواهید پس گمانتان به پروردگار جهانها چیست ... (داستان حضرت ابراهیم (ع)) ... نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم. در حقیقت او از بندگان با ایمان ما بود.

و در حقیقت بر موسی و هارون منت نهادیم و آن دو و قومشان را از اندوه بزرگ رهانیدیم و آنان را یاری دادیم تا ایشان غالب آمدند و آن دو را کتاب روشن دادیم و هر دو را به راه راست هدایت کردیم و برای آن دو در آیندگان نام نیک به جای گذاشتیم. درود بر موسی و هارون. ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم. زیرا آن دو از بندگان با ایمان ما بودند.

و به راستی الیاس از فرستادگان بود. چون به قوم خود گفت آیا پروا نمی‌دارید. آیا بل را می‌پرستید و بهترین آفرینندگان را وامی‌گذارید؛ خدا را که پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شماست. پس او را دروغگو شمردند و قطعاً آنها احضار خواهند شد. مگر بندگان پاکدین خدا. و برای او در آیندگان آوازه نیک به جای گذاشتیم. درود بر پیروان الیاس. ما نیکوکاران را این گونه پاداش می‌دهیم. زیرا او از بندگان با ایمان ما بود. و در حقیقت لوط از زمره فرستادگان بود. آنگاه که او و همه کسانش را رهانیدیم. جز پیرزنی

که در میان باقی ماندگان بود. سپس دیگران را هلاک کردیم. و در حقیقت شما بر آنان صبحگاهان و شامگاهان می گذرید آیا به فکر فرو نمی روید.

و در حقیقت یونس از زمره فرستادگان بود آنگاه که به سوی کشتی پر بگریخت. پس با هم قرعه انداختند و از باختگان شد. و عنبرماهی او را بلعید در حالی که او نکوهشگر خویش بود. و اگر او از زمره تسبیح کنندگان نبود قطعا تا روزی که برانگیخته می شوند در شکم آن می ماند. پس او را در حالی که ناخوش بود به زمین خشکی افکندیم و بر بالای او درختی از کدوبن رویانیدیم و او را به سوی یکصد هزار یا بیشتر روانه کردیم. پس ایمان آوردند و تا چندی برخوردارشان کردیم.

شما را چه شده چگونه داوری می کنید. آیا سرپند گرفتن ندارید. یا دلیلی آشکار دارید. پس اگر راست می گوئید کتابتان را بیاورید. و میان خدا و جن ها پیوندی انگاشتند و حال آنکه جنیان نیک دانسته اند که خودشان احضار خواهند شد.

و هیچ یک از ما فرشتگان نیست مگر برای او مرتبه ای معین است. و در حقیقت ماییم که صف بسته ایم. و ماییم که خود تسبیح گویانیم.

و به تاکید می گفتند اگر پندی از پیشینیان نزد ما بود قطعا از بندگان خالص خدا می شدیم. ولی به آن کافر شدند و زودا که بدانند و قطعا فرمان ما در باره بندگان فرستاده ما از پیش رفته است که آنان حتما پیروز خواهند شد. و سپاه ما هر آینه غالب آیندگانند. **پس تا مدتی از آنان روی برتاب و آنان را بنگر که خواهند دید.** و از ایشان تا مدتی روی برتاب و بنگر که خواهند دید.

منزه است پروردگار تو پروردگار شکوهمند از آنچه وصف می کنند و درود بر فرستادگان ، و ستایش ویژه خدا پروردگار جهانهاست.

و قطعاً پس از چندی خبر آن را خواهید دانست (۳۸)

سوگند به قرآن پراندرز ، آری آنان که کفر ورزیدند در سرکشی و ستیزه‌اند. چه بسیار نسلا که پیش از ایشان هلاک کردیم که به فریاد خواندند و دیگر مجال گریز نبود. و از اینکه هشداردهنده‌ای از خودشان برایشان آمده درشگفتند و کافران می‌گویند این ساحری شاید است. آیا خدایان را خدای واحدی قرار داده این واقعا چیز عجیبی است. و بزرگان‌شان روان شدند ؛ بروید و بر خدایان خود ایستادگی نمایید که این امر قطعاً هدفست. این را در آیین اخیر نشنیده‌ایم این جز دروغ بافی نیست. آیا از میان ما قرآن بر او نازل شده است. بلکه آنان در باره قرآن من دودلند ، بلکه هنوز عذاب نچشیده‌اند.

پیش از ایشان قوم نوح و عاد و فرعون صاحب خرگاهها تکذیب کردند و ثمود و قوم لوط و اصحاب ایکه ، آنها دسته‌های مخالف بودند. هیچ کدام نبودند که پیامبران را تکذیب نکنند پس عقوبت سزاوار آمد. و اینان جز یک فریاد را انتظار نمی‌برند که هیچ سر خاراندنی در آن نیست.

بر آنچه می‌گویند صبر کن و داوود بنده ما را که دارای امکانات بود به یاد آور آری او بسیار بازگشت‌کننده بود ... (داستان حضرت داود (ع)) ... داوود دانست که ما او را آزمایش کرده‌ایم پس از پروردگارش آمرزش خواست و به رو درافتاد و توبه کرد. و بر او این را بخشودیم. ای داوود ما تو را در زمین خلیفه گردانیدیم پس میان مردم به حق داوری کن و زنه‌ار از هوس پیروی مکن که تو را از راه خدا به در کند. در حقیقت کسانی که از راه خدا به در می‌روند به آنکه روز حساب را فراموش کرده‌اند عذابی سخت خواهند داشت.

قرآن کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن بیندیشند و خردمندان پند گیرند.

و سلیمان را به داوود بخشیدیم چه نیکو بنده‌ای به راستی او توبه‌کار بود ... (داستان حضرت سلیمان (ع))

و بنده ما ایوب را به یاد آور آنگاه که پروردگارش را ندا داد که شیطان مرا به رنج و عذاب مبتلا کرد ؛ با پای خود بکوب اینک این چشمه‌ساری است سرد و آشامیدنی. و

کسانش را و نظایر آنها را همراه آنها به او بخشیدیم تا رحمتی از جانب ما و عبرتی برای خردمندان باشد. یک بسته ترکه به دست بگیر و با آن بز و سوگند مشکن ما او را شکیا یافتیم چه نیکونده‌ای به راستی او توبه کار بود.

و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که نیرومند و دیده‌ور بودند به یادآور ما آنان را با موهبت ویژه‌ای که یادآوری آن سرای بود خالص گردانیدیم. و آنان در پیشگاه ما جدا از برگزیدگان نیکانند.

و اسماعیل و یسع و ذوالکفل را به یاد آور همه از نیکانند. این یادکردی است و قطعاً برای پرهیزگاران فرجامی نیک است.

بگو من فقط هشداردهنده‌ای هستم و جز خدای یگانه قهار معبودی دیگر نیست. پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است همان شکست‌ناپذیر آمرزنده. بگو این خبری بزرگ است. شما از آن روی برمی‌تابید.

مرا در باره ملاء اعلی هیچ دانشی نبود آنگاه که مجادله می‌کردند. به من هیچ وحی نمی‌شود جز اینکه من هشداردهنده‌ای آشکارم؛ آنگاه که پروردگارت به فرشتگان گفت من بشری را از گل خواهم آفرید ... (داستان حضرت آدم (ع))

بگو مزدی بر این از شما طلب نمی‌کنم و من از کسانی نیستم که چیزی از خود بسازم و به خدا نسبت دهم. قرآن جز پندی برای جهانیان نیست و قطعاً پس از چندی خبر آن را خواهید دانست.

پس بشارت ده به آن بندگان من که به سخن گوش فرامی دهند (۳۹)

نازل شدن قرآن از جانب خدای شکست ناپذیر سنجیده کار است. ما کتاب را به حق به سوی تو فرود آوردیم پس خدا را در حالی که اعتقاد را برای او خالص کننده ای عبادت کن. بگو من مامورم که خدا را در حالی که آیینم را برای او خالص گردانیده ام بپرستم. و مامورم که نخستین مسلمانان باشم. بگو من اگر به پروردگارم عصیان ورزم از عذاب روزی هولناک می ترسم.

و آنان که خود را از طاغوت به دور می دارند تا مبدا او را بپرستند و به سوی خدا بازگشته اند آنان را مژده باد **پس بشارت ده به آن بندگان من که به سخن گوش فرامی دهند** و بهترین آن را پیروی می کنند اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان. پس آیا کسی که فرمان عذاب بر او واجب آمده ؛ آیا تو کسی را که در آتش است می رهانی. پس آیا کسی که خدا سینه اش را برای اسلام گشاده و برخوردار از نوری از جانب پروردگارش می باشد همانند فرد تاریکدل است. پس وای بر آنان که از سخت دلی یاد خدا نمی کنند اینانند که در گمراهی آشکارند.

خدا زیباترین سخن را کتابی متشابه متضمن وعد و وعید نازل کرده است آنان که از پروردگارشان می هراسند پوست بدنشان از آن به لرزه می افتد سپس پوستشان و دلشان به یاد خدا نرم می گردد این است هدایت خدا، هر که را بخواهد به آن راه نماید و هر که را خدا گمراه کند او را راهبری نیست. کسانی که پیش از آنان بودند به تکذیب پرداختند و از آنجا که حدس نمی زدند عذاب برایشان آمد. پس خدا در زندگی دنیا رسوایی را به آنان چشاند و اگر می دانستند قطعاً عذاب آخرت بزرگتر است. و در قرآن از هر گونه مثلی برای مردم آوردیم باشد که آنان پند گیرند. قرآنی عربی بی هیچ کژی باشد که آنان راه تقوا پویند. خدا مثلی زده است مردی است که چند خواجه ناسازگار در او شرکت دارند و مردی است که تنها فرمانبر یک مرد است آیا این دو در مثل یکسانند.

قطعاً تو خواهی مرد و آنان خواهند مرد سپس شما روز قیامت پیش پروردگارتان مجادله خواهید کرد. آیا خدا کفایت کننده بنده اش نیست و تو را از آنها که غیر اویند می ترسانند و

هر که را خدا گمراه گرداند برایش راهبری نیست. و اگر از آنها پرسى چه كسى آسمانها و زمين را خلق كرده قطعاً خواهند گفت خدا ، بگو چه تصور مى كنيد اگر خدا بخواهد صدمه‌اى به من برساند آيا آنچه را به جاى خدا مى خوانيد مى توانند صدمه او را برطرف كنند يا اگر او رحمتى براى من اراده كند آيا آنها مى توانند رحمتش را بازدارند بگو خدا مرا بس است اهل توكل تنها بر او توكل مى كنند. بگو اى قوم من شما بر حسب امكانات خود عمل كنيد من عمل مى كنم. پس به زودى خواهيد دانست چه كس را عذابى كه رسوايش كند خواهد آمد و عذابى پايدار بر او نازل مى شود.

ما كتاب قرآن را براى مردم به حق بر تو فروفرستاديم پس هر كس هدايت شود به سود خود اوست و هر كس بيراهه رود تنها به زيان خودش گمراه مى شود و تو بر آنها وكيل نىستى. بگو اى بندگان من كه بر خويشتن زياده‌روى روا داشته‌ايد از رحمت خدا نوميد مشويد در حقيقت خدا همه گناهان را مى آمرزد كه او خود آمرزنده مهربان است. بگو اى نادانان آيا مرا وادار مى كنيد كه جز خدا را بپرستم. و قطعاً به تو و به كسانى كه پيش از تو بودند وحى شده است اگر شرك ورزى حتماً كردارت تباه و مسلماً از زيانكاران خواهى شد. بلكه خدا را بپرست و از سپاسگزاران باش.

خدا را پاکدلانه فرا خوانید هر چند ناباوران را ناخوش افتد (۴۰)

فرو فرستادن کتاب قرآن از جانب خدای ارجمند داناست. گناه‌بخش و توبه‌پذیر ، سخت‌کیفر ، فراخ‌نعمت است. خدایی جز او نیست بازگشت به سوی اوست. جز آنهایی که کفر ورزیدند در آیات خدا ستیزه نمی‌کند پس رفت و آمدشان در شهرها تو را دستخوش فریب نگرداند.

پیش از اینان قوم نوح و بعد از آنان دسته‌های مخالف به تکذیب پرداختند و هر امتی آهنگ فرستاده خود را کردند تا او را بگیرند و به باطل جدال نمودند تا حقیقت را با آن پایمال کنند پس آنان را فرو گرفتم آیا چگونه بود کیفر من.

خداست که نشانه‌های خود را به شما می‌نمایاند و برای شما از آسمان روزی می‌فرستد و جز آن کس که توبه‌کار است پند نمی‌گیرد. **پس خدا را پاکدلانه فرا خوانید هر چند ناباوران را ناخوش افتد.** بالابرده درجات خداوند عرش به هر کس از بندگانش که خواهد آن روح را به فرمان خویش می‌فرستد تا از روز ملاقات بترساند. و آنها را از آن روز قریب بترسان آنگاه که جانها به گلوگاه می‌رسد در حالی که اندوه خود را فرو می‌خورند برای ستمگران نه یاری است و نه شفاعتگری که مورد اطاعت باشد.

آیا در زمین نگردیده‌اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنها زیسته اند چگونه بوده است آنها از ایشان نیرومندتر و آثار پایدارتری در روی زمین از خود باقی گذاشتند با این همه خدا آنان را به کیفر گناهانشان گرفتار کرد و در برابر خدا حمایتگری نداشتند.

و به یقین موسی را با آیات خود و حجتی آشکار فرستادیم به سوی فرعون و هامان و قارون. گفتند افسونگری شاید است ... (داستان حضرت موسی (ع))

در حقیقت ما فرستادگان خود و کسانی را که گرویده‌اند در زندگی دنیا و روزی که گواهان برپای می‌ایستند قطعا یاری می‌کنیم. روزی که ستمگران را پوزش‌طلبی‌شان سود نمی‌دهد و برای آنان لعنت است. و قطعا موسی را هدایت دادیم و به فرزندان اسرائیل تورات را به میراث نهادیم ، رهنمود و یادکردی برای خردمندان است. پس صبر کن که

وعدۀ خدا حق است و برای گناهت آمرزش بخواه و به سپاس پروردگارت شامگاهان و بامدادان ستایشگر باش.

در حقیقت آنان که در باره نشانه‌های خدا بی‌آنکه حاجتی برایشان آمده باشد به مجادله برمی‌خیزند در دل‌هایشان جز بزرگنمایی نیست، آنان به آن نخواهند رسید پس به خدا پناه جوی زیرا او خود شنوای بیناست. بگو من نهی شده‌ام از اینکه جز خدا کسانی را که می‌خوانید پرستش کنم، هنگامی که از جانب پروردگارم مرا دلایل روشن رسیده باشد و مامورم که فرمانبر پروردگار جهانیان باشم.

آیا کسانی را که در آیات خدا مجادله می‌کنند ندیده‌ای تا کجا انحراف حاصل کرده‌اند. کسانی که کتاب و آنچه را که فرستادگان خود را بدان گسیل داشته‌ایم تکذیب کرده‌اند به زودی خواهند دانست. پس صبر کن که وعده خدا راست است پس چه پاره‌ای از آنچه را که به آنان وعده داده‌ایم به تو بنمایانیم چه تو را از دنیا ببریم به سوی ما بازگردانیده می‌شوند. و مسلماً پیش از تو فرستادگانی را روانه کردیم برخی از آنان را بر تو حکایت کرده‌ایم و برخی از ایشان را بر تو حکایت نکرده‌ایم و هیچ فرستاده‌ای را نرسد که بی‌اجازه خدا نشانه‌ای بیاورد پس چون فرمان خدا برسد به حق داوری می‌شود و آنجاست که باطل کاران زیان می‌کنند.

آیا در زمین نگشته‌اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بوده است آنها به مراتب از حیث تعداد بیشتر از آنان و از حیث نیرو و آثار در روی زمین استوارتر بودند و آنچه به دست می‌آوردند به حالشان سودی نبخشید. و چون پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان آوردند به آن چیز از دانش که نزدشان بود خرسند شدند و آنچه به ریشخند می‌گرفتند آنان را فروگرفت. پس چون سختی ما را دیدند گفتند فقط به خدا ایمان آوردیم و بدآنچه با او شریک می‌گردانیدیم کافریم. و هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند دیگر ایمانشان برای آنها سودی نداد سنت خداست که از دیرباز در باره بندگان چنین جاری شده و آنجاست که ناباوران زیان کرده‌اند.

بگو من بشری چون شمایم جز اینکه به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است (۴۱)

قرآن وحی ای است از جانب رحمتگر مهربان. کتابی است که آیات آن به روشنی بیان شده قرآنی است به زبان عربی برای مردمی که می‌دانند بشارتگر و هشداردهنده است و بیشتر آنان رویگردان شدند در نتیجه نمی‌شنوند و گفتند دل‌های ما از آنچه ما را به سوی آن می‌خوانی سخت محبوب و مهجور است و در گوش‌های ما سنگینی و میان ما و تو پرده‌ای است پس تو کار خود را بکن ما کار خود را می‌کنیم.

بگو من بشری چون شمایم جز اینکه به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است پس مستقیماً به سوی او بشتابید و از او آموزش بخواهید و وای بر مشرکان. پس اگر روی برتافتند بگو شما را از آذرخشی چون آذرخش عاد و ثمود بر حذر داشتم. چون فرستادگان از پیش رو و از پشت سرشان بر آنان آمدند؛ زهار جز خدا را می‌پرستید. گفتند اگر پروردگار ما می‌خواست قطعاً فرشتگانی فرومی‌فرستاد پس ما به آنچه بدان فرستاده شده‌اید کافریم.

و اما عادیان به ناحق در زمین سر برافراشتند و گفتند از ما نیرومندتر کیست آیا ندانسته‌اند که آن خدایی که خلقشان کرده خود از ایشان نیرومندتر است و در نتیجه آیات ما را انکار می‌کردند پس بر آنان تندی توفندی در روزهایی شوم فرستادیم تا در زندگی دنیا عذاب رسوایی را بدانان بچشانیم و قطعاً عذاب آخرت رسواکننده‌تر است و آنان یاری نخواهند شد.

و اما ثمودیان پس آنان را راهبری کردیم و کوردلی را بر هدایت ترجیح دادند پس به آنچه مرتکب می‌شدند صاعقه عذاب خفت‌آور آنان را فروگرفت. (برای آنان دمسازانی گذاشتیم و آنچه در دسترس ایشان و آنچه در پی آنان بود در نظرشان زیبا جلوه دادند و فرمان در میان امتیاهی از جن و انس که پیش از آنان روزگار به سر برده بودند بر ایشان واجب آمد چرا که آنها زیانکاران بودند.)

و کسانی که کافر شدند گفتند به قرآن گوش مدهید و سخن لغو در آن اندازید شاید شما پیروز شوید. در حقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خداست سپس ایستادگی

کردند فرشتگان بر آنان فرود می آیند؛ هان بیم مدارید و غمین مباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید. و کیست خوشگفتارتر از آن کس که به سوی خدا دعوت نماید و کار نیک کند و گوید من از تسلیم شدگانم.

و نیکی با بدی یکسان نیست، آنچه خود بهتر است دفع کن آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است گویی دوستی یکدل می گردد. و این را جز کسانی که شکیا بوده اند نمی یابند و آن را جز صاحب بهره ای بزرگ نخواهد یافت. و اگر دمدمه ای از شیطان تو را از جای درآورد پس به خدا پناه ببر که او خود شنوای داناست. به تو جز آنچه به پیامبران پیش از تو گفته شده است گفته نمی شود به راستی که پروردگار تو دارای آمرزش و دارنده کیفی پر درد است. و اگر قرآنی غیر عربی گردانیده بودیم قطعاً می گفتند چرا آیه های آن روشن بیان نشده کتابی غیر عربی و مخاطب آن عرب زبان. بگو کتاب قرآن برای کسانی که ایمان آورده اند رهنمود و درمانی است و کسانی که ایمان نمی آورند در گوشه ایشان سنگینی است و قرآن برایشان نامفهوم است و آنان را از جایی دور ندا می دهند.

بگو به من خبر دهید اگر قرآن از نزد خدا باشد و آن را انکار کرده باشید چه کسی گمراه تر از آن کس خواهد بود که به مخالفتی دور و دراز دچار آمده باشد. به زودی نشانه های خود را در افقها و در دلهایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است. آری آنان در لقای پروردگارشان تردید دارند آگاه باش که مسلماً او به هر چیزی احاطه دارد.

و به راستی که تو به خوبی به راه راست هدایت می کنی (۴۲)

این گونه خدای نیرومند حکیم به سوی تو و به سوی کسانی که پیش از تو بودند وحی می کند. آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست و او بلندمرتبه بزرگ است. چیزی نمانده که آسمانها از فرازشان بشکافند. و فرشتگان به سپاس پروردگارشان تسبیح می گویند و برای کسانی که در زمین هستند آموزش می طلبند آگاه باش در حقیقت خداست که آمرزنده مهربان است. و کسانی که به جای او دوستانی برای خود گرفته اند خدا بر ایشان نگهبان است و تو بر آنان گمارده نیستی. و بدین گونه قرآن عربی به سوی تو وحی کردیم تا مکه و کسانی را که پیرامون آنند هشدار دهی و از روز گردآمدن که تردیدی در آن نیست بیم دهی گروهی در بهشتند و گروهی در آتش.

از دین آنچه را که به نوح در باره آن سفارش کرد برای شما تشریع کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که در باره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که دین را برپا دارید و در آن تفرقه اندازی نکنید بر مشرکان آنچه که ایشان را به سوی آن فرا می خوانی گران می آید خدا هر که را بخواهد به سوی خود برمی گزیند و هر که را که از در توبه در آید به سوی خود راه می نماید. و فقط پس از آنکه علم برایشان آمد راه تفرقه پیمودند به صرف حسد میان همدیگر و اگر سخنی از جانب پروردگارت تا زمانی معین پیشی نگرفته بود قطعاً میانشان داوری شده بود و کسانی که بعد از آنان کتاب را میراث یافتند واقعا در باره او در تردیدی سخت اند. بنابراین به دعوت پرداز و همان گونه که ماموری ایستادگی کن و هوسهای آنان را پیروی مکن و بگو به هر کتابی که خدا نازل کرده است ایمان آوردم و مامور شدم که میان شما عدالت کنم خدا پروردگار ما و پروردگار شماست اعمال ما از آن ما و اعمال شما از آن شماست میان ما و شما خصومتی نیست. خدا میان ما را جمع می کند و فرجام به سوی اوست.

خدا همان کسی است که کتاب و وسیله سنجش را به حق فرود آورد و تو چه می دانی شاید رستاخیز نزدیک باشد. کسانی که به آن ایمان ندارند شتابزده آن را می خواهند و

کسانی که ایمان آورده‌اند از آن هراسناکند و می‌دانند که آن حق است بدان که آنان که در مورد قیامت تردید می‌ورزند قطعا در گمراهی دور و درازی‌اند.

آیا می‌گویند بر خدا دروغی بسته است پس اگر خدا بخواهد بر دلت مهر می‌نهد و خدا باطل را محو و حقیقت را با کلمات خویش پا برجا می‌کند اوست که به راز دلها داناست.

پس اگر روی برتابند ما تو را بر آنان نگهبان نفرستاده‌ایم بر عهده تو جز رسانیدن نیست و ما چون رحمتی از جانب خود به انسان بچشاییم بدان شاد و سرمست گردد و چون به دستاورد پیشین آنها به آنان بدی رسد انسان ناسپاسی می‌کند. فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست هر چه بخواهد می‌آفریند به هر کس بخواهد فرزند دختر و به هر کس بخواهد فرزند پسر می‌دهد. و هیچ بشری را نرسد که خدا با او سخن گوید جز وحی یا از فراسوی حجابی یا فرستاده‌ای بفرستد و به اذن او هر چه بخواهد وحی نماید. و همین گونه روحی از امر خودمان به سوی تو وحی کردیم تو نمی‌دانستی کتاب چیست و نه ایمان ، ولی آن را نوری گردانیدیم که هر که از بندگان خود را بخواهیم به وسیله آن راه می‌نماییم و به راستی که تو به خوبی به راه راست هدایت می‌کنی. راه همان خدایی که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست هشت‌دار که کارها به خدا بازمی‌گردد.

آیا تو می‌توانی کران را شنوا کنی یا نابینایان و کسی را که همواره در گمراهی آشکاری است راه نمایی (۴۳)

سوگند به کتاب روشنگر، ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم باشد که بیندیشید. و همانا که آن در کتاب اصلی به نزد ما سخت والا و پر حکمت است. آیا به صرف اینکه شما قومی منحرفید، قرآن را از شما باز داریم. و چه بسا پیامبرانی که در گذشتگان روانه کردیم و هیچ پیامبری به سوی ایشان نیامد مگر اینکه او را به ریشخند می‌گرفتند و نیرومندتر از آنان را به هلاکت رسانیدیم و سنت پیشینیان تکرار شد.

و اگر از آنان بپرسی آسمانها و زمین را چه کسی آفریده قطعاً خواهند گفت آنها را همان قادر دانا آفریده است. و بدین گونه در هیچ شهری پیش از تو هشداردهنده‌ای نفرستادیم مگر آنکه خوشگذرانان آن گفتند ما پدران خود را بر آیینی یافته‌ایم و ما از پی ایشان راهسپریم. گفت: هر چند هدایت کننده‌تر از آنچه پدران خود را بر آن یافته‌اید برای شما بیاورم. گفتند: ما به آنچه بدان فرستاده شده‌اید کافریم. پس از آنان انتقام گرفتیم پس بنگر فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است؛ و چون ابراهیم به پدر خود و قومش گفت من واقعا از آنچه می‌پرستید بیزارم. مگر آن کس که مرا پدید آورد و البته او مرا راهنمایی خواهد کرد. و او آن را در پی خود سخنی جاویدان کرد باشد که آنان باز گردند.

بلکه اینان و پدرانشان را بر خوداری دادم تا حقیقت و فرستاده‌ای آشکار به سویشان آمد. و چون حقیقت به سویشان آمد گفتند این افسونی است و ما منکر آنیم. و گفتند چرا قرآن بر مردی بزرگ از دو شهر فرود نیامده است؟

آیا آنانند که رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند. ما معاش آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم و برخی از آنان را از درجات بالاتر از بعضی قرار داده‌ایم تا بعضی از آنها بعضی را در خدمت گیرند و رحمت پروردگار تو از آنچه آنان می‌اندوزند بهتر است. و زر و زیورها و همه اینها جز متاع زندگی دنیا نیست و آخرت پیش پروردگار تو برای پرهیزگاران است.

و هر کس از یاد رحمان دل بگرداند بر او شیطانی می‌گماریم تا برای وی دمسازی باشد. و مسلماً آنها ایشان را از راه باز می‌دارند و می‌پندارند که راه یافتگانند. تا آنگاه که او به

حضور ما آید گوید: ای کاش میان من و تو فاصله خاور و باختر بود که چه بد دمسازی هستی. پس آیا تو می‌توانی کران را شنوا کنی یا نابینایان و کسی را که همواره در گمراهی آشکاری است راه نمایی. پس اگر ما تو را ببریم قطعا از آنان انتقام می‌کشیم. یا آنچه را به آنان وعده داده‌ایم به تو نشان دهیم حتما ما بر آنان قدرت داریم. پس به آنچه به سوی تو وحی شده است چنگ در زن که تو بر راهی راست قرار داری. و به راستی که قرآن برای تو و برای قوم تو تذکری است و به زودی پرسیده خواهید شد. و از رسولان ما که پیش از تو گسیل داشتیم جویا شو آیا در برابر رحمان خدایانی که مورد پرستش قرار گیرند مقرر داشته‌ایم.

و همانا موسی را با نشانه‌های خویش به سوی فرعون و سران او روانه کردیم پس گفت من فرستاده پروردگار جهان‌یانم. پس چون آیات ما را برای آنان آورد ناگهان ایشان بر آنها خنده زدند. سپس به عذاب گرفتارشان کردیم تا مگر به راه آیند. و گفتند ای فسونگر پروردگارت را به آنچه با تو عهد کرده برای ما بخوان که ما واقعا به راه درست درآمده‌ایم. و چون عذاب را از آنها برداشتیم بناگاه آنان پیمان شکستند.

و فرعون در میان قوم خود ندا درداد و گفت ای مردم من، آیا پادشاهی مصر و این نهرها که از زیر من روان است از آن من نیست پس مگر نمی‌بینید؟ آیا من از این کس که خود بی‌مقدار است و نمی‌تواند درست بیان کند بهترم. پس چرا بر او دستبندهایی زرین آویخته نشده یا با او فرشتگانی همراه نیامده‌اند. پس قوم خود را سبک مغز یافت و اطاعتش کردند. چرا که آنها مردمی منحرف بودند. و چون ما را به خشم درآوردند از آنان انتقام گرفتیم و همه آنان را غرق کردیم.

و هنگامی که پسر مریم مثالی آورده شد بناگاه قوم تو از آن هلهله درانداختند و گفتند آیا معبودان ما بهترند یا او. آن را جز از راه جدل برای تو نزدند. بلکه آنان مردمی جدل‌پیشه‌اند. (جز بنده‌ای که بر وی منت نهاده و او را برای فرزندان اسرائیل سرمشق گردانیده‌ایم نیست). آیا می‌پندارند که ما راز آنها و نجوایشان را نمی‌شنویم. چرا، و فرشتگان ما پیش آنان ثبت می‌کنند.

بگو اگر برای رحمان فرزندی بود خود من نخستین پرستندگان بودم. پروردگار آسمانها و زمین ، پروردگار عرش از آنچه وصف می کنند منزّه است. پس آنان را رها کن تا در یاوه گویی خود فرو روند و بازی کنند تا آن روزی را که بدان وعده داده می شوند دیدار کنند. و اگر از آنان بپرسی چه کسی آنان را خلق کرده مسلما خواهند گفت خدا پس چگونه بازگردانیده می شوند.

؛ و گوید ای پروردگار من اینها جماعتی اند که ایمان نخواهند آورد.
از ایشان روی برتاب و بگو به سلامت. پس زودا که بدانند.

ولی نه آنها به شک و شبهه خویش سرگرمند (۴۴)

سوگند به کتاب روشنگر ، ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم که ما هشداردهنده بودیم. در آن هر کاری استوار فیصله می‌یابد. کاری است از جانب ما ، ما فرستنده بودیم. رحمتی از پروردگار توست که او شنوای داناست. **ولی نه آنها به شک و شبهه خویش سرگرمند.** پس در انتظار روزی باش که آسمان دودی نمایان برمی‌آورد که مردم را فرو می‌گیرد. این است عذاب پر درد

؛ پروردگارا این عذاب را از ما دفع کن که ما ایمان داریم.

آنان را کجا پند باشد و حال آنکه به یقین برای آنان پیامبری روشنگر آمده است. پس از او روی برتافتند و گفتند تعلیم یافته‌ای دیوانه است. ما این عذاب را اندکی از شما برمی‌داریم در حقیقت باز از سر می‌گیرید.

روزی که دست به حمله می‌زنیم همان حمله بزرگ ما انتقام کشنده‌ایم. و به یقین پیش از آنان قوم فرعون را بیازمودیم و پیامبری بزرگوار برایشان آمد ... فرعونیان چه باغها و چشمه‌سارانی بر جای نهادند و کشتزارها و جایگاه‌های نیکو ، و نعمتی که از آن برخوردار بودند. این چنین ، و آنها را به مردمی دیگر میراث دادیم. و به راستی فرزندان اسرائیل را از عذاب خفت‌آور رهانیدیم از فرعون که متکبری از افراطکاران بود. و قطعاً آنان را دانسته بر مردم جهان ترجیح دادیم و از نشانه‌ها آنچه را که در آن آزمایشی آشکار بود بدیشان دادیم. هر آینه می‌گویند : جز مرگ نخستین دیگر نیست و ما زنده‌شدنی نیستیم. اگر راست می‌گویید پس پدران ما را آورید. آیا ایشان بهترند یا قوم تبع و کسانی که پیش از آنها بودند آنها را هلاک کردیم زیرا که گنهکار بودند.

و آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است به بازی نیافریده‌ایم آنها را جز به حق نیافریده‌ایم لیکن بیشترشان نمی‌دانند.

در حقیقت قرآن را بر زبان تو آسان گردانیدیم امید که پند پذیرند. پس مراقب باش زیرا که آنان هم مراقبند.

پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده (۴۵)

فرو فرستادن کتاب قرآن از جانب خدای ارجمند سنجیده کار است. به راستی در آسمانها و زمین برای مؤمنان نشانه‌هایی است. و در آفرینش خودتان و آنچه از جنبه پراکنده می‌گرداند برای مردمی که یقین دارند نشانه‌هایی است. و پیاپی آمدن شب و روز و آنچه خدا از روزی از آسمان فرود آورده و به آن زمین را پس از مرگش زنده گردانیده است و گردش بادها برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی است.

اینست آیات خدا که به راستی آن را بر تو می‌خوانیم پس بعد از خدا و نشانه‌های او به کدام سخن خواهند گروید. وای بر هر دروغزن گناه‌پیشه که آیات خدا را که بر او خوانده می‌شود می‌شنود و باز به حال تکبر چنانکه گویی آن را نشنیده است سماجت می‌ورزد پس او را از عذابی پردرد خبر ده.

و به یقین فرزندان اسرائیل را کتاب و حکم و پیامبری دادیم و از چیزهای پاکیزه روزیشان کردیم و آنان را بر مردم روزگار برتری دادیم. و دلایل روشنی در امر به آنان عطا کردیم و جز بعد از آنکه علم برایشان آمد آن هم از روی رشک و رقابت میان خودشان دستخوش اختلاف نشدند. سپس تو را در طریقه آیینی از امر نهادیم پس آن را پیروی کن و هوسهای کسانی را که نمی‌دانند پیروی مکن. آنان هرگز در برابر خدا از تو حمایت نمی‌کنند و ستمگران بعضی‌شان دوستان بعضی‌اند و خدا یار پرهیزگاران است. قرآن برای مردم بینش بخش و برای قومی که یقین دارند رهنمود و رحمتی است.

پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مهر زده و بر دیده‌اش پرده نهاده است آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد آیا پند نمی‌گیری. و فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست و روزی که رستاخیز بر پا شود آن روز است که باطل‌اندیشان زیان خواهند دید. و هر امتی را به زانو در آمده می‌بینی هر امتی به سوی کارنامه خود فراخوانده می‌شود ؛ آنچه را می‌کردید امروز پاداش می‌یابید. این است کتاب ما که علیه شما به حق سخن می‌گوید ما از آنچه می‌کردید نسخه بر می‌داشتیم.

پس همان گونه که پیامبران نستوه صبر کردند صبر کن (٤٦)

فرو فرستادن کتاب قرآن از جانب خدای ارجمند حکیم است. و چون آیات روشن ما بر ایشان خوانده شود آنان که چون حقیقت به سویشان آمد منکر آن شدند گفتند این سحری آشکار است. یا می گویند کتاب را بریافته است بگو اگر آن را بریافته باشم در برابر خدا اختیار چیزی برای من ندارید او آگاه تر است به آنچه در آن فرو می روید. گواه بودن او میان من و شما بس است و اوست آمرزنده مهربان. بگو من از پیامبران نودرآمدی نبودم و نمی دانم با من و با شما چه معامله ای خواهد شد جز آنچه را که به من وحی می شود پیروی نمی کنم و من جز هشداردهنده ای آشکار نیستم.

بگو به من خبر دهید اگر قرآن از نزد خدا باشد و شما بدان کافر شده باشید و شاهی از فرزندان اسرائیل به مشابعت آن گواهی داده و ایمان آورده باشد و شما تکبر نموده باشید آیا باز هم شما ستمکار نیستید. البته خدا قوم ستمگر را هدایت نمی کند. و پیش از آن کتاب موسی راهبر و رحمتی بود و قرآن کتابی است به زبان عربی که تصدیق کننده است تا کسانی را که ستم کرده اند هشدار دهد و برای نیکوکاران مژده ای باشد.

و برادر عادیان را به یاد آور آنگاه که قوم خویش را در ریگستان بیم داد ... (داستان حضرت هود (ع))

و بی گمان همه شهرهای پیرامون شما را هلاک کرده و آیات خود را گونه گون بیان داشته ایم امید که آنان بازگردند. پس چرا آن کسانی را که غیر از خدا به منزله معبودانی برای تقرب اختیار کرده بودند آنان را یاری نکردند بلکه از دستشان دادند و این بود دروغ آنان و آنچه برمی بافتند.

و چون تنی چند از جن را به سوی تو روانه کردیم که قرآن را بشنوند پس چون بر آن حاضر شدند گفتند: گوش فرا دهید، و چون به انجام رسید هشداردهنده به سوی قوم خود بازگشتند. گفتند: ای قوم ما، ما کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده، تصدیق کننده پیش از خود است و به سوی حق و به سوی راهی راست راهبری می کند. ای قوم ما

دعوت کننده خدا را پاسخ دهید و به او ایمان آورید تا برخی از گناهانتان را بر شما ببخشد و از عذابی پر درد پناهتان دهد.

و کسی که دعوت کننده خدا را اجابت نکند در زمین درمانده کننده نیست و در برابر او دوستانی ندارد آنان در گمراهی آشکاری اند. مگر ندانسته اند که آن خدایی که آسمانها و زمین را آفریده و در آفریدن آنها درمانده نگردید می تواند مردگان را زنده کند. آری اوست که بر همه چیز تواناست.

پس همان گونه که پیامبران نستوه صبر کردند صبر کن و برای آنان شتابزدگی به خرج مده روزی که آنچه را وعده داده می شوند بنگرند گویی که آنان جز ساعتی از روز را نمانده اند. ابلاغی است پس آیا جز مردم نافرمان هلاکت خواهند یافت.

رستاخیز به ناگاه بر آنان فرا رسد و علامات آن اینک پدید آمده است(۴۷)

کسانی که کفر ورزیدند و از راه خدا باز داشتند ، اعمال آنان را تباه خواهد کرد. و آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند و به آنچه بر حضرت محمد (ص) نازل آمده گرویده‌اند ، آن خود حق ، از جانب پروردگارشان است. بدیهایشان را زدود و حالشان را بهبود بخشید.

مگر در زمین نگشته‌اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنها بودند به کجا انجامیده است. خدا زیر و زبرشان کرد. چرا که خدا سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند ولی کافران را سرپرست نیست. و بسا شهرها که نیرومندتر از آن شهری بود که تو را بیرون راند که ما هلاکشان کردیم و برای آنها یار نبود. آیا کسی که بر حجتی از جانب پروردگار خویش است چون کسی است که بدی کردارش برای او زیبا جلوه داده شده و هوسهای خود را پیروی کرده‌اند.

و از میان منافقان کسانی‌اند که به تو گوش می‌دهند ولی چون از نزد تو بیرون می‌روند به دانش یافتگان می‌گویند هم اکنون چه گفت ، اینان همانانند که خدا بر دل‌هایشان مهر نهاده است و از هوسهای خود پیروی کرده‌اند. و آنان که به هدایت گراییدند آنان را هر چه بیشتر هدایت بخشید و پرهیزگاری‌شان داد. آیا کافران جز این انتظار می‌برند که **رستاخیز به ناگاه بر آنان فرا رسد و علامات آن اینک پدید آمده است**. پس اگر بر آنان دررسد دیگر کجا جای اندرزشان است. پس بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست و برای گناه خویش آمرزش جوی و برای مردان و زنان با ایمان. و خداست که فرجام و مآل شما را می‌داند.

و کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند چرا سوره‌ای نازل نمی‌شود اما چون سوره‌ای صریح نازل شد و در آن نام کارزار آمد آنان که در دل‌هایشان مرضی هست مانند کسی که به حال بیهوشی مرگ افتاده به تو می‌نگرند. فرمان‌پذیری و سخنی شایسته برایشان بهتر است و چون کار به تصمیم کشد قطعاً خیر آنان در این است که با خدا راست باشند. پس ای منافقان آیا امید بستید که چون از خدا برگشتید یا سرپرست مردم شدید در روی زمین فساد کنید و خویشاوندیهای خود را از هم بگسلید. اینان همان کسانی‌اند که خدا آنان را لعنت

نموده و ایشان را ناشنوا و چشمهایشان را نابینا کرده است. آیا به آیات قرآن نمی‌اندیشند یا بر دل‌هایشان قفل‌هایی نهاده شده است. بی‌گمان کسانی که پس از آنکه هدایت بر آنان روشن شد، پشت کردند شیطان آنان را فریفت و به آرزوهای دور و درازشان انداخت. چرا که آنان به کسانی که آنچه را خدا نازل کرده خوش نمی‌داشتند گفتند ما در کار مخالفت تا حدودی از شما اطاعت خواهیم کرد و خدا از همداستانی آنان آگاه است. پس چگونه تاب می‌آورند وقتی که فرشتگان جانشان را می‌ستانند و بر چهره و پشت آنان تازیانه می‌نوازند. زیرا آنان از آنچه خدا را به خشم آورده پیروی کرده‌اند و خرسندیش را خوش نداشتند پس اعمالشان را باطل گردانید.

آیا کسانی که در دل‌هایشان مرضی هست پنداشتند که خدا هرگز کینه آنان را آشکار نخواهد کرد. و اگر بخواهیم قطعا آنان را به تو می‌نمایانیم در نتیجه ایشان را به سیمایشان می‌شناسی و از آهنگ سخن به آنان پی خواهی برد و خداست که کارهای شما را می‌داند. کسانی که کافر شدند و از راه خدا باز داشتند و پس از آنکه راه هدایت بر آنان آشکار شد با پیامبر در افتادند هرگز به خدا گزندی نمی‌رسانند و به زودی کرده‌هایشان را تباه خواهد کرد.

اگر کافر و مؤمن از هم متمایز می شدند قطعا کافران را به عذاب دردناکی معذب می داشتیم (۴۸)

ما تو را پیروزی بخشیدیم - پیروزی درخشانی - تا خداوند از گناه گذشته و آینده تو درگذرد و نعمت خود را بر تو تمام گرداند و تو را به راهی راست هدایت کند و تو را به نصرتی ارجمند یاری نماید. اوست آن کس که در دلهای مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند.

ما تو را گواه و بشارتگر و هشداردهنده ای فرستادیم. در حقیقت کسانی که با تو بیعت می کنند جز این نیست که با خدا بیعت می کنند. دست خدا بالای دستهای آنان است. پس هر که پیمان شکنی کند تنها به زیان خود پیمان می شکند و هر که بر آنچه با خدا عهد بسته وفادار بماند به زودی خدا پاداشی بزرگ به او می بخشد.

برجای ماندگان بادیه نشین به زودی به تو خواهند گفت اموال ما و کسانمان ما را گرفتار کردند برای ما آموزش بخواه. چیزی را که در دلهایشان نیست بر زبان خویش می رانند. بگو اگر خدا بخواهد به شما زبانی یا سودی برساند چه کسی در برابر او برای شما اختیار چیزی را دارد بلکه خداست که به آنچه می کنید همواره آگاه است. بلکه پنداشتید که پیامبر و مؤمنان هرگز به خانمان خود بر نخواهند گشت و این در دلهایتان نمودی خوش یافت و گمان بد کردید و شما مردمی در خور هلاکت بودید.

چون به گرفتن غنایم روانه شدید به زودی برجای ماندگان خواهند گفت بگذارید ما به دنبال شما بیاییم ، می خواهند دستور خدا را دگرگون کنند. بگو هرگز از پی ما نخواهید آمد آری خدا از پیش در باره شما چنین فرموده. پس به زودی خواهند گفت: بلکه بر ما رشک می برید. بلکه جز اندکی در نمی یابند.

به برجای ماندگان بادیه نشین بگو به زودی به سوی قومی سخت زورمند دعوت خواهید شد که با آنان بجنگید یا اسلام آورند پس اگر فرمان برید خدا شما را پاداش نیک می بخشد و اگر همچنان که پیشتر پشت کردید روی بگردانید شما را به عذابی پردرد معذب می دارد.

به راستی خدا هنگامی که مؤمنان زیر آن درخت با تو بیعت می کردند از آنان خشنود شد و آنچه در دلهایشان بود باز شناخت و بر آنان آرامش فرو فرستاد و پیروزی نزدیکی به آنها پاداش داد. و غنیمت‌های فراوانی خواهند گرفت. و خدا به شما غنیمت‌های فراوان وعده داده که به زودی آنها را خواهید گرفت و این را برای شما پیش انداخت و دست‌های مردم را از شما کوتاه ساخت و تا برای مؤمنان نشانه‌ای باشد و شما را به راه راست هدایت کند. و غنیمت‌های دیگر که شما بر آنها دست نیافته‌اید، خدا بر آنها نیک احاطه دارد و همواره خداوند بر هر چیزی تواناست.

و اگر کسانی که کافر شدند به جنگ با شما برخیزند قطعاً پشت خواهند کرد و دیگر یار و یابوری نخواهند یافت. سنت الهی از پیش همین بوده و در سنت الهی هرگز تغییری نخواهی یافت. و اوست همان کسی که در دل مکه پس از پیروز کردن شما بر آنان دست‌های آنها را از شما و دست‌های شما را از ایشان کوتاه گردانید و خدا به آنچه می‌کنید همواره بیناست. آنها بودند که کفر ورزیدند و شما را از مسجد الحرام بازداشتند و نگذاشتند قربانی که باز داشته شده بود به محلش برسد و اگر مردان و زنان با ایمانی نبودند که بی‌آنکه آنان را بشناسید ندانسته پیمالشان کنید و تاوانشان بر شما بماند فرمان حمله به مکه می‌دادیم تا خدا هر که را بخواهد در جوار رحمت خویش درآورد. **اگر کافر و مؤمن از هم متمایز می‌شدند قطعاً کافران را به عذاب دردناکی معذب می‌داشتیم.**

آنگاه که کافران در دل‌های خود، تعصب آن هم تعصب جاهلیت ورزیدند پس خدا آرامش خود را بر فرستاده خویش و بر مؤمنان فرو فرستاد و آرمان تقوا را ملازم آنان ساخت و آنان به آن سزاوارتر و شایسته آن بودند و خدا همواره بر هر چیزی داناست. حقا خدا رؤیای پیامبر خود را تحقق بخشید، شما بدون شک به خواست خدا در حالی که سر تراشیده و موی کوتاه کرده‌اید با خاطری آسوده در مسجد الحرام درخواهید آمد. خدا آنچه را که نمی‌دانستید دانست و غیر از این پیروزی نزدیکی قرار داد. اوست کسی که پیامبر خود را به هدایت با آیین درست روانه ساخت تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند و گواه‌بودن خدا کفایت می‌کند.

حضرت محمد (ص) پیامبر خداست و کسانی که با اویند بر کافران سختگیر و با همدیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود می‌بینی فضل و خشنودی خدا را خواستارند علامت آنان بر اثر سجود در چهره‌هایشان است این صفت ایشان است. در تورات و مثل آنها در انجیل چون کشته‌ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا سبزر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد تا از آنان کافران را به خشم دراندازد. خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده‌است.

ایمان نیاورده‌اید لیکن بگوئید اسلام آوردیم و هنوز در دلهای شما ایمان داخل نشده است (۴۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید در برابر خدا و پیامبرش پیشی مجوئید و از خدا پروا ندارید که خدا شنوای داناست.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر مکنید و همچنانکه بعضی از شما با بعضی دیگر بلند سخن می‌گوئید با او به صدای بلند سخن مگوئید مبدا بی‌آنکه بدانید کرده‌هایتان تباه شود. کسانی که پیش پیامبر خدا صدایشان را فرو می‌کشند همان کسانی که خدا دلهایشان را برای پرهیزگاری امتحان کرده است آنان را آمرزش و پاداشی بزرگ است.

کسانی که تو را از پشت اتاقها به فریاد می‌خوانند بیشترشان نمی‌فهمند. و اگر صبر کنند تا بر آنان درآیی مسلما برایشان بهتر است.

و بدانید که پیامبر خدا در میان شماست اگر در بسیاری از کارها از شما پیروی کند قطعا دچار زحمت می‌شوید لیکن خدا ایمان را برای شما دوست داشتنی گردانید و آن را در دلهای شما بیاراست و کفر و پلیدکاری و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند ساخت. آنان ره‌یافتگانند. بخششی از خدا و نعمتی از اوست.

بادیه‌نشینان گفتند: ایمان آوردیم. بگو ایمان نیاورده‌اید لیکن بگوئید اسلام آوردیم و هنوز در دلهای شما ایمان داخل نشده است و اگر خدا و پیامبر او را فرمان برید از کرده‌هایتان چیزی کم نمی‌کند. در حقیقت مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبر او گرویده و شک نیاورده و با مال و جانسان در راه خدا جهاد کرده‌اند اینانند که راستکردارند. بگو آیا خدا را از دین خود خبر می‌دهید و حال آنکه خدا آنچه را که در زمین است می‌داند و خدا به همه چیز داناست.

از اینکه اسلام آورده‌اند بر تو منت می‌نهند بگو بر من از اسلام آوردنتان منت مگذارید بلکه خداست که با هدایت کردن شما به ایمان بر شما منت می‌گذارد اگر راستگو باشید. خداست که نهفته آسمانها و زمین را می‌داند و خدا به آنچه می‌کنید بیناست.

ما به آنچه می‌گویند داناتریم و تو به زور وادارنده آنان نیستی (۵۰)

سوگند به قرآن باشکوه. بلکه از اینکه هشداردهنده‌ای از خودشان برایشان آمد در شگفت شدند و کافران گفتند این چیزی عجیب است آیا چون مردیم و خاک شدیم زنده می‌شویم؟ این بازگشتی بعید است. قطعاً دانسته‌ایم که زمین از اجسادشان فرو می‌کاهد و پیش ما کتاب ضبط کننده‌ای است. بلکه حقیقت را وقتی برایشان آمد دروغ خواندند و آنها در کاری سردرگم اند.

پیش از ایشان قوم نوح و اصحاب رس و ثمود و عاد و فرعون و برادران لوط و بیشه‌نشینان و قوم تبع به تکذیب پرداختند همگی فرستادگان را به دروغ گرفتند و تهدید واجب آمد. مگر از آفرینش نخستین به تنگ آمدیم بلکه آنها از خلق جدید در شبهه‌اند. و ما انسان را آفریده‌ایم و می‌دانیم که نفس او چه وسوسه‌ای به او می‌کند و ما از شاهرگ به او نزدیک‌تریم. آنگاه که دو دریافت کننده از راست و از چپ مراقب نشسته‌اند، هیچ سخنی را به لفظ در نمی‌آورد مگر اینکه مراقبی آماده نزد او آن را ضبط می‌کند. و چه بسا نسلی که پیش از ایشان هلاک کردیم که نیرومندتر از اینان بودند و در شهرها پرده زده بودند، مگر گریزگاهی بود.

و بر آنچه می‌گویند صبر کن و پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب به ستایش پروردگارت تسبیح گوی و پاره‌ای از شب، و به دنبال سجود او را تسبیح گوی.

ما به آنچه می‌گویند داناتریم و تو به زور وادارنده آنان نیستی پس به وسیله قرآن هر که را از تهدید می‌ترسد پند ده.

پس از آنان روی بگردان که تو در خور نکوهش نیستی (۵۱)

سوگند به پروردگار آسمان و زمین که واقعا او حق است همان گونه که خود شما سخن می‌گویید.

آیا خبر مهمانان ارجمند ابراهیم به تو رسید. چون بر او درآمدند پس سلام گفتند، گفت: سلام، مردمی ناشناسید. پس آهسته به سوی زنش رفت و گوساله‌ای فربه آورد. آن را به نزدیکشان برد، گفت: مگر نمی‌خورید! و از آنان احساس ترسی کرد. گفتند: مترس. و او را به پتری دانا مژده دادند. و زنش با فریادی سر رسید و بر چهره خود زد و گفت زنی پیر نازا. گفتند پروردگارت چنین فرموده است او خود حکیم داناست. ابراهیم گفت: ای فرستادگان ماموریت شما چیست؟ گفتند: ما به سوی مردمی پلید کار فرستاده شده‌ایم تا سنگهایی از گل رس بر آنان فرو فرستیم - نزد پروردگارت برای مسرفان نشان‌گذاری شده است. پس هر که از مؤمنان در آن بود بیرون بردیم. و در آنجا جز یک خانه از فرمانبران نیافتیم.

و در ماجرای موسی چون او را با حجتی آشکار به سوی فرعون گسیل داشتیم. پس با ارکان خود روی برتافت و گفت: ساحر یا دیوانه‌ای است. او و سپاهیان را گرفتیم و آنان را در دریا افکندیم در حالی که او نکوهشگر بود.

و در ماجرای عاد چون بر آنها آن باد مهلک را فرستادیم به هر چه می‌وزید آن را چون خاکستر استخوان مرده می‌گردانید.

و در ماجرای ثمود آنگاه که به ایشان گفته شد تا چندی برخوردار شوید. تا از فرمان پروردگار خود سر برتافتند و در حالی که آنها می‌نگریستند آذرخش آنان را فرو گرفت. در نتیجه نه توانستند به پای خیزند و نه طلب یاری کنند.

و قوم نوح پیش از آن، زیرا آنها مردمی نافرمان بودند.

پس به سوی خدا بگریزید که من شما را از طرف او بیم‌دهنده‌ای آشکارم. و با خدا معبودی دیگر قرار مدهید که من از جانب او هشداردهنده‌ای آشکارم. بدین سان بر کسانی که پیش از آنها بودند هیچ پیامبری نیامد جز اینکه گفتند ساحر یا دیوانه‌ای است. **پس از آنان روی بگردان که تو**

در خور نکوهش نیستی. و پند ده که مؤمنان را پند سود بخشد.

پس بگذارشان تا به آن روزی که در آن بیهوش می‌افتند برسند (۵۲)

اندرز ده که تو به لطف پروردگارت نه کاهنی و نه دیوانه. یا می‌گویند شاعری است که انتظار مرگش را می‌بریم. بگو منتظر باشید که من با شما از منتظرانم.

آیا پندارهایشان آنان را به این وا می‌دارد یا آنها مردمی سرکشند. یا می‌گویند آن را برافته. بلکه باور ندارند. پس اگر راست می‌گویند سخنی مثل آن بیاورند.

آیا از هیچ خلق شده‌اند یا آنکه خودشان خالق هستند؟

آیا آسمانها و زمین را خلق کرده‌اند؟ بلکه یقین ندارند.

آیا ذخایر پروردگار تو پیش آنهاست یا ایشان تسلط دارند؟

آیا نردبانی دارند که بر آن بشنوند؟ پس باید شنونده آنان برهانی آشکار بیاورد.

آیا از آنها مزدی مطالبه می‌کنی و آنان از تاوان گرانبارند؟

آیا غیب پیش آنهاست و آنها می‌نویسند؟

پس بگذارشان تا به آن روزی که در آن بیهوش می‌افتند برسند. و در برابر دستور پروردگارت شکیبایی پیشه کن که تو خود در حمایت مایی و هنگامی که بر می‌خیزی به نیایش پروردگارت تسبیح گوی. و پاره‌ای از شب و در فروشدن ستارگان تسبیح گوی او باش.

جز گمان و آنچه را که دلخواهشان است پیروی نمی کنند (۵۳)

سوگند به اختر چون فرود می آید. **یار شما نه گمراه شده و نه در نادانی مانده.** و از سر هوس سخن نمی گوید. سخن قرآن بجز وحیی که وحی می شود نیست. آن را شدیدالقوی به او فرا آموخت. نیرومندی که درایستاد. در حالی که او در افق اعلی بود سپس نزدیک آمد و نزدیکتر شد تا به قدر دو کمان یا نزدیکتر شد آنگاه به بنده اش آنچه را باید وحی کند وحی فرمود. آنچه را دل دید انکار نکرد.

آیا در آنچه دیده است با او جدال می کنید. و قطعا بار دیگری هم او را دیده است نزدیک سدرالمنتهی در همان جا که جنۃالماوی است. آنگاه که درخت سدر را آنچه پوشیده بود پوشیده بود. دیده منحرف نگشت و در نگذشت. به راستی که از آیات بزرگ پروردگار خود را بدید.

به من خبر دهید از لات و عزی و منات آن سومین دیگر. جز نامهایی بیش نیستند که شما و پدرانتان نامگذاری کرده اید. خدا بر آنها هیچ دلیلی نفرستاده است. **جز گمان و آنچه را که دلخواهشان است پیروی نمی کنند** با آنکه قطعا از جانب پروردگارشان هدایت برایشان آمده است. مگر انسان آنچه را آرزو کند دارد.

پس از هر کس که از یاد ما روی برتافته و جز زندگی دنیا را خواستار نبوده است روی برتاب. آیا آن کسی را که روی برتافت دیدی و اندکی بخشید و امتناع ورزید. آیا علم غیب پیش اوست و او می بیند یا بدانچه در صحیفه های موسی آمده خبر نیافته است. و همان ابراهیمی که وفا کرد.

و هم اوست که عادیان قدیم را هلاک کرد و ثمود را، و باقی نگذاشت. و پیشتر قوم نوح را زیرا که آنان ستمگرت و سرکش تر بودند و شهرها را فرو افکند. پوشاند بر آن آنچه را پوشاند. پس به کدام یک از نعمتهای پروردگارت تردید روا می داری. این بیم دهنده ای از بیم دهندگان نخستین است. نزدیک گشت قیامت.

آیا از سخن قرآن عجب دارید و می خندید و نمی گیرید. و شما در غفلتید.

هشدارها سود نکرد پس از آنان روی برتاب (۵۴)

نزدیک شد قیامت و از هم شکافت ماه ، و هر گاه نشانه‌ای ببینند روی بگردانند و گویند سحری داریم است. و به تکذیب دست زدند و هوسهای خویش را دنبال کردند و هر کاری را قراری است. و قطعا از اخبار آنچه در آن مایه انزجار است به ایشان رسید - حکمت بالغه - ولی هشدارها سود نکرد پس از آنان روی برتاب.

پیش از آنان قوم نوح به تکذیب پرداختند و بنده ما را دروغزن خواندند و گفتند دیوانه‌ای است و آزار کشید. تا پروردگارش را خواند که من مغلوب شدم به داد من برس. پس درهای آسمان را به آبی ریزان گشودیم. و از زمین چشمه‌ها جوشانیدیم تا آب برای امری که مقدر شده بود به هم پیوستند و او را بر تخته‌دار و میخ آجین سوار کردیم. زیر نظر ما روان بود. پاداش کسی بود که مورد انکار واقع شده بود. و به راستی آن را بر جای نهادیم ، عبرتی ، پس آیا پندگیرنده‌ای هست. پس چگونه بود عذاب من و هشدارها ، و قطعا قرآن را برای پندآموزی آسان کرده‌ایم ، پس آیا پندگیرنده‌ای هست.

عادیان به تکذیب پرداختند پس چگونه بود عذاب من و هشدارها. ما بر آنان در روز شومی به طور مداوم تندبادی توفنده فرستادیم ، مردم را از جا می‌کند گویی تنه‌های نخلی بودند که ریشه کن شده بودند.

قوم ثمود هشداردهندگان را تکذیب کردند و گفتند آیا تنها بشری از خودمان را پیروی کنیم در این صورت ما واقعا در گمراهی و جنون خواهیم بود. آیا از میان ما بر او القا شده است. بلکه او دروغگویی گستاخ است. به زودی فردا بدانند دروغگوی گستاخ کیست. ما برای آزمایش آنان ماده‌شتر را فرستادیم ؛ و مراقب آنان باش و شکیبایی کن و به آنان خبر ده که آب میانشان بخش شده‌است هر کدام را آب به نوبت خواهد بود. پس رفیقشان را صدا کردند و شمشیر کشید و پی کرد. ما بر ایشان یک فریاد فرستادیم و چون گیاه خشکیده ریزرز شدند.

قوم لوط هشداردهندگان را تکذیب کردند. ما بر آنان سنگبارانی فروفرستادیم. فقط خانواده لوط بودند که سحرگاهشان رهانیدیم. رحمتی از جانب ما بود. و آنها را از عذاب

ما سخت بیم داده بود و در تهدیدها به جدال برخاستند و از مهمان او کام دل خواستند پس فروغ دیدگان‌شان را ستردیم. و به راستی که سپیده دم عذابی پیگیر به سر وقت آنان آمد. و در حقیقت هشداردهندگان به جانب فرعونیان آمدند. همه معجزات ما را تکذیب کردند تا چون زبردستی زورمند آنان را گرفتیم. آیا کافران شما از اینان برترند یا شما را در نوشته‌ها خط امانی است؟ و هم مسلکان شما را سخت به هلاکت رساندیم پس آیا پندگیرنده‌ای هست. و هر چه کرده‌اند در کتابها است. و هر خرد و بزرگی نوشته شده.

شیطان بر آنان چیره شده و خدا را از یادشان برده است (۵۸)

خدا گفتار را که در باره شوهرش با تو گفتگو و به خدا شکایت می کرد شنید و خدا گفتگوی شما را می شنود زیرا خدا شنوای بیناست.

آیا ندانسته‌ای که خدا آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است می داند هیچ گفتگوی محرمانه‌ای میان سه تن نیست مگر اینکه او چهارمین آنهاست و نه میان پنج تن مگر اینکه او ششمین آنهاست و نه کمتر از این و نه بیشتر مگر اینکه هر کجا باشند او با آنهاست آنگاه روز قیامت آنان را به آنچه کرده‌اند آگاه خواهد گردانید زیرا خدا به هر چیزی داناست.

آیا کسانی را که از نجوا منع شده بودند ندیدی که باز بدانچه از آن منع گردیده‌اند برمی گردند و با همدیگر به گناه و تعدی و سرپیچی از پیامبر محرمانه گفتگو می کنند و چون به نزد تو آیند تو را بدانچه خدا به آن سلام نگفته سلام می دهند و در دلهای خود می گویند چرا به آنچه می گوئیم خدا ما را عذاب نمی کند جهنم برای آنان کافی است در آن درمی آیند و چه بد سرانجامی است.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید هرگاه با پیامبر گفتگوی محرمانه می کنید پیش از گفتگوی محرمانه خود صدقه‌ای تقدیم بدارید این برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است و اگر چیزی نیافتید بدانید که خدا آمرزنده مهربان است.

آیا ندیده‌ای کسانی را که قومی را که مورد خشم خداوند به دوستی گرفته‌اند آنها نه از شمايند و نه از ایشان و به دروغ سوگند یاد می کنند و خودشان می دانند. خدا برای آنان عذابی سخت آماده کرده است راستی که چه بد می کردند. سوگندهای خود را سپری قرار داده بودند و از راه خدا بازداشتند و برای آنان عذابی خفت آور است. در برابر خداوند نه از اموالشان و نه از اولادشان هرگز کاری ساخته نیست آنها دوزخی‌اند ، در آن جاودانه. **شیطان بر آنان چیره شده و خدا را از یادشان برده است.** آنان حزب شیطانند آگاه باش که حزب شیطان همان زیانکارانند. خدا مقرر کرده است که حتما من و فرستادگانم چیره خواهیم گردید.

قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند ، کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده‌اند - هر چند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا عشیره آنان باشند - دوست بدارند. در دل اینهاست که ایمان را نوشته و آنها را با روحی از جانب خود تایید کرده است. و آنان را به بهشت‌هایی که از زیر آن جوی‌هایی روان است در می‌آورد همیشه در آنجا ماندگارند. خدا از ایشان خوشنود و آنها از او خوشنودند اینانند حزب خدا آری حزب خداست که رستگارانند.

آنان را متحد می‌پنداری ولی دل‌هایشان پراکنده است (۵۹)

آنچه در آسمانها و در زمین است تسبیح‌گوی خدای هستند و اوست شکست‌ناپذیر سنجیده‌کار. اوست کسی که از میان اهل کتاب کسانی را که کفر ورزیدند در نخستین اخراج از مدینه بیرون کرد گمان نمی‌کردید که بیرون روند و خودشان گمان داشتند که دژهایشان در برابر خدا مانع آنها خواهد بود و خدا از آنجایی که تصور نمی‌کردند بر آنان درآمد و در دل‌هایشان بیم افکند. خود به دست خود و دست مؤمنان خانه‌های خود را خراب می‌کردند. این برای آن بود که آنها با خدا و پیامبرش در افتادند و هر کس با خدا درافتد، خدا سخت کیفر است.

آنچه خدا از ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش گردانید از آن خدا و از آن پیامبر و متعلق به خویشاوندان نزدیک و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان است تا میان توانگران شما دست به دست نگردد و آنچه را فرستاده به شما داد آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت بازایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت کیفر است. اختصاص به بینوایان مهاجری دارد که از دیارشان و اموالشان رانده شدند - خواستار فضل خدا و خشنودی می‌باشند و خدا و پیامبرش را یاری می‌کنند.

مگر کسانی را که به نفاق برخاستند ندیدی که به برادران اهل کتاب خود که از در کفر درآمده بودند می‌گفتند اگر اخراج شدید حتماً با شما بیرون خواهیم آمد و بر علیه شما هرگز از کسی فرمان نخواهیم برد و اگر با شما جنگیدند حتماً شما را یاری خواهیم کرد و خدا گواهی می‌دهد که قطعاً آنان دروغ‌گویانند. اگر اخراج شوند آنها با ایشان بیرون نخواهند رفت و اگر با آنان جنگیده شود آنها را یاری نخواهند کرد و اگر یاریشان کنند حتماً پشت خواهند کرد و یاری نیابند. شما قطعاً در دل‌های آنان بیش از خدا مایه هراسید چرا که آنان مردمانی‌اند که نمی‌فهمند. دسته جمعی جز در قریه‌هایی که دارای استحکاماتند یا از پشت دیوارها با شما نخواهند جنگید. جنگشان میان خودشان سخت است **آنان را متحد می‌پنداری ولی دل‌هایشان پراکنده است** زیرا آنان مردمانی‌اند که نمی‌اندیشند. درست مانند همان کسانی که اخیراً سزای کار خود را چشیدند و آنان را عذاب دردناکی

خواهد بود. چون حکایت شیطان که به انسان گفت کافر شو و چون کافر شد گفت من از تو بیزارم زیرا من از خدا پروردگار جهانیان می ترسم.

اگر قرآن را بر کوهی فرو می فرستادیم یقیناً آن را از بیم خدا فروتن ، از هم پاشیده می دیدی و این مثلها را برای مردم می زنیم باشد که آنان بیندیشند.

قطعا به آن حقیقت که برای شما آمده کافرند (۶۰)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی برگیرید که با آنها اظهار دوستی کنید و حال آنکه **قطعا به آن حقیقت که برای شما آمده کافرند**. پیامبر و شما را بیرون می‌کنند که به خدا پروردگارتان ایمان آورده‌اید. اگر برای جهاد در راه من و طلب خشنودی من بیرون آمده‌اید پنهانی با آنان رابطه دوستی برقرار می‌کنید در حالی که من به آنچه پنهان داشتید و آنچه آشکار نمودید داناتریم و هر کس از شما چنین کند قطعا از راه درست منحرف گردیده است. اگر بر شما دست یابند دشمن شما باشند و بر شما به بدی دست و زبان بگشایند و آرزو دارند که کافر شوید.

قطعا برای شما در ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست آنگاه که به قوم خود گفتند ما از شما و از آنچه به جای خدا می‌پرستید بیزاریم به شما کفر می‌ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید. جز سخن ابراهیم به پدر خود: حتما برای تو آمرزش خواهم خواست با آنکه در برابر خدا اختیار چیزی را برای تو ندارم. ای پروردگار ما بر تو اعتماد کردیم و به سوی تو بازگشتیم و فرجام به سوی توست. پروردگارا ما را وسیله آزمایش برای کسانی که کفر ورزیده‌اند مگردان و بر ما ببخشای که تو خود توانای سنجیده‌کاری.

امید است که خدا میان شما و میان کسانی از آنان که دشمن داشتید دوستی برقرار کند. خدا شما را از کسانی که در دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد. فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز می‌دارد که در دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون رانده و در بیرون‌راندنتان با یکدیگر همپشتی کرده‌اند و هر کس آنان را به دوستی گیرد آنان همان ستمگرانند.

ای پیامبر چون زنان باایمان نزد تو آیند که با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند و بچه‌های حرامزاده پیش دست

و پای خود را با بهتان به شوهر نبندند و در نیک از تو نافرمانی نکنند با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه زیرا خداوند آمرزنده مهربان است.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید مردمی را که خدا بر آنان خشم رانده به دوستی مگیرید آنها واقعا از آخرت سلب امید کرده‌اند همان گونه که کافران اهل گور قطع امید نموده‌اند.

چه زشت است وصف آن قومی که آیات خدا را به دروغ گرفتند (۶۲)

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است خدایی را که پادشاه پاک ارجمند فرزانه است تسبیح می گویند. اوست آن کس که در میان بی سوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. و دیگر از ایشان که هنوز به آنها نپیوسته اند. این فضل خداست آن را به هر که بخواهد عطا می کند و خدا دارای فضل بسیار است.

مثل کسانی که تورات بر آنان بار شد آنگاه آن را به کار نبستند همچون مثل خری است که کتابهایی را بر پشت می کشد ، **چه زشت است وصف آن قومی که آیات خدا را به دروغ گرفتند** و خدا مردم ستمگر را راه نمی نماید.

بگو ای کسانی که یهودی شده اید اگر پندارید که شما دوستان خدایید نه مردم دیگر پس اگر راست می گوئید درخواست مرگ کنید. و هرگز آن را به سبب آنچه از پیش به دست خویش کرده اند آرزو نخواهند کرد و خدا به ستمگران داناست.

بگو آن مرگی که از آن می گریزید قطعاً به سر وقت شما می آید آنگاه به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانیده خواهید شد و به آنچه می کردید آگاهتان خواهد کرد.

چون آنان را ببینی هیکلهایشان تو را به تعجب وا می دارد (۶۳)

چون منافقان نزد تو آیند گویند گواهی می دهیم که تو واقعا پیامبر خدایی و خدا می داند که تو واقعا پیامبر او هستی و خدا گواهی می دهد که مردم دوچهره سخت دروغگویند. سوگندهای خود را سپری بر خود گرفته و از راه خدا بازداشته اند. راستی که آنان چه بد می کنند. این بدان سبب است که آنان ایمان آورده سپس به انکار پرداخته اند و در نتیجه بر دلهایشان مهر زده شده و نمی فهمند.

و چون آنان را ببینی هیکلهایشان تو را به تعجب وا می دارد و چون سخن گویند به گفتارشان گوش فرا می دهی گویی آنان شمعک هایی پشت بر دیوارند ، هر فریادی را به زیان خویش می پندارند خودشان دشمنند از آنان بهره یز خدا بکشندشان تا کجا انحراف یافته اند. و چون بدیشان گفته شود بیایید تا پیامبر خدا برای شما آموزش بخواهد سرهای خود را بر می گردانند و آنان را می بینی که تکبرکنان روی برمی تابند.

برای آنان یکسان است چه برایشان آموزش بخواهی یا برایشان آموزش نخواهی خدا هرگز بر ایشان نخواهد بخشود خدا فاسقان را راهنمایی نمی کند. آنان کسانی اند که می گویند به کسانی که نزد پیامبر خداوند انفاق مکنید تا پراکنده شوند و حال آنکه گنجینه های آسمانها و زمین از آن خداست ولی منافقان در نمی یابند. می گویند اگر به مدینه برگردیم قطعا آنکه عزتمندتر است آن زبون تر را از آنجا بیرون خواهد کرد و عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است لیکن این دورویان نمی دانند.

ای پیامبر چرا برای خشنودی همسرانت آنچه را خدا برای تو حلال گردانیده حرام می کنی (۶۶)

خدا آمرزنده مهربان است. قطعاً خدا برای شما گشودن سوگندهایتان را مقرر داشته است و خدا سرپرست شماست و اوست دانای حکیم. و چون پیامبر با یکی از همسرانش سخنی نهانی گفت و همین که وی آن را به زن دیگر گزارش داد و خدا پیامبر را بر آن مطلع گردانید، پیامبر بخشی از آن را اظهار کرد و از بخشی دیگر اعراض نمود پس چون مطلب را به آن زن خبر داد وی گفت چه کسی این را به تو خبر داده گفت مرا آن دانای آگاه خبر داده است.

اگر شما دو زن به درگاه خدا توبه کنید بهتر است. واقعاً دلہایتان انحراف پیدا کرده است و اگر علیه او به یکدیگر کمک کنید در حقیقت خدا خود سرپرست اوست و جبرئیل و صالح مؤمنان نیز یاور اویند. و گذشته از این فرشتگان پشتیبان خواهند بود. اگر پیامبر شما را طلاق گوید امید است پروردگارش همسرانی بهتر از شما مسلمان، مؤمن، فرمانبر، توبه کار، عابد، روزه دار، بیوه و دوشیزه به او عوض دهد.

خدا برای کسانی که کفر ورزیده اند آن نوح و آن لوط را مثل آورده؛ هر دو در نکاح دو بنده از بندگان شایسته ما بودند و به آنها خیانت کردند و کاری از دست شوهران آنها در برابر خدا ساخته نبود و گفته شد با داخل شوندگان داخل آتش شوید. و برای کسانی که ایمان آورده اند خدا همسر فرعون را مثل آورده آنگاه که گفت پروردگارا پیش خود در بهشت خانه ای برایم بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات ده و مرا از دست مردم ستمگر برهان. و مریم دخت عمران را همان کسی که خود را پاکدامن نگاه داشت و در او از روح خود دمیدیم و سخنان پروردگار خود و کتابهای او را تصدیق کرد و از فرمانبرداران بود.

در حکم پروردگارت شکیبایی ورز و مانند همدم ماهی مباح (۶۸)

سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند. تو به لطف پروردگارت دیوانه نیستی و بی‌گمان تو را پاداشی بی‌منت خواهد بود. و راستی که تو را خوبی والاست. به زودی خواهی دید و خواهند دید که کدام یک از شما دستخوش جنونید. پروردگارت خود بهتر می‌داند چه کسی از راه او منحرف شده و او به راه یافتگان داناتر است. پس از دروغ‌زنان فرمان مبر. دوست دارند که نرمی کنی تا نرمی نمایند. و از هر قسم خورنده فرومایه‌ای فرمان مبر.

عیب‌جوست و برای خبرچینی گام برمی‌دارد. گستاخ و گذشته از آن زنازاده است. به صرف اینکه مالدار و پسر دار است چون آیات ما بر او خوانده شود گوید افسانه‌های پیشینیان است. زودا که بر بینی‌اش داغ نهیم و رسوایش کنیم. ما آنان را همان گونه که باغداران را آزمودیم مورد آزمایش قرار دادیم ... (داستان باغداران)

پس مرا با کسی که این گفتار را تکذیب می‌کند واگذار به تدریج آنان را به گونه‌ای که در نیابند خواهیم گرفت و مهلتشان می‌دهم زیرا تدبیر من استوار است.

آیا از آنان مزدی درخواست می‌کنی و آنان خود را زیر بار تاوان گرانبار می‌یابند. یا غیب پیش آنهاست و آنها می‌نویسند. پس در حکم پروردگارت شکیبایی ورز و مانند همدم ماهی مباح آنگاه که اندوه زده ندا درداد. اگر لطفی از جانب پروردگارش تدارک او نمی‌کرد قطعا نکوهش شده بر زمین خشک انداخته می‌شد. پس پروردگارش وی را برگزید و از شایستگانش گردانید.

و آنان که کافر شدند چون قرآن را شنیدند چیزی نمانده بود که تو را چشم بزنند و می‌گفتند او واقعا دیوانه‌ای است. و حال آنکه قرآن جز تذکارتی برای جهانیان نیست.

قرآن بی شبهه حقیقتی یقینی است (۶۹)

*: سو گند یاد می کنم به آنچه می بینید و آنچه نمی بینید که قرآن قطعا گفتار فرستاده ای بزرگوار است. و آن گفتار شاعری نیست ، کمتر ایمان دارید. و نه گفتار کاهنی ، کمتر پند می گیرید. فرود آمده ای است از جانب پروردگار جهانیان. و اگر پاره ای گفته ها بر ما بسته بود دست راستش را سخت می گرفتیم سپس رگ قلبش را پاره می کردیم و هیچ یک از شما مانع از او نمی شد.

و در حقیقت قرآن تذکاری برای پرهیزگاران است. و ما به راستی می دانیم که از شما تکذیب کنندگانی هستند. و آن واقعا بر کافران حسرتی است. و قرآن بی شبهه حقیقتی یقینی است. پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی.

پروردگارم دانای نهان است و کسی را بر غیب خود آگاه نمی کند (۷۲)

بگو به من وحی شده است که تنی چند از جنیان گوش فرا داشتند و گفتند راستی ما قرآنی شگفت آور شنیدیم. به راه راست هدایت می کند پس به آن ایمان آوردیم و هرگز کسی را شریک پروردگارمان قرار نخواهیم داد. و اینکه او پروردگار والای ما همسر و فرزندی اختیار نکرده است. و آنکه کم خرد ما در باره خدا سخنانی یاوه می سراید. و ما پنداشته بودیم که انس و جن هرگز به خدا دروغ نمی بندند. و مردانی از آدمیان به مردانی از جن پناه می بردند و بر سرکشی آنها می افزودند. و آنها آن گونه که پنداشته اید گمان بردند که خدا هرگز کسی را زنده نخواهد گردانید. و ما بر آسمان دست یافتیم و آن را پر از نگهبانان توانا و تیرهای شهاب یافتیم. و در آسمان برای شنیدن به کمین می نشستیم، اکنون هر که بخواهد به گوش باشد تیر شهابی در کمین خود می یابد. و ما نمی دانیم که آیا برای کسانی که در زمین بدی خواسته شده یا پروردگارشان برایشان هدایت خواسته است. و از میان ما برخی درستکارند و برخی غیر آن و ما فرقه هایی گوناگونیم. و ما می دانیم که هرگز نمی توانیم در زمین خدای را به ستوه آوریم و هرگز او را با گریز درمانده نتوانیم کرد. و ما چون هدایت را شنیدیم بدان گرویدیم پس کسی که به پروردگار خود ایمان آورد از کمی و سختی بیم ندارد. و از میان ما برخی فرمانبردار و برخی از ما منحرفند پس کسانی که به فرمانند آنان در جستجوی راه درستند.

بگو من تنها پروردگار خود را می خوانم و کسی را با او شریک نمی گردانم.

بگو من برای شما اختیار زیان و هدایتی را ندارم.

بگو هرگز کسی مرا در برابر خدا پناه نمی دهد و هرگز پناهگاهی غیر از او نمی یابم. تنها ابلاغی از خدا و پیامهای اوست و هر کس خدا و پیامبرش را نافرمانی کند قطعاً آتش دوزخ برای اوست و جاودانه در آن خواهند ماند. تا آنچه را وعده داده می شوند ببینند آنگاه دریابند که یاور چه کسی ضعیف تر و کدام یک شماره اش کمتر است.

بگو نمی دانم آنچه را که وعده داده شده اید نزدیک است یا پروردگارم برای آن زمانی نهاده است. **دانای نهان است و کسی را بر غیب خود آگاه نمی کند.** جز پیامبری را که از او

خشنود باشد که برای او از پیش رو و از پشت سرش نگاهبانانی بر خواهد گماشت تا معلوم
بدارد که پیامهای پروردگار خود را رسانیده‌اند و بدانچه نزد ایشان است احاطه دارد و هر
چیزی را به عدد شماره کرده است.

بر آنچه می‌گویند شکبیا باش و از آنان با دوری گزیدنی خوش فاصله بگیر (۷۳)

ای جامه به خویشتن فرو پیچیده به پا خیز شب را مگر اندکی. نیمی از شب یا اندکی از آن را بکاه یا بر آن بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان. در حقیقت ما به زودی بر تو گفتاری گرانبار القا می‌کنیم. قطعاً برخاستن شب رنجش بیشتر و گفتار راستین‌تر است. تو را در روز آمد و شدی دراز است. و نام پروردگار خود را یاد کن و تنها به او بپرداز. پروردگار خاور و باختر خدایی جز او نیست پس او را کارساز خویش اختیار کن. و **بر آنچه می‌گویند شکبیا باش و از آنان با دوری گزیدنی خوش فاصله بگیر.** و مرا با تکذیب‌کنندگان توانگر واگذار و اندکی مهلتشان ده.

در حقیقت پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از کسانی که با تواند نزدیک به دو سوم از شب یا نصف آن یا یک سوم آن را برمی‌خیزید و خداست که شب و روز را اندازه‌گیری می‌کند، می‌داند که هرگز حساب آن را ندارید. پس بر شما ببخشد، هر چه از قرآن میسر می‌شود بخوانید، می‌داند که به زودی در میانتان بیمارانی خواهند بود و عده‌ای دیگر در زمین سفر می‌کنند و در پی روزی خدا هستند و گروهی دیگر در راه خدا پیکار می‌نمایند. پس هر چه از قرآن میسر شد تلاوت کنید و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و وام نیکو به خدا دهید و هر کار خوبی برای خویش از پیش فرستید آن را نزد خدا بهتر و با پاداشی بیشتر باز خواهید یافت و از خدا طلب آموزش کنید که خدا آمرزنده مهربان است.

هیچ کس پند نمی گیرد مگر اینکه خدا بخواهد (۷۴)

ای کشیده ردای شب بر سر برخیز و بترسان و پروردگار خود را بزرگ دار و لباس خویش را پاک کن و از پلیدی دور شو و منت مگذار و فزونی مطلب و برای پروردگارت شکیبایی کن.

مرا با آنکه او را تنها آفریدم واگذار و دارایی بسیار به او بخشیدم و پسرانی آماده ، و برایش عیش خوش آماده کردم. باز طمع دارد که بیفزایم. ولی نه زیرا او دشمن آیات ما بود. به زودی او را به بالارفتن از گردنه وادار می کنم.

آری آن دشمن حق اندیشید و سنجید - کشته بادا چگونه سنجید ، کشته بادا چگونه سنجید - آنگاه نظر انداخت سپس رو ترش نمود و چهره در هم کشید آنگاه پشت گردانید و تکبر ورزید و گفت قرآن جز سحری که آموخته اند نیست. قرآن غیر از سخن بشر نیست. نه چنین است که می پندارند ؛ سوگند به ماه ، و سوگند به شامگاه چون پشت کند و سوگند به بامداد چون آشکار شود که آیات قرآن از پدیده های بزرگ است. بشر را هشداردهنده است. پس به کدامین سخن پس از قرآن ایمان می آورند.

چنین نیست که آنان می گویند بلکه آنها از آخرت نمی ترسند. چنین نیست که آنها می گویند آن قرآن یک تذکر و یادآوری است. **هر کس بخواهد از آن پند می گیرد. و هیچ کس پند نمی گیرد مگر اینکه خدا بخواهد** او اهل تقوا و اهل آموزش است.

زبان را بخاطر عجله برای خواندن قرآن حرکت مده چرا که جمع کردن و خواندن آن بر عهده ماست. پس هر گاه آن را خواندیم از خواندن آن پیروی کن ، سپس بیان و توضیح آن نیز بر عهده ماست.

در حقیقت ما قرآن را بر تو به تدریج فرو فرستادیم پس در برابر فرمان پروردگارت شکیبایی کن و از آنان گناهکار یا ناسپاسگزار را فرمان مبر و نام پروردگارت را بامدادان و شامگاهان یاد کن و بخشی از شب را در برابر او سجده کن و شب دراز او را به پاکی بستی.

در باره رستاخیز از تو می پرسند که فرارسیدنش چه وقت است. تو را چه به گفتگو در آن ، علم آن با پروردگار تو است. تو فقط کسی را که از آن می ترسد هشدار می دهی.

تو چه دانی شاید او به پاکی گراید یا پند پذیرد و اندرز سودش دهد (۸۰)

:چهره در هم کشید و روی گردانید که آن مرد نابینا پیش او آمد.

و تو چه دانی شاید او به پاکی گراید یا پند پذیرد و اندرز سودش دهد. اما آن کس که خود را بی نیاز می پندارد تو بدو می پردازی با آنکه اگر پاک نگردد بر تو نیست. و اما آن کس که شتابان پیش تو آمد در حالی که می ترسید. تو از او به دیگران می پردازی. زنهار قرآن پندی است تا هر که خواهد از آن پند گیرد. در صحیفه هایی ارجمند، والا و پاک شده به دست فرشتگانی ارجمند و نیکوکار. کشته باد انسان چه ناسپاس است. سوگند به شب چون پشت گرداند، سوگند به صبح چون دمیدن گیرد که قرآن سخن فرشته بزرگواری است. و رفیق شما مجنون نیست و قطعا آن را در افق رخشان دیده. و او در امر غیب بخیل نیست. و قرآن نیست سخن دیو رجیم.

پس به کجا می روید؟ قرآن بجز پندی برای عالمیان نیست. برای هر یک از شما که خواهد به راه راست رود. و تا خدا پروردگار جهانها نخواهد، نخواهید خواست. آیا حدیث سپاهیان فرعون و ثمود بر تو آمد. بلکه آنان که کافر شده اند در تکذیب اند. با آنکه خدا از هر سو بر ایشان محیط است. آری آن قرآنی ارجمند است. که در لوحی محفوظ است.

سوگند به آسمان بارش انگیز، سوگند به زمین شکافدار؛ در حقیقت قرآن گفتاری قاطع و روشنگر است و آن شوخی نیست. آنان دست به نیرنگ می زنند و دست به نیرنگ می زنم. پس کافران را مهلت ده و کمی آنان را به حال خود واگذار.

ما بزودی بر تو خواهیم خواند تا فراموش نکنی. جز آنچه خدا خواهد که او آشکار و آنچه را که نهان است می داند. و برای تو آسانترین را فراهم می گردانیم. پس پند ده اگر پند سود بخشد. آن کس که ترسد بزودی عبرت گیرد. و نگون بخت خود را از آن دور می دارد. پس تذکر ده که تو تنها تذکر دهنده ای. بر آنان تسلطی نداری. مگر کسی که روی بگرداند و کفر ورزد که خدا او را به آن عذاب بزرگتر عذاب کند. در حقیقت بازگشت آنان به سوی ماست. آنگاه حساب آنان به عهده ماست.

پروردگارت تو را وانگذاشته و دشمن نداشته است (۸۹)

مگر ندانسته‌ای که پروردگارت با عاد چه کرد با عمارات ستون‌دار ارم که ماندش در شهرها ساخته نشده بود. و با ثمود همانان که در دره تخته سنگها را می‌بریدند. و با فرعون صاحب خرگاه‌ها همانان که در شهرها سر به طغیان برداشتند و در آنها بسیار تبهکاری کردند. پروردگارت بر سر آنان تازیانه عذاب را فرونواخت زیرا پروردگار تو سخت در کمین است.

سوگند به این شهر، و حال آنکه تو در این شهر جای داری. ثمود به سبب طغیان خود به تکذیب پرداختند آنگاه که شقی‌ترینشان برخاست. پس فرستاده خدا به آنان گفت زنهار ماده‌شتر خدا و آب‌خوردنش را. و دروغ‌زنش خواندند و آن را پی کردند و پروردگارشان به گناهشان بر سرشان عذاب آورد و آنان را با خاک یکسان کرد. و از پیامد کار خویش بیمی به خود راه نداد. مگر ندیدی پروردگارت با پیلداران چه کرد. آیا نیرنگشان را بر باد نداد. و بر سر آنها دسته دسته پرندگان ابا بیل فرستاد - بر آنان سنگهایی از گل می‌افکندند و آنان را مانند کاه جویده شده گردانید.

پروردگارت تو را وانگذاشته و دشمن نداشته است. و قطعاً آخرت برای تو از دنیا نیکوتر خواهد بود. و بزودی پروردگارت تو را عطا خواهد داد تا خرسند گردی. مگر نه تو را یتیم یافت پس پناه داد و تو را سرگشته یافت پس هدایت کرد و تو را تنگدست یافت و بی‌نیاز گردانید. و اما تو نیز به پاس نعمت ما یتیم را میازار و گدا را مران و از نعمت پروردگار خویش سخن گوی.

آیا برای تو سینه‌ات را نگشاده‌ایم و بار گران را از تو برنداشتیم، که پشت تو را شکست و نامت را برای تو بلند گردانیدیم. پس با دشواری آسانی است. آری با دشواری آسانی است. پس چون فراغت یافتی به طاعت درکوش و با اشتیاق به سوی پروردگارت روی آور.

چون یاری خدا و پیروزی فرا رسد و ببینی که مردم دسته‌دسته در دین خدا درآیند (۹۶)

بخوان به نام پروردگارت که آفرید. انسان را از علق آفرید.
بخوان و پروردگار تو کریمترین کریمان است. همان کس که به وسیله قلم آموخت.
آنچه را که انسان نمی‌دانست آموخت. حقا که انسان سرکشی می‌کند همین که خود را
بی‌نیاز پندارد. در حقیقت بازگشت به سوی پروردگار توست.
آیا دیدی آن کس را که باز می‌داشت بنده‌ای را آنگاه که نماز می‌گزارد. چه پنداری
اگر او بر هدایت باشد. یا به پرهیزگاری وادارد. آیا چه پنداری اگر او به تکذیب پردازد و
روی برگرداند. مگر ندانسته که خدا می‌بیند. زنهار اگر باز نایستد موی پیشانی را سخت
بگیریم. موی پیشانی دروغزن گناه‌پیشه را، تا گروه خود را بخواند. بزودی آتشیانان را فرا
خوانیم.

زنهار فرمانش مبر و سجده کن و خود را نزدیک گردان.
ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم. و از شب قدر چه آگاهت کرد. شب قدر از هزار ماه
ارجمندتر است. در آن فرشتگان با روح به فرمان پروردگارشان برای هر کاری فرود آیند.
تا دم صبح صلح و سلام است.
ما تو را کوثر دادیم. پس برای پروردگارت نماز گزار و قربانی کن. دشمنت خود بی‌تبار
خواهد بود.

بگو ای کافران؛ آنچه می‌پرستید نمی‌پرستم و آنچه می‌پرستم شما نمی‌پرستید و نه آنچه
پرستیدید من می‌پرستم و نه آنچه می‌پرستم شما می‌پرستید. دین شما برای خودتان و دین
من برای خودم.

چون یاری خدا و پیروزی فرا رسد و ببینی که مردم دسته‌دسته در دین خدا درآیند. پس
به ستایش پروردگارت نیایشگر باش و از او آمرزش خواه که وی همواره توبه‌پذیر است.

